

آموزشی ابتداری

وزارت آموزش و پرورش
ماده ۱۰۰، برنامه ۱۰۰
وقرننامه ۱۰۰، فصلی آموزش

رشد

ISSN :1606-9102

ماهنامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران، دانشجومعلمیان دانشگاه های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ی بیست و سوم - بهمن ماه ۱۳۹۸ - شماری بی دربی ۱۸۶ - صفحه ۲۶۰۰۰ - ۲۶۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir

پرونده: خراسان جنوبی

۴۰

لی لی
برای کنکاش

۱۰

چراغ دل

۹

تحسین برانگیز
و فرامنطقه ای



مسابقه‌ی شماره‌ی ۵

تاریخ باشکوه ...

مخاطبان گرامی، در هر شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی سؤال یا سؤال‌هایی مرتبط با مناسبت‌های روز یا موضوعات خاص فضاهای آموزشگاهی طراحی می‌شود. سؤال این شماره حتماً برای شما آشناست و بارها درباره‌ی آن به تفکر پرداخته و سخن گفته‌اید و کلاس خود را پیش برده‌اید. اکنون با پاسخ به این مسابقه، در این فعالیت فرهنگی شرکت و با مجله‌ی خود همراهی کنید.

در برهه‌ی مهمی از تاریخ کشور هستیم. همانند گذشته، مردم ما روزهای بزرگی را دیده‌اند و ایام مهمی را رقم خواهند زد.

حال شما به‌عنوان آموزگار در برابر نونهالان، دانش‌آموزان و حتی فرزندان خود چه جزئیاتی از تاریخ باشکوه ۴۱ سال گذشته را برجسته می‌دانید؟ چگونه می‌خواهید از نکات برجسته و بارزش آن مناسبت‌ها و روزگاران یاد کنید تا در ذهن دانش‌آموزان ماندگار شوند و کلاستان اثربخش‌تر شود؟ تجربه‌ها، دل‌نوشته‌ها، خاطرات و فعالیت‌های تعلیم و تربیتی و نوآورانه‌ی خود را در این زمینه برای ما بفرستید.

مهلت ارسال پاسخ‌ها: ۲۹ اسفند ماه ۹۸

آموزشی ابتداری

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای
آموزگار ان، دانشجویان و دانشگاه‌های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌وسوم - بهمن‌ماه ۱۳۹۸ - شماره‌ی پدربیی ۱۸۶ - ۴۸ صفحه - ۲۶۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir



اللهم صلی علی محمد و آل محمد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

یادداشت سردبیر - هنر انقلاب، جرئت دادن به پیر و جوان / ۲

تقویم ماه / ۴

گفت‌وگو - آموزگار خلاق، شاگردان مشتاق، تدریس لذت‌بخش / محمد حسین دیزجی / ۶

برنامه‌ی درسی - قرآن / چراغ دل / رضا نباتی / ۱۰

نوشتار - تحسین برانگیز و فرمانطقه‌ای / دکتر یاسین حیات ابدی / ۹

اهمیت آموزش فراشناخت / فیروزه فروزبخش / ۱۴

قاطع اما صمیمی / اراضیه شجاعی / ۲۲

زیرنویس: خراسان جنوبی - گزارش / قدر آموزگاران دلسوز و توانمند را بدانیم / ۱۶

گزارش / تبعید به بهشت! / ۲۱

گفت‌وگو / مدرسه را با مشارکت همه جانبه‌ی اولیا اداره می‌کنیم / ۲۵

گفت‌وگو / معلم یعنی روشنی / ۲۷

گفت‌وگو / غفلت نکنیم! از ظرفیت تجربه و توانمندی آموزگاران / ۲۹

هشت نما - سوزن / روح... مال‌میر / ۳۲

ادبیات - به گفتار پیغمبر راه جوی / جعفر ربانی / ۳۴

مدرسه‌شناسی - حل ریاضی یا مشق ریاضی / کبری محمودی / ۳۶

نوشتن - انشانویسی - با مشاهده حرف می‌زنم! / حسین حسینی نژاد / ۳۸

تربیت بدنی - لی لی برای کنکاش / طیبیه ارشاد، دکتر محسن وحدانی / ۴۰

پاسداشت - پیشگام در روان‌شناسی تربیتی ایران / ۴۴

معرفی کتاب - راهنمای عملی طراحی آزمون عملکردی / ۴۵

تجربه‌ی کلاسی - سایه به سایه‌ی هم‌سالان / مریم عباسی / ۴۷

آلبوم عکس / ۴۸

مدیر مسئول: مسعود فیاضی
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
دکتر فاطمه رمضان، طیبیه حمزه‌بیگی،
مقصود رزم‌آرای شرق
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۴۲۹)
شماره: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
چاپ و توزیع: شرکت افست
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۲۳۳۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۱۶۰۰۰



عکس روی جلد: احسان زینلی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار «ورد» و روی «لوح فشرده» و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیترو اصلی، تیتروهای فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.
- علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.



هنر انقلاب جرئت دادن به پیر و جوان

در چهل و یکمین سال برپایی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) هستیم، انقلابی که ریشه در بینش دینی و رهبری مرجعیت و پشتیبانی و حضور با بصیرت مردم داشت و به ثمر رسید.

اینک این نهضت در چهل سالگی به رشد قابل لمسی رسیده است و ریشه‌های آن چنان در دل و جان مشتاقان تنیده که بی‌نیاز از شرح است. اما از دید مسئولان کشور، همچون رهبر معظم انقلاب اسلامی و به تبع آن نخبگان و استعداد‌های برتر علمی و فرهنگی و نیز دست اندکاران تعلیم و تربیت کشور امروزه، ضرورت حفظ این درخت تناور و میوه‌ی آن در گام دوم تمدن‌سازی اسلامی بیش از پیش حس می‌شود. به یقین حرکت به این سمت نیازمند نگرشی دوراندیشانه و یک خیز بلند فرهنگی، اسلامی و علمی است. حرکت در مسیر انقلاب اسلامی و حفظ آمادگی برای دوری از ریزش‌ها و تقویت رویش‌ها، در گرو همکاری آحاد مردم از جمله معلمان است. در محدوده‌ی علمی و فرهنگی جامعه‌ی ما که از مدرسه شروع می‌شود و تا دانشگاه ادامه می‌یابد، اگر بخواهیم از منظر الگوهای تعلیم و تربیتی به این مهم نگاهی بیفکنیم، بی‌شک «تحقیق و آموزش پژوهش‌محور» خود را مطرح خواهد کرد.

این مقدمه بیان شد تا گوشزد شود که در این سال‌ها حرکتی رو به جلو تحقق یافته که پایه‌های آن به‌طور قطع در مدرسه‌ها و با تلاش آموزگاران، مدیران، کارشناسان و دبیران بی‌ادعا گذاشته شده است.

و اکنون دانش‌آموزان دیروز به یاری معلمان خود جوانان رشیدی شده و در پی آن‌اند که حرکتی پرشتاب را در پیشرفت کشور پی‌افکنند. این شور و تلاش چنان بوده است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار با دو هزار نفر از نخبگان جوان و استعداد‌های برتر علمی در ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸، ادامه‌ی پیشرفت علمی کشور را در کوران حرکت پرشتاب علمی جهان، کاملاً ضروری و حیاتی خواندند و با اشاره به شوق سرشار، انگیزه‌ی تحسین برانگیز و اعتمادبه‌نفس جوانان نخبه تأکید کردند: «هر جوان نخبه‌ی ایرانی پاره‌ی تن ایران

عزیز ماست و برای رفع مشکلات نخبگان باید سند راهبردی امور نخبگان را کاملاً جدی اجرا و پیگیری کرد.»

رهبر معظم انقلاب، تأمل جوانان نخبه در خصوص مسائل مهم کشور را بسیار خوب ارزیابی کردند و با تأکید به مسئولان مربوطه برای دنبال کردن مطالبات و پیشنهاد‌های نخبگان گفتند: «حرکت علمی آغاز شده در کشور نیازمند استمرار است، البته رتبه‌های بالای علمی ایران در برخی رشته‌های نوپا مانند نانو و زیست‌فناوری بسیار افتخارآمیز است، اما به هیچ‌وجه کافی نیست و نباید ما را قانع کند، بلکه باید پیشرفت علمی با شتاب ادامه یابد.»

ایشان هنر انقلاب اسلامی را جرئت دادن به مرد و زن، و پیر و جوان برای ورود به میدان‌های دشوار از جمله میدان‌های علمی که حتی تحسین دشمنان را نیز به دنبال داشته است، خواندند و با یادآوری مواردی از افتخارات علمی کشور، گفتند: استفاده از ظرفیت علمی در بخش‌های مختلف کشور به «بالا بردن قدرت دفاعی»، «درمان و پزشکی پیشرفته و کنترل

می‌خواهیم دانشگاه‌های ما بازتولید دانشگاه‌های آمریکایی با همان فرهنگ غلط غربی باشند.»

رهبر انقلاب با ابراز خرسندی از فضای ایرانی-اسلامی مجموعه‌های فعال در عرصه‌های سلول‌های بنیادی، نانو، زیست‌فناوری و هسته‌ای گفتند: «نخبگان فعال در این زمینه‌ها، کار علمی را نوعی جهاد می‌دانند و این تفکر و نگرش در همه‌ی محیط‌های دانشگاهی مورد نیاز است. شرایط ما با شرایط دیگران متفاوت است. ما باید ایرانی بیندیشیم، ایرانی فکر کنیم و ایرانی زندگی کنیم، که رعایت و اجرای الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی می‌تواند به این هدف کمک شایانی کند.»

ایشان تقلید از فرهنگ دانشگاه‌های غربی را باعث از بین رفتن نوآوری و ابتکارات علمی خواندند و گفتند: «تقلید از دیگران، نوزایی و نشاط حقیقی علمی را هم از بین می‌برد. راه ما نه سوسیالیستی نه متکی بر لیبرال دموکراسی. ما به برکت اسلام راه سومی را به ملت‌ها ارائه کرده‌ایم که باید بیش از پیش با سخن منطقی و عمل خود، دل‌ها را به این راه سودمند برای بشریت جذب کنیم و ملت‌ها را از نفوذ روزافزون فرهنگ منحط غرب نجات دهیم. در کشور البته مشکلات مختلفی وجود دارد، اما نباید این مشکلات را یکطرفه و بدون توجه به موفقیت‌ها، مدام مطرح و بر سر آن مرثیه‌خوانی کرد، چرا که در این صورت امید در دل جوانان کم‌فروغ می‌شود. استعداد ایرانی بعد از انقلاب به‌وجود نیامده، بلکه موهبتی همیشگی و خدادادی است، اما انقلاب با میدان دادن به این استعدادها، ایران را از حالت راکد و عقب‌افتاده و وابسته، به کشوری مستقل، در حال پیشرفت و برخوردار از موفقیت‌های فراوان تبدیل کرد که باید به این واقعیات توجه کامل داشت.»

ایشان نتایج مقایسه‌ی پیشرفت‌های علمی دانشگاه‌ها در چهل سال اخیر با قبل از انقلاب را حیرت‌آور خواندند و افزودند: «این حرکت عظیم البته در اول راه است، اما به فضل الهی و همت نخبگان و جوانان به اوج خواهد رسید و جوان ایرانی باید با این نگاه به آینده بنگرد. هر چه می‌توانید دل‌های پاکتان را پاک‌تر کنید و در حرف و عمل خداوند کریم را همواره مدنظر داشته باشید. آن‌وقت همراهی و باری خدا را در پیشرفت مداوم احساس و درک خواهید کرد. گفته‌ایم که باید به گونه‌ای پیشرفت کنیم که ۵۰ سال بعد هر نخبه‌ای و هر کسی که در جهان خواست تازه‌های علم را فرا بگیرد، ناچار به دانستن زبان فارسی باشد و تحقق این هدف حتماً در دایره‌ی هوش و استعداد و همت ایرانی امکان‌پذیر است.»

منبع

۱. دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی با رهبر انقلاب. ۱۷ مهر ۹۸، پایگاه تبیینی - تحلیلی مصداق و مطبوعات



بیماری‌ها»، «مسائل فنی مهندسی»، «زیست‌فناوری و تولید محصولات بادوام با فناوری نانو» و «فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای» منجر شده است وقتی جوان نخبه‌ی ایرانی در زمینه‌ی مهندسی، در تراز جهانی عمل می‌کند و در ساخت دستگاه‌های بسیار پیچیده، کارهای بسیار مهمی انجام می‌دهد، طبعاً حضور او در عرصه‌هایی مانند اقتصاد، حقوق و مدیریت و ارائه‌ی راه‌حل برای مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی، مؤثر و راه‌گشا خواهد بود. با دانش نخبگان می‌توان راه‌حل‌های خوبی برای این مسائل یافت.

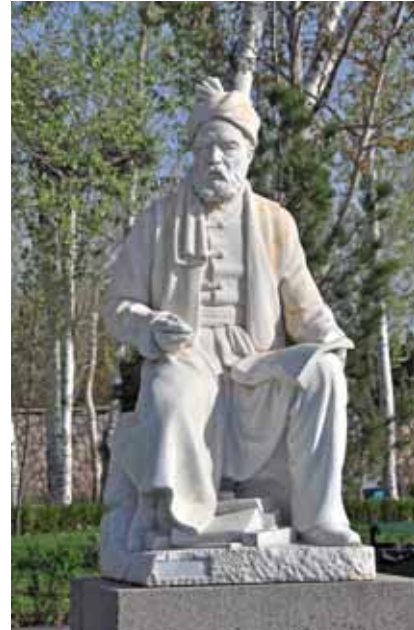
رهبر انقلاب همراه بودن علم با فرهنگ صحیح انسان‌دوستی را زمینه‌ساز استفاده‌ی بشر از منافع حقیقی علم و دانش خواندند و یادآوری کردند: «علم بسیار مهم و بسیار نافع هسته‌ای، وقتی با فرهنگ غلط قدرت‌طلبی همراه شد، به تولید بمب هسته‌ای انجامید و به تهدید بزرگ دنیا و بشریت تبدیل شد.»

ایشان در زمینه‌ی ضرورت همراهی علم با فرهنگ صحیح افزودند: «ما از شاگردی و یادگیری هیچ ابا و ننگی نداریم، اما



یکم بهمن، زادروز فردوسی

«حکیم ابوالقاسم فردوسی» در روستای پاژ از توابع طبران توس در خراسان دیده به جهان گشود. نام او همه جا ابوالقاسم فردوسی شناخته شده است. پدرش از دهقانان طوس بود که ثروت و موقعیت قابل توجهی داشت. وی از همان زمان که به کسب علم و دانش می پرداخت، به خواندن داستان هم علاقه مند شد. کودکی و جوانی فردوسی در زمان سامانیان سپری شد. آغاز سرودن شاهنامه را از سی سالگی فردوسی می دانند، اما با مطالعه زندگی نامه وی می توان برداشت کرد که وی در جوانی نیز به سرایندگی می پرداخته و چه بسا سرودن داستان های شاهنامه را در همان زمان و بر پایه داستان های کهنی که در داستان های گفتاری مردم جای داشته اند، آغاز کرده است.



نهم بهمن، شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها [سوم جمادی الثانی]

صدمات جسمی که در حوادث پس از رحلت پیامبر متحمل شد، در فاصله کمی از رحلت پدر بزرگوارشان در سال ۱۱ هجری قمری شهید شد. حضرت فاطمه (س) قبل از شهادت وصیت کرده بود دوست ندارد افرادی که به او ستم کردند و خشم و غضب او را سبب شدند، بر پیکرش نماز بخوانند و در تشییع او حاضر شوند. از این رو خواسته بود محل دفن او مخفی بماند. به گفته مورخان، **علی (ع)** به کمک **اسماء بنت عمیس**، همسرش را غسل داد و خود بر پیکرش نماز خواند. به غیر از امام علی (ع)، چند نفر دیگر نیز در نماز شرکت کردند.

فاطمه (س)، مشهور به فاطمه زهرا (۵ بعثت - ۱۱ ق)، دختر پیامبر اسلام (ص) و خدیجه کبری (س) و همچنین همسر امام علی (ع) است. او یکی از پنج تن آل عبا (اصحاب کساء) است. زهرا، بتول و سیده نساء العالمین، از جمله لقب های وی و ام ابیها کنیه مشهور اوست. حضرت فاطمه (س) در روز مباحله با مسیحیان نجران تنها زن همراه پیامبر (ص) بود. سوره کوثر، آیه تطهیر، آیه مودت و آیه اطعام و احادیثی چون حدیث بضعه در شأن و فضیلت حضرت فاطمه (س) نازل و نقل شده اند. حضرت فاطمه (س) پس از مدتی بیماری ناشی از

دوازدهم بهمن، سالگرد بازگشت امام خمینی (ره) به ایران و آغاز دهه مبارک فجر



بازگشت امام خمینی (ره) به ایران واقعه ای در جریان انقلاب اسلامی است که طی آن در ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷، رهبر کبیر انقلاب پس از ۱۴ سال تبعید، از فرانسه به ایران بازگشت و نزدیک به سه میلیون ایرانی در تهران از او استقبال کردند. این روز در تقویم رسمی کشورمان با عنوان آغازین روز دهه مبارک فجر مشخص شده است. همه ساله مصادف با این روز، در سراسر کشورمان، مراسم ویژه ای با حضور مقامات کشوری و لشگری برگزار و زنگ انقلاب در کشور نواخته می شود.

۲۶ بهمن، ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها و روز زن و سالروز تولد حضرت امام خمینی (ره)

نام مطهرش فاطمه و کنیه‌های مقدسش ام‌ایبها، ام‌الائمه، ام‌الحسن و ام‌الحسین است. معروف‌ترین القاب مبارکش نیز سیده‌النساء، بانوی بانوان عالم، صدیقیه کبری، زهرا، عذراء طاهره، مبارکه و بتول است. پنج سال پس از بعثت رسول خدا (ص)، در شب جمعه، ۲۰ جمادی‌الثانی، در مکه، حرم امن الهی، دیده‌ی حق بین به جهان گشود. مادر بزرگوارش خدیجه و پدر گرامی‌اش رسول خدا، حضرت محمد (ص)، است. در دو سالگی همراه پدر و مادر در شعب ابی‌طالب گرفتار شد و سه سال در آنجا رنج آوارگی و گرسنگی را همراه دیگر مسلمانان تحمل کرد. در پنج سالگی در رحلت مادر به سوگ نشست و در هشت سالگی به همراه خاندان خود به مدینه مهاجرت کرد. صاحب تفسیر روح‌الجنان، ابوالفتوح رازی، در ضمن آیه‌ی ۴۲ سوره‌ی آل عمران، پس از بیان عظمت و فضیلت حضرت **مریم** (س)، چنین می‌نویسد: «اما گزیده بر زنان همه‌ی جهان، به اتفاق، فاطمه‌ی زهرا (س) است، بر آنکه [او] پاره‌ی اندام رسول خدا (ص) است. حضرت رسول (ص) گفته است: «فاطمه بضعه منی من آذاهای آذانی؛ فاطمه پاره‌ای از اندام من است. هر که او را بیازارد، مرا آزرده باشد.» در کشور ما روز ۲۰ جمادی‌الثانی برابر با روز تولد حضرت فاطمه‌ی زهرا به‌عنوان روز مادر شناخته می‌شود. این روز به یمن زادروز بانوی نمونه‌ی اسلام، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، روز مادر نام گرفته است؛ بانویی که گل سرسید تمام بانوان عالم است؛ تنها زنی که پدرش معصوم، شوهرش معصوم و خودش نیز معصوم بوده و پیامبر گرامی اسلام (ص) به او لقب «ام‌ایبها» داده است؛ یعنی زنی که برای پدرش همچون مادر بود.»



نوزدهم بهمن، روز نیروی هوایی و روز تکریم مادران و همسران شهدا

از نظامیان متعهد نیروی هوایی بودند، به دیدار امام در مدرسه‌ی رفاه تهران رفتند و همبستگی خود را برای همیشه اعلام کردند. از آن به بعد، این روز باشکوه به نام «نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی» نام‌گذاری شد.

در ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷، به دنبال شایعات کودتای ارتش، نظامیان متعهد نیروی هوایی به ملت پیوستند و با حضور در محضر رهبر انقلاب، سندی از حماسه و ایمان را به ثبت رساندند. این روز نقطه‌ی عطفی در تاریخ انقلاب و ارتش بود. در این روز، همافران که جمعی

۲۲ بهمن، پیروزی انقلاب اسلامی



۲۲ بهمن یادآور یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای تاریخی برای ملت بزرگ ایران است. قریب به اکثر کشورهای جهان، بزرگ‌ترین روز تاریخی خود را روز استقلال خود می‌دانند و برای آن احترام قابل ملاحظه‌ای قائل‌اند، ملت ایران اسلامی نیز در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با رهبری هوشمندانه‌ی امام خمینی (ره) در شکستن حکومت نظامی و ناکام گذاشتن نقشه‌ی دشمن موفق شدند. در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تاریخ نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به نقطه‌ی عطف خود رسید. استبداد بیش از ۵۰ ساله‌ی رژیم پهلوی در ایران ریشه‌کن شد و به خواست الهی حکومت جمهوری اسلامی تأسیس شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراجعه کنید به صدوق. الامالی. ۱۴۱۷ ق. ص ۷۴، ۱۸۷، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۲؛ کلینی، الکافی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مسعودی، اسرارالفاطمیه، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۰۹.
۲. نگاه شود به: مجلسی، بحارالانوار، (۱۴۰۴ ق). ج ۴۳؛ این شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ۱۳۷۶ ق، ج ۳، ص ۱۳۲.
۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۴.
۴. مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۳، ص ۹۲.
۵. شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا، ۱۳۶۳ ش، ص ۷۸.
۶. شیخ ابوالفتوح رازی (حسین بن علی الخزاعی النیشابوری)، تفسیر روح‌الجنان و روح‌الجنان، به کوشش: دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، ج ۴، ص ۳۱۸.



آموزگار خلاق، شاگردان مشتاق، تدریس لذت‌بخش

الناز بابایی، معلم پژوهنده‌ی پایه‌ی چهارم

عشق و علاقه‌اش به تدریس ریشه در خدمت صادقانه و خالصانه‌ی پدرش دارد. آن روزها که کودکی بیش نبود، همراه پدر به مدرسه‌ی باغچه‌بان می‌رفت و از نزدیک تلاش‌های دلسوزانه‌ی پدر برای بچه‌های نابینا، ناشنوا و معلولان ذهنی را مشاهده می‌کرد. حتی وقتی پدر برای تصحیح برگه‌های فعالیت‌های دانش‌آموزانش در خانه مشغول بود، او کنارش می‌نشست و کارهای آن آموزگار توانا و دلسوز را دنبال می‌کرد. آن قدر این شوق زیاد بود که آینده‌اش را در همان دید و همان را برگزید. راه روشن پدر را انتخاب کرد. تجربه‌ها را کنار هم گذاشت و سعی خود را به کار گرفت تا شاگردانش را به درستی تعلیم دهد و به نیکویی تربیت کند.

تنها پنج سال سابقه تدریس دارد، اما در همین اندک زمان، سه سال پی‌درپی به‌عنوان معلم پژوهنده‌ی ناحیه و استان آذربایجان شرقی خوش درخشید و مقام آورد. روش‌های خلاقانه‌اش در تدریس ما را بر آن داشت تا سفری به تبریز داشته باشیم و با الناز بابایی، آموزگار پایه‌ی چهارم «دبستان دخترانه‌ی تمدن برتر» ناحیه‌ی یک آموزش و پرورش تبریز که کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی دارد، به گفت‌وگو بنشینیم.

کلیدواژه‌ها: روش‌های تدریس، اقدام‌پژوهی

● شما در فعالیت‌هایتان یک اقدام‌پژوهی با این محور دارید که میزان علاقه‌ی بچه‌ها به مطالعه را افزایش داده است. درباره‌ی این فعالیت بیشتر برایمان توضیح دهید.

با توجه به اینکه سال قبل هم آموزگار پایه‌ی سوم آن دانش‌آموزان بودم و شناخت کاملی نسبت به آن‌ها داشتم، در ابتدای سال،

با هماهنگی مدیر، معاون و اولیای دانش‌آموزان تصمیم گرفتم دنبال راهکارهایی باشم تا شاگردانم در پایه‌ی چهارم به کتاب و مطالعه علاقه پیدا کنند. راهکارهای متنوعی برای افزایش علاقه‌ی دانش‌آموزان به مطالعه به کار بردم، از جمله: روش‌های گوناگون تدریس، ساخت انواع دست‌سازه‌های آموزشی، انواع روش‌های املا و انشانویسی، تنظیم برنامه و قانونی مشخص در منزل و مدرسه، ایجاد انگیزه و خودباوری و اعتمادبه‌نفس با دادن مسئولیت‌های ماهانه به هر کدام از دانش‌آموزان (معلم‌یاور، نماز یاور، نماینده، و مسئول کتابخانه)، خطاب قرار دادن آن‌ها با عنوان شغل دلخواهشان (دکتر، معلم، مهندس و ...)، معرفی افراد موفق با وجود مشکلاتشان، چسباندن جملات انگیزشی روی بولتن و در کلاس، تشویق به شرکت در مسابقات و جشنواره‌ها، تشویق کلامی و غیر کلامی، ایجاد ارتباط دوستانه با دانش‌آموزان و صحبت با اولیا.

● این علاقه‌ای که از آن یاد می‌کنید، چطور قابل اندازه‌گیری بود که احساس کردید بچه‌ها الان و بعد از این طرح به مطالعه علاقه‌مند شده‌اند؟

میانگین ارزشیابی درس‌های دانش‌آموزان در سه دوره (آزمون ورودی، نوبت اول و نوبت دوم) از پیشرفت ملموس دانش‌آموزان در تمامی درس‌ها حکایت داشت. همچنین مسئول کتابخانه‌ی مدرسه اذعان داشت دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم نسبت به قبل از کتاب‌های کتابخانه بیشتر استفاده می‌کنند. کسب مقام در مسابقات کتاب‌خوانی و جشنواره‌ی جابرین حیان نیز تأییدکننده این امر بود. طی جلساتی که با اولیا داشتم آن‌ها هم از افزایش مطالعه‌ی دانش‌آموزان راضی بودند.

● این علاقه در کتاب‌های درسی اتفاق افتاد یا در مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی هم شکل گرفت؟

در کتاب‌های غیردرسی هم اتفاق افتاد. دانش‌آموزان کتاب‌هایی را



سعی می‌کنم همیشه از مسیر بازی و سرگرمی آموزش را برای شاگردانم تسهیل و جذاب کنم تا از درس‌ها لذت ببرند



که از کتابخانه‌ی کلاس و مدرسه می‌گرفتند، شب‌ها قبل از خواب و طبق برنامه‌ی مشخص خود، مطالعه می‌کردند و فردای آن روز برای یکدیگر تعریف می‌کردند. حتی بعضی مواقع این داستان‌ها را به صورت نمایشی نیز بازگو می‌کردند. به همین ترتیب، این علاقه بین آن‌ها گسترش پیدا می‌کرد.

● دیگر پژوهش شما درباره‌ی افزایش سلامت روانی دانش‌آموزان است. مشکل اولیه از نظر شما چه بود که به فکر این پژوهش افتادید؟

وجود ناسازگاری و پرخاشگری در برخی دانش‌آموزان، بی‌توجهی به تدریس معلم، و آشفتگی کانون خانواده در برخی از دانش‌آموزان مرا واداشت در این مورد اقدام پژوهی انجام دهم.

● دستاورد پروژه‌ی سلامت روانی چه بود و چه نتایج‌ی در برداشت؟

افزایش میزان همکاری و همدلی این دانش‌آموزان با بقیه‌ی دوستان و هم‌سالان خود، شرکت در شوراهای دانش‌آموزی و جلب اعتماد و محبت بچه‌ها نسبت به خود، کنترل خشم و ترس و اضطراب خود با توجه به آموزش‌های مربی بهداشت و معلم، و همچنین مشاهده‌ی رفتار دانش‌آموزان قبل و بعد از طرح، نشانگر افزایش سلامت روانی در این دانش‌آموزان بود.

● شنیده‌ایم شما در بحث خلاقیت و نوآوری کارهای آموزشی هم فعال هستید.

چند طرح در این زمینه دارم. تخته میخ وایت‌برد، دست‌سازه‌ی منظومه‌ی شمسی، مولاژ بدن و مولاژ رگ‌های بدن انسان، چرتکه‌ی آموزشی، دست‌سازه‌ی مراحل رشد میوه‌ی انار و گوجه‌فرنگی، از

ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی و تنوع در یادگیری شده است. بر مهارت توجه و گوش دادن نیز افزوده است.

● در مورد طرح میخ و تخته برایمان بیشتر توضیح دهید. ایده‌ی این طرح چطور به ذهن شما رسید و چه مشکلاتی از بچه‌ها را در چه درس‌هایی برطرف کرد؟

ابزار آموزشی پلاستیکی شبیه به آن را در لوازم‌التحریری‌ها دیده بودم، ولی به نظرم کارآمد نمی‌آمد. تصمیم گرفتم به کمک همسرم که در نجاری تجربه و تخصص خوبی دارد، خودم وسیله‌ای برای آموزش بچه‌ها بسازم. این طرح در یادگیری بهتر بسیاری از مفاهیم درس ریاضی از جمله محیط و مساحت، تقارن، کسرها، ضلع و قطر، انواع خط، انواع نمودار، زاویه و ضرب بسیار کارآمد است. با استفاده از مقداری نخ رنگی، صفحه‌ای طلق که روی تخته نصب شده و یک ماژیک، به راحتی می‌توان بسیاری از مباحث ریاضی را به بچه‌ها آموزش داد.

● از مولاژهایی که برای آموزش علوم ساخته‌اید هم بگوئید.

مدرسه‌ی ما مولاژ در اختیار نداشت و من در درس علوم باید مویز را برای شاگردانم توضیح می‌دادم. لذا با نمودن بدن انسان را درست کردم و بعد با دو رنگ نخ در اندازه‌های متفاوت، سرخ‌رنگ و سیاه‌رنگ را درست کردم. یک مولاژ دیگر هم ساختم و اجزای بدن را با پارچه و چسب دو طرفه به بدن چسباندم. این مولاژ حالت پازل دارد، به طوری که بچه‌ها به راحتی می‌توانند در قالب بازی، درس علوم را بهتر درک کنند و یاد بگیرند.

● برای آموزش محورها هم یک وسیله‌ی ساده و ابتکاری درست کرده‌اید. این وسیله چه کمکی به آموزش می‌کند؟

پایه‌ی این کار یک تکه تخته‌ی فیبر است که روی آن مقوایی سفید چسباندم و یک طلق هم روی آن قرار دادم. اعداد ثابت را روی مقوایی سفید نوشتم و اعداد متغیر را روی طلق. این کار را با ماژیک انجام می‌دهم. بچه‌ها به کمک این محور، خیلی راحت می‌توانند جمع و تفریق کسرها را هم یاد بگیرند. سعی می‌کنم همیشه از مسیر بازی و سرگرمی آموزش را برای شاگردانم تسهیل و جذاب کنم تا از درس‌ها لذت ببرند.

● چه کسانی در این کار به شما کمک کردند؟

من باید از همسرم برای کمک او در ساخت وسایلی که نیاز داشتم صمیمانه تشکر کنم. ما در یک مجموعه‌ی آموزشی فعالیت داریم و من در دبستان دخترانه هستم. آقای مجید قلی‌پور مدیر دبستان پسرانه و خانم فاطمه فایده‌ی مدیر دبستان دخترانه‌ی تمدن برتر، هر کدام در حد توان خود مرا همراهی و تشویق کردند تا بتوانم این کارها را دنبال کنم. لذا از آنان هم تشکر و قدردانی می‌کنم.



علاقه‌ی دانش‌آموزانم به مطالعه‌ی کتاب بعد از اجرای یک طرح تشویقی به جایی رسید که از کتابخانه‌ی مدرسه کتاب امانت می‌گرفتند و شب‌ها می‌خواندند و فردای آن روز در مدرسه از کتاب‌ها تعریف می‌کردند

جمله طرح‌های من در حوزه‌ی آموزش دانش‌آموزانم است. با توجه به تحقیقات پژوهشگران، در حدود ۷۳ درصد یادگیری از طریق «حس بینایی» صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، استفاده از وسایل کمک‌آموزشی در حین تدریس، علاوه بر جذابیت آموزش، به یادگیری بهتر دانش‌آموزان می‌انجامد. شنیدن کی بود مانند دیدن.

● هر کدام از این طرح‌ها چه مشکلی از کار آموزشی شما را برطرف کرد؟

این طرح‌ها تسهیل، تعمیق و تثبیت یادگیری دانش‌آموزانم را در پی داشته و به آموزش‌ها عینیت بخشیده است. همچنین، باعث

تحسین برانگیز و فرامنطقه‌ای

تأثیر انقلاب اسلامی بر پیشرفت‌های آموزش و پرورش

انقلاب اسلامی نه تنها به حکومت وابسته و خودکامه‌ی شاهنشاهی پایان داد که به بسیاری باورهای غلط و اینکه ما نمی‌توانیم نیز خط بطلان کشید. اینک کشور ما در فناوری، علم، ارتباطات جهانی و تولید محصولات در کشور و سطح جهان نامی مطرح است. در این مقاله به تأثیر انقلاب اسلامی بر پیشرفت‌های آموزش و پرورش می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، پیشرفت آموزشی

دستاوردهای عیان

بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی باشکوه ایران می‌گذرد. در طول این سال‌ها روزبه‌روز ایران عزیزمان قدرتمندتر در مسیر موفقیت گام برمی‌دارد؛ طوری که در جنبه‌های علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد تحسین جوامع بین‌المللی قرار گرفته است. پیشرفت‌های علمی ایران پس از انقلاب اسلامی بسیار شاخص بوده است و این موضوع به گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در سطوح فرامنطقه‌ای منجر شده است. امروز انقلاب اسلامی ایران با وجود حجمی همه‌جانبه‌ی استکبار جهانی و تحریم‌های ناجوانمردانه، در اعماق قلوب مردم آزادی‌خواه جهان جای گرفته و هر روز بر پیشرفت و عظمت آن افزوده می‌شود. پیشرفت‌های علمی ایران اسلامی در طول این چهار دهه بر کسی پوشیده نیست و بیان این دستاوردها در سطح جامعه، موج امیدآفرینی و مقاومت بیش از پیش مردم در برابر توطئه‌ها را سبب خواهد شد. دستاوردهای علمی و پژوهشی انقلاب اسلامی را می‌توان به دستاوردهای علمی در سطح مدرسه و در سطح دانشگاه طبقه‌بندی کرد. تمامی این دستاوردها با کمک رهنمودهای ارزشمند مقام معظم رهبری و تلاش دانشمندان بزرگوار و معلمان عزیز ایران‌زمین تحقق یافته است. تفکر غالب دانش‌آموزان و قشر تحصیل‌کرده‌ی قبل از انقلاب اسلامی، مصرف‌گرا و وابسته بود. همین موضوع باعث عقب‌افتادگی ایران در زمینه‌ی ساخت و تولید کالاهای اساسی و غیراساسی بود. این تفکر و بینش در سطح مدرسه‌ها هم جریان پیدا کرده بود. به همین خاطر، دانش‌آموزان خودباوری خود را در استقلال ذهنی و توانمندی‌شان را در زمینه‌های کارآفرینی از دست داده بودند،

اما با آغاز انقلاب، تغییر شگرفی در سیاست‌های کشور در سطح علمی و آموزشی رخ داد و منجر به آن شد که حتی دانش‌آموزان دبستانی هم به خودباوری رسیدند و با تفکر خلاق و واگرایی خود در صدد رفع مشکلات خود و اطراف خود برآمدند. در همین راستا و با تغییر نگرش مراکز علمی، سرعت پیشرفت علم در ایران بسیار سریع شده است و هر روز شاهد درخشش کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی در سطوح ملی و بین‌المللی هستیم.

جایگاه ما

مدال‌های ما در المپیادهای علمی پس از انقلاب به ۶۶۹ عدد رسیده است و اکنون ما جزو ۱۰ کشور اول دنیا در المپیادهای علمی هستیم. این در حالی است که دانش‌آموزان ما قبل از انقلاب هیچ جایگاهی در منطقه و جهان در سطح بین‌المللی نداشتند و یکی از اصلی‌ترین دلایل آن وجود تفکر وابستگی به غرب در میان دانش‌آموزان بود. با تغییر نگرش و تفکر در مدرسه‌ها و سایر جوامع علمی توانستیم کشور را به جایگاه واقعی خود برسانیم.

از دستاوردهای دیگر انقلاب اسلامی می‌توان به عدالت آموزشی در خصوص زنان و مناطق دوردست اشاره کرد که همه‌ی ایرانیان و با هر گونه سطح درآمد و هر سنی می‌توانند آموزش ببینند و به پیشرفت خود و جامعه‌ی خود کمک کنند. مطابق با گزارش نرخ باسوادی در سال ۵۵ حدود ۴۱ درصد، در سال ۶۵ حدود ۶۲ درصد و در سال ۸۵ به ۸۴ درصد رسید. این نرخ در سال ۹۷ به بالاترین میزان خود رسید؛ طوری که امروز بیش از ۹۶ درصد از افراد ۱۰ تا ۴۹ سال کشور باسواد هستند.

امروزه می‌توان گفت در دورافتاده‌ترین نقاط کشور مدرسه برای تحصیل وجود دارد و دانش‌آموزان می‌توانند بدون هر مانعی مشغول به تحصیل شوند. به نقل از معاونت عمرانی وزارت آموزش و پرورش، پس از انقلاب ۴۹۰ هزار کلاس درس ساخته شده است. این میزان کلاس با ساخت ۳۷ کلاس درس در هر روز پس از انقلاب اسلامی برابر است. این حد از تأمین فضای آموزشی ویژه‌ی دانش‌آموزان اتفاقی بسیار شاخص است. انقلاب اسلامی توانست دانش‌آموز بی‌خبر از مسائل شهر خود را به دانش‌آموز مشرف به مسائل جهانی تبدیل کند؛ دانش‌آموزی که در تحولات منطقه و بین‌المللی نقشی اساسی ایفا می‌کند. این پیشرفت‌های شاخص باعث شده است کشورهای منطقه با الگوبرداری از ایران، به وارد کردن ایدئولوژی انقلابی انقلاب اسلامی ایران به کشور خود اقدام کنند. امیدواریم ایران عزیزمان روزبه‌روز رشد بیشتری را تجربه کند و بتواند از ظرفیت فکری فوق‌العاده‌ی دانش‌آموزان خود بالاترین استفاده را ببرد تا بتوانیم به‌عنوان جایگاه اول در تمامی زمینه‌ها معرفی شویم. یادمان نرود که پیامبر اسلام (صلوات‌الله علیه و آله) فرمودند: «اگر علم در ثریا هم باشد، مردمانی از ایران به آن دست پیدا خواهند کرد.»



است این تعریف باید جامع و مانع باشد تا از تفسیر به رأی و بدفهمی در امان بماند. آنچه در زمینه‌ی تعریف حفظ قرآن در کتاب‌ها و مقاله‌ها یافت شد، به‌طور اجمالی به این شرح است: «حفظ قرآن یعنی یاد گرفتن و از بر کردن قرآن کریم» و حافظ قرآن یعنی «کسی که همه‌ی قرآن کریم یا بخشی از آن را از بر باشد».

«حفظ عمومی قرآن»

اهمیت حفظ قرآن کریم در سال‌های اخیر و تأکید مقام معظم رهبری بر عمومی‌سازی حفظ قرآن و نیز با عنایت به محوریت «تربیت ده میلیون حافظ قرآن» در اهداف آموزش عمومی قرآن (مصوب شورای توسعه‌ی فرهنگ قرآنی کشور) و نیز جدایی آموزش عمومی قرآن از آموزش‌های تخصصی در این سند، ضرورت توجه بیشتر و عمیق‌تر به این موضوع را تأیید می‌کند. لذا بهتر است در تعریف حفظ قرآن، به این نکته نیز پرداخته شود.

حفظ عمومی (یا اجمالی، یا مقدماتی یا نسبی) درجه‌ای از حفظ قرآن است که در آن، حافظ قرآن ضمن تسلط نسبی بر آیات و سوره‌های خاص، با مفهوم اجمالی برخی آیات آشناست و از آن‌ها در فرایند تفکر و عمل بهره می‌گیرد. به‌صورت خلاصه می‌توان گفت:

«حفظ عمومی قرآن = حفظ حروف + حفظ حدود»

چیستی و چگونگی حفظ قرآن کریم

چراغ دل

در سال‌های اخیر، موضوع حفظ قرآن کریم در مدرسه‌ها بیش از گذشته مطرح شده است. آنچه بیش از همه نوشتن این مقاله را ضرورت می‌بخشد، مشاهده‌ی شتابزدگی‌ها، سطحی‌نگری‌ها و ساده‌اندیشی‌ها و در نتیجه بروز آسیب‌های تربیتی در دوره‌های تحصیلی، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، است که گاهی به دین‌گریزی دانش‌آموزان منجر می‌شود.

در آغاز بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) برای حفظ قرآن کریم از تحریف و نیز گسترش آن، راهی جز به خاطر سپردن آیات الهی وجود نداشت، ولی اکنون که چاپ و نشر به پیشرفتی باور نکردنی دست یافته، چه ضرورتی برای حفظ قرآن کریم وجود دارد؟ در صورتی که ضرورتی برای این موضوع وجود داشته باشد، آیا امکان حفظ قرآن کریم برای عموم افراد جامعه، به‌ویژه دانش‌آموزان، وجود دارد؟ با توجه به تفاوت آموزش عمومی قرآن با آموزش‌های تخصصی، چگونه می‌توان در دوره‌های تحصیل به حفظ قرآن پرداخت؟... هدف از این نوشته، پاسخ به چنین سؤال‌هایی است که در قالب تبیین اجمالی «چیستی، چرایی و چگونگی» حفظ قرآن کریم در دبستان تقدیم می‌شود.

چیستی حفظ قرآن

بیش از هر چیز باید دید «هستی» و «چیستی» چیست؟ «هستی» موضوعی جدا از «چیستی» است. به چیستی «ماهیت» نیز گفته می‌شود. «چیستی» همان تصویری است که ما از یک شیء در ذهن خود داریم، مثل تصویری که از درخت داریم.

ولی «هستی» که در فلسفه به آن «وجود» گفته می‌شود، واقعیتی است که ما از آن خبر داریم و آن را پیش روی خود می‌بینیم؛ مانند لمس یک درخت. همه‌ی ما درباره‌ی حفظ قرآن کریم کم و بیش نظرات نزدیک به هم داریم. اما آیا چیستی (طبق تعریف ما) درباره‌ی حفظ قرآن هم یکسان است؟

برای درک چیستی حفظ قرآن، باید اول آن را «تعریف» کرد. بدیهی



ب) روش «اِقراءِ قرآن»

رسول خدا (ص) در مقابل مؤمنان سیاست «اِقراءِ قرآن» را پیش گرفت که به معنای «تعلیم همه‌جانبه‌ی قرآن» بود. ضرورت این کار از آنجا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به دایره‌ی مسلمانی به آموزش احکام دینی نیاز داشتند، اما آیات قرآن غالباً فاقد جزئیات احکام و مقررات دینی بودند. لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کنار تعلیم قرآن، گاه با توضیح شفاهی و گاه به شکل عملی، مؤمنان را در جریان جزئیات احکام و شریعت‌ها قرار می‌داد و به تدریج با تفسیر بسیاری از آیات قرآن آشنا می‌کرد.

اعزام حافظان قرآن

همچنین، حافظان قرآن، مبلغان اصلی دین مبین اسلام بودند که ضمن تسلط بر حفظ الفاظ و معانی آیات و سوره‌ها، یا سنت نبوی و سیره‌ی علوی را از نزدیک درک کرده و یا از طریق شاگردان و صحابه‌ی ایشان با تفسیر و احکام و روایات آشنا شده بودند. ایشان در گسترش شریعت اسلام از طریق تعلیم قرآن کریم نقش بزرگی داشتند و بسیاری از ایشان در این راه به شهادت رسیدند. تنها در یکی از جنگ‌ها، حدود ۷۰ نفر از حافظان قرآن به شهادت رسیدند.

ج) «چرایی» حفظ قرآن کریم کاربرد حفظ قرآن

آنچه گفته شد، تنها دلایل توجه به موضوع حفظ قرآن نیست، بلکه مهم‌ترین و اصلی‌ترین محوری که امروز «نیاز به حفظ قرآن در جامعه را با اهمیت جلوه می‌دهد، این است که حافظ قرآن می‌تواند از این مهارت در زندگی فردی و اجتماعی خود بهره بگیرد و در سبک زندگی اسلامی و دینی خود و به‌ویژه در میدان‌های سخت فرهنگی و اعتقادی، به آن تمسک یابد. البته اگر حفظ الفاظ صرف نباشد.» و امروز مهم‌ترین کارکرد تربیت حافظان قرآن باید همین معنا باشد. پس، کلام الهی تنها برای جلوگیری از تحریف و نابودی به خاطر سپرده نمی‌شد که حال با پیشرفت صنعت چاپ، حفظ قرآن بیهوده جلوه کند، بلکه انگیزه‌های گوناگونی برای حفظ قرآن کریم وجود داشته و دارد.

با عنایت به موضوع، گسترش حفظ عمومی قرآن کریم باید با توجه به «نیاز»، «توان» و «ذائقه‌ی» مخاطبان برنامه‌ریزی شود، و الا با توجه به دشواری‌های حفظ و تثبیت آن برای عموم مردم، گسترش این مهارت، عقیم و بی‌نتیجه خواهد بود.

به عقیده‌ی نویسنده: «گسترش حفظ قرآن کریم در سطح عمومی عقیم خواهد بود، اگر در کنار سبک زندگی اسلامی و براساس نیاز مخاطب ارائه نشود.» و این مهم در عرصه و گستره‌ی عمومی حتماً نیازمند پیوست پژوهشی و برنامه‌ریزی درسی و آموزشی است.

تاریخچه‌ی حفظ قرآن

از آنجا که حفظ قرآن کریم از اولین و مهم‌ترین شیوه‌های تبلیغ و ترویج دین اسلام بوده است، لذا بیان تاریخچه‌ی اجمالی، مفید و بلکه لازم به نظر می‌رسد. اهمیت حفظ قرآن در صدر اسلام از آن جهت بوده است که اغلب مردم از مهارت خواندن و نوشتن محروم بودند. لذا حفظ قرآن مورد تأکید بود؛ چرا که یکی از ابزار صیانت از تحریف قرآن محسوب می‌شد. روش و منش (سنت) پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام روش «اِقراء» و «اسماع» بود.

الف) روش «اسماع قرآن»

«اسماع» در لغت به معنای شنوایی است و این کار به همین معنا در قرآن به کار رفته است (سوره‌ی روم، آیه‌ی ۵۲). مراد از اسماع قرآن، شنوایی آن به گوش مردم است که معمولاً در مکه و نسبت به مشترکان قریش، حاجیان و رهگذران صورت می‌پذیرفت. طبق شواهد تاریخی، در سال‌های ابتدای رسالت، رسول خدا (ص) در مسجدالحرام می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به نماز می‌ایستاد و سوره‌هایی را قرائت می‌کرد. به این ترتیب، آیات قرآن را به گوش رهگذران می‌رساند. به عبارت دیگر، رسول خدا (ص) در قالب عبادات روزانه‌ی خود رسالت تبلیغی خویش را نیز دنبال می‌کرد.

ضرورت حفظ قرآن

علاوه بر آنچه درباره‌ی ضرورت حفظ قرآن کریم اشاره شد، خوب است ببینیم قرآن کریم و روایات شریف در زمینه‌ی حفظ قرآن کریم چه دیدگاهی دارند و نیز در کلام بزرگان و اندیشمندان به این موضوع چگونه نگر بسته شده است؟

قرآن کریم

شاید تنها آیه‌ای که به صراحت به موضوع حفظ قرآن اشاره کرده است، همین آیه باشد:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

بلکه این قرآن، آیات روشنی است در سینه‌های کسانی که به آن‌ها علم [الهی] داده شده است.

و مَا يَجِدُ بآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

و هرگز آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند.

سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۹

البته تفسیرهای شیعه از جمله تفسیر البرهان، مصداق بارز صاحبان علم را که قرآن بر سینه‌های آنان جای گرفته، «اُثْمَةُ مَعْصُومٍ (علیهم السلام)» که جانشینان بر حق پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) هستند، معرفی می‌کنند. علامه طبرسی در «جوامع الجامع»، علاوه بر پیامبر و ائمه، دانشمندانی را که قرآن را حفظ و در سینه‌های خود جای داده‌اند و معنای آن را در سینه‌های خود جا داده‌اند، مصداق این آیه می‌داند. در این آیه، معیت و همراهی آیات قرآن با علوم الهی در سینه‌های صاحبان خرد نکته‌ی ظریف و مهمی است.

جایگاه حفظ قرآن در اسناد تحولی

قبل از آنکه جایگاه حفظ قرآن را در اسناد تحولی بررسی کنیم، ذکر بند الف ماده‌ی ۶۳ «قانون برنامه‌ی ششم توسعه» ضروری است تا از این رهگذر از میزان اختیارات وزارت آموزش و پرورش در ورود به این حوزه از یادگیری اطلاع یابیم. قانون برنامه‌ی ششم توسعه، وزارت آموزش و پرورش را به اجرای سند تحول بنیادین مکلف کرده است: «ماده‌ی ۶۳: الف) دولت مکلف است برای ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت اقداماتی انجام دهد: ۱. اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به نحوی که کلیه‌ی اقدامات وزارت آموزش و پرورش براساس این سند انجام شود و اقدامی مغایر با قانون و سند صورت نگیرد»

موضوع حفظ قرآن در هیچ یک از اسناد تحولی و زیرنظام‌های آن مطرح نشده است. چه در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و چه در سند تحول بنیادین و چه در سند برنامه‌ی درسی ملی. تنها جایی که می‌توان ردپایی از حفظ قرآن یافت، در اهداف مصوب «راهنمای برنامه‌ی درسی قرآن» است که در آن، دانش آموز به حفظ اجمالی و تدریجی و داوطلبانه‌ی برخی پیام‌های قرآنی و سوره‌ها

توصیه شده است. از سوی دیگر، در «اهداف آموزش عمومی قرآن کریم» که مصوبه‌ی شورای توسعه‌ی فرهنگ قرآنی کشور است، یکی از بندهای ۹ گانه، به حفظ قرآن کریم اختصاص دارد. روشن است که این اهداف، زمانی برای آموزش و پرورش قابل اجرا خواهند بود که به تأیید شورای عالی آموزش و پرورش رسیده باشند و به‌طور رسمی به بخش‌ها و مدرسه‌ها ابلاغ شوند. در شرایط فعلی، بین این اهداف و اسناد تحولی وزارت آموزش و پرورش مغایرت‌هایی دیده می‌شود که در صورت اصلاح و ابلاغ مجدد، امکان عملی برای اجرا پیدا خواهند کرد.

انواع روش حفظ قرآن

پیش از هر چیز باید دید چه قالب‌هایی برای حفظ قرآن وجود دارد؟ و کدام یک برای عموم مناسب‌ترند؟ به این تقسیم‌بندی‌ها توجه کنید:

الف) روش‌های حفظ کتبی

در این نوع از حفظ، تعداد صفحات و آیات ملاک است؛ هر چه بیشتر، بهتر و مقبول‌تر. این نوع از حفظ قرآن حداقل به سه شکل انجام می‌شود:

حفظ ترتیبی

۱. از اول قرآن کریم (از سوره‌ی حمد و بقره تا ناس)

۲. از اول جزء (مانند حفظ جزء ۳۰)

۳. از اول سوره (مانند حفظ سوره‌ی یاسین)

ب) روش‌های حفظ کیفی

در حفظ کیفی، علاوه بر حفظ الفاظ، به سایر عناصر نیز توجه می‌شود؛ مانند معنا، تدبیر، تمسک، و عمل. در نهایت هم انس همیشگی فرد با قرآن کریم، به‌عنوان کتاب هدایت، را در پی دارد. حفظ کیفی را می‌توان به بخش‌های «موضوعی، تخصصی و عمومی» تقسیم کرد که هر یک می‌توانند زمینه‌ساز مراتب بعدی نیز باشند.

۱. حفظ موضوعی

در اینجا حفظ قرآن کریم را از ساده‌ترین مرحله آغاز می‌کنیم:

- **واژه:** گاهی برای کودک حفظ یک واژه‌ی قرآنی از حفظ یک سوره جذاب‌تر و مناسب‌تر است. واژگان مشترک زبان فارسی و قرآن را در متن آیات بیابید و حفظ قرآن را با حفظ واژگان قرآنی شروع کنید، مانند: نور، کتاب و قلم.

- **ترکیب:** گاهی حفظ ترکیب قرآنی برای کودک جذاب است. ترکیب‌های ساده و پر کاربرد را در متن آیات بیابید و از دانش‌آموزان سؤال کنید؛ مانند: نعمت‌الله و الحمدلله.

- **پیام قرآنی:** جمله‌های قرآنی پرمعنا و هدایتگرها مانند «و بالوالدین احسانا» و «و قولوا للناس حسنا» را می‌گویند. در قرآن بیش از ۳۵۰ هزار پیام قرآنی با مضمون‌های تربیتی وجود دارد که بیش از ۵۰۰ پیام آن‌ها برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی مناسب‌اند.

- **تمثیل و داستان:** در قرآن کریم بیش از ۲۶۰ قصه‌ی قرآنی

آمده که تعداد قابل توجهی از آن‌ها برای کودکان مناسب‌اند. می‌توان حفظ برخی از این آیات را همراه با قصه مدنظر قرار داد.

نیایش: در قرآن کریم حدود ۱۱۰ رینا آمده است که حدود نیمی از آن‌ها در حوزه‌ی آموزش عمومی قرآن و حدود یک سوم ریناها برای دوره‌ی دبستان هم مناسب هستند.

آیه: گاهی برخی از آیات به دلایل گوناگون باید حفظ شوند، مانند آیات ۸۸-۸۷ سوره‌ی انبیا که در نماز غفیله خوانده می‌شوند.

۲. حفظ تخصصی (قرآن محور)

بین حفظ تخصصی و حفظ تربیتی شباهت‌هایی وجود دارد، اما رویکرد، هدف‌گذاری و چگونگی این دو تفاوت‌هایی دارند. این نوع حفظ هم به شکل‌های گوناگونی وجود دارد:

حفظ کامل با معنا: همان حفظ تربیتی است، البته همراه با درک معنای عبارات و آیات قرآن؛

حفظ ترکیبی: حفظ قرآن کریم همراه با یادگیری و رعایت یکی از فنون علم قرائت، مانند تجوید، مفاهیم و تدبیر؛

حفظ جامع: حفظ قرآن با رعایت همه‌ی جوانب جامعیت قرآن، مانند صحت قرائت، تجوید، معنا، تدبیر و تفسیر.

۳. حفظ عمومی (مخاطب محور)

حفظ عمومی را باید با حفظ اجمالی (نسبی یا مقدماتی) عجین دانست، چرا که عمومی‌سازی یک موضوع یادگیری، نیازمند ساده‌سازی، کاهش کمیت و معنادار بودن آن است. به همین دلیل، برای عموم باید از حفظ «جمله» (به جای حفظ سوره و آیه) یاد کرد. البته جملات کوتاه، پرمعنا، تربیتی و متناسب با «نیاز، توان و ذائقه» در این نوع برنامه‌ریزی می‌تواند به‌عنوان «زیربنای» سایر گونه‌های روش حفظ قرآن قرار گیرد. حفظ جملات تربیتی و کاربردی قرآن به برنامه‌ریزی «درازمدت» نیاز دارد و حتی در حوزه‌ی حفظ عمومی باید به سلیقه‌ها و علاقه‌های مخاطبان در انتخاب موضوعات و آیات «حق انتخاب» داده شود. در ارزشیابی نیز حفظ به‌صورت «اجمالی و مقدماتی (نسبی)» مدنظر و عمل قرار گیرد. همچنین، حفظ عمومی قرآن با «رویکرد جامع» یعنی توجه به همه‌ی ابعاد آموزشی و تربیتی مدنظر قرار گیرد.

شیوه‌ی پیشنهادی

نویسنده راه تحقق تربیت عمومی حافظ قرآن را در نگاه جدید نسبت به حفظ عمومی قرآن کریم می‌داند و پیشنهاد می‌کند، از حفظ قرآن به‌عنوان روشی برای «انس بیشتر با قرآن» و نیز «تقویت روان‌خوانی قرآن کریم» استفاده شود.

حفظ اجمالی جملات تربیتی قرآن کریم

قرآن کریم ۶۲۳۶ آیه و حدود ۷۸ هزار کلمه و ۳۲۰ هزار حرف دارد. این اطلاعات، سود چندانی برای عموم مردم ندارد. اما اینکه

قرآن کریم ۲۵ هزار جمله دارد، می‌تواند جای توجه باشد، چرا که مراد خداوند از سوره و آیه را باید در داخل جمله‌ها جست‌وجو کرد. لذا اگر آیات را به جمله‌ها تقطیع کنیم، آن وقت می‌توان جمله‌های کوتاه و ساده و قابل فهم را همراه با معنا و تدبیر اولیه، به راحتی حفظ کرد. به همین دلیل، به نظر می‌رسد اگر قرار است برنامه‌ی حفظ قرآن برای عموم مردم طراحی، تولید و اجرا شود، باید ویژگی‌های رازیر دارا باشد:

۱. حفظ «جمله» (به جای حفظ سوره و آیه) مدنظر برنامه‌ریزان قرار گیرد.

۲. به حفظ قرآن به‌عنوان یک «ابزار» (و نه هدف) برای هدایت و راهنمایی و تربیت مخاطبان نگریسته شود.

۳. این نوع برنامه‌ریزی به‌عنوان «زیربنای» سایر گونه‌های روش حفظ قرآن در نظر گرفته شود (الفبای حفظ قرآن).

۴. حفظ جملات تربیتی و کاربردی قرآن به‌صورت «درازمدت» برنامه‌ریزی و اجرا شود (حدوداً ۱۰ ساله).

۵. به مخاطبان در انتخاب موضوعات و آیات «حق انتخاب» داده شود و در تولید محتوا مدنظر قرار گیرد.

تذکر مهم: حفظ کردن قرآن کریم برای دانش‌آموزان یک «فعالیت فوق برنامه» است نه رسمی. لذا اختصاص ساعت درسی به حفظ قرآن خلاف مصوبات قانونی است.

امید است این نوشته توانسته باشد به عمومی‌سازی حفظ قرآن کریم در جامعه کمک کند و تحقق منویات معظم رهبری در حوزه‌ی تربیت ده‌میلیون حافظ قرآن کریم را سرعت بخشد.



و چگونه پیشرفت خود را در حین عملکرد و بعد از آن ارزیابی می‌کند.»

درباره‌ی فراشناخت تعریف‌های گوناگون دیگری نیز ارائه شده‌اند، از جمله: «آگاهی شخص از فرایندها و راهبردهای شناختی (مستتر به نقل از فلاول)، تفکر درباره‌ی تفکر (براون، به نقل از گلاور و روبینگ)، دانش فرد درباره‌ی یادگیری خودش (اسلاوین، ۲۰۰۶ به نقل از سیف ۱۳۸۶)».

بنابراین، فراشناخت شناختی است فراتر از شناخت و تفکر عادی، و به آگاهی فرد از شناخت، یادگیری و نحوه‌ی تفکر خود اطلاق می‌شود.

مزایای فراشناخت

فلاول معتقد است فراشناخت می‌تواند به درک بهتر، یادگیری بهتر، دستیابی به نتایج تحصیلی بهتر و از آن‌ها مهم‌تر به گرفتن تصمیمات آگاهانه و هوشمندانه در زندگی کمک کند. رشد آگاهی فراشناختی برای زندگی اجتماعی نیز اهمیت دارد. (کروگلانسکی وینسون، ۱۹۹۸).

فراشناخت در یادگیری ریاضیات نیز نقش بسزایی دارد. به کارگیری راهبردهای فراشناختی در حل مسئله و بهبود عملکرد ریاضی دانش‌آموزان و دانشجویان مؤثر است. علاوه بر آن در پژوهشی که کاروید لکومب انجام داده است، ضعف کودکان خردسال و کودکان سنین بالاتر در به کارگیری راهبردهای فراشناختی باعث عملکرد ضعیف آن‌ها در ریاضیات می‌شود. راهبردهای فراشناختی در حل مسئله نقش مهمی دارند. تفاوت‌های افراد در حل مسئله را می‌توان به تفاوت‌های فراشناختی آن‌ها نسبت داد و این تفاوت‌ها به میزان دانش پایه‌ی ریاضی و انتخاب راهبردهای فراشناختی گرفته شده مربوطاند.

همچنین، آگاهی فراشناختی به توسعه‌ی مهارت خواندن و نوشتن، درک بهتر، آموزش‌های مذهبی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هنر، تاریخ و جغرافیا نیز کمک می‌کند. برای مثال، در آموزش برنامه‌ی درسی جغرافیا، آموزگار می‌تواند توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب کند که آن‌ها می‌توانند با تأمل درباره‌ی تفکرشان در مورد زمین، با جست‌وجوی الگوها و روابط عمیق یا تفکر در مورد راه‌های تفسیر اطلاعات پیشین، قدرت لازم را برای اصلاح رفتارهایشان در آینده کسب کنند.

آموزش مهارت‌ها و راهبردهای فراشناختی به دانش‌آموزان و راهنمایی آگاهانه‌ی آن‌ها، به استقلالشان در یادگیری و خودآموزی کمک می‌کند. تجربه‌های فراشناختی به دانش‌آموزان یاری می‌کند بر یادگیری خود نظارت و کنترل داشته باشند و در رفع نواقص بکوشند. در واقع، با توسعه‌ی مهارت‌های فراشناختی، دانش‌آموزان می‌توانند یادگیری خود را به گونه‌ای اثربخش مدیریت کنند. این

اهمیت آموزش فراشناخت

در گذشته‌های دور، مردم با مفهوم «فراشناخت» آشنا بودند و به صورت تلویحی از آن استفاده می‌کردند. برای مثال، سقراط می‌گوید علت اینکه من را داناترین مردم می‌دانند، آن است که من از میزان نادانی خود آگاهم. فراشناخت اصطلاحی است که اولین بار جان فلاول در سال ۱۹۷۹ آن را به معنای تفکر درباره‌ی افکار خود به کار گرفت. این تفکر می‌تواند درباره‌ی آنچه شخص می‌داند یا در حال انجام آن است یا درباره‌ی تجربه‌های شناختی و عاطفی فرد باشد که به اقدام شناختی مربوط می‌شود. از آن زمان تاکنون، پژوهش‌های بسیاری درباره‌ی فراشناخت انجام شده‌اند و با توجه به تأثیر آن در تعمیق و تسهیل یادگیری در زمینه‌هایی از جمله: حل مسئله، یادگیری با دید انتقادی، زبان آموزی و غیره، در برنامه‌های درسی بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه برای پرداختن به فراشناخت کوشیده‌اند. از جمله در ایران، در برنامه‌ی درسی جدید ریاضی، بر آموزش این مهارت تأکید شده است. با وجود این بیشتر دانش‌آموزان در مورد چگونگی استفاده از مهارت‌های فراشناختی آموزش نمی‌بینند (گویا، ۱۳۷۹). در این مقاله تلاش شده است درباره‌ی مفهوم فراشناخت، نحوه‌ی به کارگیری آن در فرایند آموزش و مزایا و چالش‌های مرتبط با آموزش فراشناخت مطالبی ارائه شود.

کلید واژه‌ها: فراشناخت، یادگیری

فراشناخت چیست

فراشناخت از جمله مهارت‌های سطح بالای تفکر است و به عنوان تفکر درباره‌ی فرایندهای تفکر، یادگیری خود و کنترل این فرایندها تعریف شده است. فلاول (۱۹۷۹، ۱۹۹۷) فراشناخت را چنین تعریف کرده است: «آگاهی از اینکه فرد چگونه یاد می‌گیرد، چه موقع موضوع را درک می‌کند و چه موقع درک نمی‌کند، چگونه از اطلاعات موجود برای رسیدن به هدف استفاده می‌کند، تا چه میزان توانایی قضاوت درباره‌ی فرایندهای شناختی در یک تکلیف خاص را دارد، از چه راهبردهایی برای چه هدف‌هایی استفاده می‌کند

امر از طریق هدایت دانش‌آموزان به نظارت آگاهانه بر آنچه انجام می‌دهند، و آنچه درباره‌اش سهل‌انگاری می‌کنند و تأمل بر قوت‌ها و ضعف‌های یادگیری خود حاصل می‌شود.

ابعاد فراشناخت

فراشناخت دو بعد دارد: دانش فراشناختی و تنظیم فراشناختی. دانش فراشناختی به آنچه یادگیرندگان در مورد یادگیری‌شان می‌دانند، اشاره می‌کند و عبارت است از:

- اطلاع از توانایی‌های شناختی خود. برای مثال، من در مورد به یادآوری تاریخ وقایع در درس تاریخ مشکل دارم.
 - آگاهی از برخی تکالیف خاص. برای مثال، درک ایده‌های مبحثی که قرار است مطالعه کنم برابم مشکل است.
 - آگاهی از راهبردهایی که می‌شناسند و زمان مناسب استفاده از آن‌ها. برای مثال، اگر من ابتدا متن را به صورت سریع مرور کنم، به من کمک می‌کند تا معنی کلی آن را درک کنم.
- تنظیم فراشناختی به آنچه یادگیرندگان در مورد یادگیری انجام می‌دهند، اشاره دارد و توصیف می‌کند چگونه یادگیرندگان فرایندهای شناختی خود را نظارت و کنترل می‌کنند. برای مثال، یادگیرنده ممکن است دریابد که راهبرد خاصی نتایجی را که می‌خواهد به دست نمی‌آورد. بنابراین تصمیم می‌گیرد راهبرد دیگری را امتحان کند.

مراحل فراشناخت

فراشناخت سه مرحله برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی را در برمی‌گیرد:



در طول مرحله برنامه‌ریزی، دانش‌آموزان درباره‌ی چگونگی

رسیدن به هدف یادگیری که معلم بیان می‌کند، تصمیم می‌گیرند و در نظر می‌گیرند چگونه و با چه راهبردهایی این کار را انجام دهند. در این مرحله یادگیرندگان از خود سؤال می‌کنند:

- چه چیزی از من خواسته شده است؟
 - از کدام راهبرد استفاده کنم؟
 - آیا راهبردهایی وجود دارند که قبلاً در موارد مشابه استفاده کرده باشم؟
- در مرحله‌ی کنترل و نظارت، یادگیرندگان طرح خود را اجرا و میزان پیشرفت خود را به سمت هدف ارزیابی و کنترل می‌کنند. در صورتی که راهبردهای به کار گرفته شده مفید نباشند، ممکن است از راهبرد دیگری استفاده کنند و در حالی که روی تکلیف داده شده کار می‌کنند، از خود بپرسند:
- آیا روشی که به کار می‌برم مفید است؟
 - آیا لازم است از روش دیگری استفاده کنم؟
- در مرحله‌ی ارزیابی، دانش‌آموزان تعیین می‌کنند راهبردهای به کار گرفته شده تا چه میزان در موفقیت آن‌ها برای دستیابی به اهدافشان مناسب بوده است. برای ارتقای ارزیابی، دانش‌آموزان می‌توانند از خود بپرسند:
- تا چه میزان خوب عمل کردم؟
 - چه کاری را انجام ندادم؟
 - در چه موقعیت دیگری می‌توانم از این راهبرد استفاده کنم؟
- تأمل/ بازتاب بخش مهمی از این چرخه است. تشویق یادگیرندگان به طرح سؤال از خود، تأمل/ بازتاب را پشتیبانی می‌کند و باعث توسعه‌ی فراشناخت می‌شود. در این فرایند، یادگیرندگان عملکرد خود را در کلیه‌ی مراحل که بیان شد بررسی و تحلیل می‌کنند و در نظر می‌گیرند در آینده چه کارهایی ممکن است برای بهبود کارایی خود انجام دهند. مهم است معلمان زمانی را به این کار اختصاص دهند و دانش‌آموزان را به تأمل در مورد کار خود هدایت کنند.

چالش‌های فراشناخت

اغلب معلمان معتقدند به کارگیری راهبردهای فراشناختی دشوار است، زیرا زمان لازم برای پرداختن به آن در کلاس‌های درس وجود ندارد. علاوه بر آن، برای بسیاری از ما یادآوری و بیان آنچه اندکی پیش در فکرمان بوده دشوار است. در مورد کودکان خردسال این مشکل مضاعف است. در پژوهشی درباره‌ی برنامه‌های مهارت تفکر که شامل جنبه‌هایی از فراشناخت است، برخی از رایج‌ترین موانعی که برای اجرای این برنامه پیش روی معلمان قرار دارند اشاره شده است، از جمله: «تکرار تکلیف» که باعث خستگی کودکان می‌شود، و «کمبود زمان بحث و گفت‌وگو».

گفتند ابتدایی زیربنایی است

سال‌ها قبل بخشی را با عنوان «پرونده» در مجله ترتیب دادیم تا اخبار و مسائل تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی را به‌طور ویژه بررسی کنیم. در صفحه‌های پرونده، معمولاً تجربه‌ها، خبرها، گفت‌وگوها و گزارش‌هایی از تلاش‌های آموزگاران، کارشناسان و مدیران دبستان‌های استان‌ها، شهرها و روستاهای کشورمان را منعکس می‌کنیم.

این شماره ویژه‌ی استان خراسان جنوبی است و به همت و تلاش همکار خوبمان آقای محمد دشتی گردآوری و تهیه شده است. از دقت و تلاش عکاس مجله، آقای رضا معتمدی، هم تشکر می‌کنیم.

بخش‌هایی که در این پرونده خواهید خواند، عبارات‌اند از:

گزارش: قدر آموزگاران دلسوز و توانمند را بدانیم

گزارش: تبعید به بهشت! تجربه‌ی زیسته‌ی دو آموزگار موفق در «دبستان عشایری نهضت امیرآباد سرچشمه»

گفت‌وگو: مدرسه را با مشارکت همه جانبه‌ی اولیا اداره می‌کنیم

گفت‌وگو: معلم یعنی روشنی

گفت‌وگو: غفلت نکنیم! از ظرفیت تجربه و توانمندی آموزگاران

قدر آموزگاران دلسوز و توانمند را بدانیم

نشست صمیمی معاون آموزش ابتدایی اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی با آموزگاران، کارشناسان و مدیران دبستان‌ها

اشاره

تعامل با آموزگاران، مدیران مدرسه‌های ابتدایی و کارشناسان حوزه‌ی آموزش ابتدایی در استان‌های کشور از جمله شیوه‌های خوبی است که مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی پیگیری می‌کند. مجله‌های رشد می‌توانند به‌عنوان رسانه‌هایی فراگیر، نظرها، پیشنهادهای و صحبت‌های کارشناسی و حرفه‌ای این عزیزان را در سرتاسر کشور انعکاس دهند. گزارش جلسه‌ای که به همین منظور و در سفر خبرنگار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به استان خراسان جنوبی برگزار شد، تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

محمد زمانی، معاون آموزش ابتدایی گفتمان‌سازی برای برقراری عدالت آموزشی، دغدغه‌ای فراموش نشدنی است

با حضور همکاران در این جلسه فرصتی پیش آمده است که بتوانیم گفت‌وگویی در کنار هم داشته باشیم و گزارش آن در مجله‌ی ارزشمند رشد آموزش ابتدایی درج شود تا مخاطبان مجله با مسائل و موضوعات مطرح در استان خراسان جنوبی، از نگاه جمعی از کارشناسان و مدیران مدرسه‌های



شهرستان آشنا شوند.

در حوزه‌ی آموزش ابتدایی آن قدر حرف و سخن برای گفتن داریم که خواهی نخواهی یاد بزرگانی مثل **دکتر غلامحسین شکوهی** به ذهن متبادر می‌شود. به حرمت این ساعت مقدس و جلسه‌ی خیرخواهانه‌ای که برای آموزش و پرورش و کمک به فرزندان این آب و خاک تشکیل شده است، امیدواریم روح آن بزرگوار از این گونه محافل و مجالس شاد و بهره‌مند باشد.

باید تأکید کنم، نگاه ما باید براساس اسناد بالادستی و به‌خصوص سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مصوبات شورای عالی





اما متأسفانه همه‌ی مدیران ما حضور در کلاس درس و تعقیب عینی مسائل آموزشی و تربیتی را به طور منظم و مستمر در برنامه‌ی کاری خود ندارند، و این نکته‌ی مهمی است که باید به آن به‌عنوان یک آسیب توجه شود.

شاید دلیل آن هم انبوه کارهای تدارکاتی و خدماتی و حاشیه‌ای باشد که مدیران ما را گرفتار و از کار و مسئولیت اصلی خودشان غافل می‌کند.

یک بخش از مشکلات این حوزه ساختاری هستند و بخش دیگر سازمانی. بخش سوم هم مسائل آموزشی است. البته من اعتقاد دارم برای همه‌ی این اشکالات راه‌حلهایی وجود دارد. برای مثال، می‌توانیم در بخش ساختاری، فرایند توزیع کتاب درسی را از عهده‌ی مدرسه برداریم، چون این موضوع مدیر مدرسه را در شه‌یورماه، که بهترین موقع برای برنامه‌ریزی و تدارک آغاز سال تحصیلی و بدترین زمان برای کارهای حاشیه‌ای است، واقعاً گرفتار می‌کند.

بخش مهم‌تر عرایضم به مسئله‌ی آموزش مربوط است. بخشی از موضوعات به آموزش معلمان برمی‌گردد و قسمتی از موضوعات هم شامل آموزش والدین می‌شود.

در برنامه‌های آموزشی، برخی برنامه‌ها مثل طرح «ارتقای آموزش قرآن» که در قالب طرح بود، به برنامه‌ی آموزش قرآن تبدیل شد که کار خیلی موفقی بود.

در همین جهت، ما در کلاس سوم دانش‌آموزانی داریم که قادرند مصحف شریف را به راحتی بخوانند. اما در برخی درس‌ها، مثل ریاضی، فارسی و حتی هنر، بخش‌های مغفولی وجود دارند که البته دلایل خود را دارند مثلاً در زمینه‌ی ریاضی، بسیاری از معلمان ما مدل‌های آموزشی کسر را بلد نیستند و این به آسیب‌شناسی و توجه بیشتری نیاز دارد.

در این زمینه می‌توان به برخی انتظارات از مجله‌های رشد هم اشاره کرد. من خوشبختانه تعداد زیادی از این مجله‌ها را دریافت و مطالعه می‌کنم و در مطالعه‌ای که روی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی انجام داده‌ام، در طول دو سال اخیر، در زمینه‌ی مدل‌های آموزشی کسر (که درخصوص آن صحبت شد) مطلبی در مجله درج نشده است یا در خصوص هشت راهبردی که کتاب‌ها بر اساس آن‌ها تدوین می‌شوند، حداقل در یک سال اخیر، مطلبی به چشمم نخورده است و نکته‌ی مهم این است که ما به‌عنوان معلم این توانایی را داریم که در همین زمینه‌ی کسر، مطالبی را به زبان قابل فهم معلمان در مجله‌های رشد ارائه دهیم و تا حدودی در رفع این اشکالات بکوشیم.

آموزش و پرورش و سایر اسناد و اساسنامه‌های ابلاغی باشد. توجه به رشد متوازن و عنایت به تمامی شش‌ساحت مطرح شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تقاضای اکید ماست. گرچه این مباحث جدید نیستند. و تنها در ادبیات امروزی آموزش و پرورش با زبانی دیگر مطرح شده‌اند و در واقع همان اهداف اساسی آموزش و پرورش هستند که همواره مورد نظر و تأکید بزرگان بوده‌اند. ما امیدواریم به شرایط و روزی برسیم که زیر ساخت‌ها به گونه‌ای آماده و فراهم شود که بتوانیم خیلی راحت این رشد و توسعه‌ی متوازن را محقق کنیم.

می‌خواهم این را عرض کنم که خروجی و حاصل آموزش و پرورش باید از رهگذر ارزیابی شاخص‌های کیفی آموزشی و تربیتی دوره ابتدایی و پیش‌دبستانی و نه کنکور به دست آید.

در ادامه، صحبت‌هایم را به صورت محورهای مشخص و تیتروار عرض می‌کنم. امیدواریم فرصت و فراغتی ایجاد شود و بتوانیم در خصوص این موضوعات مفصل‌تر و با دقت و نگاه دقیق‌تری بحث و گفت‌وگو کنیم.

- توجه داشته باشیم که **نگاه نظام‌مند** به پیکره‌ی موجود زنده یا کودک، موجبات رشد و نمو دانش‌آموزان را فراهم می‌کند و غفلت از این موضوع ممکن است آسیب‌زا و مشکل‌آفرین باشد.

- توجه به **تکالیف مهارت محور** که به لطف الهی در دستور کار قرار دارد، بسیار تأکید می‌شود، چون امروزه در حوزه‌ی مطالعات درسی، چاپ و تدوین کتاب و ارائه‌ی محتوای مکتوب چندان هنر نیست. به همین دلیل هم تکالیف مهارت محور بسیار مهم و در فرایند آموزش و یادگیری خیلی تأثیر گذارند.

- **گفتمان سازی** برای برقراری **عدالت آموزشی** برای ما بحث و دغدغه‌ای خیلی مهم و فراموش نشدنی است و ما واقعاً به دنبال برقراری عدالت آموزشی در شکل واقعی آن هستیم.

- اولیای دانش‌آموزان شرکای دلسوز و صمیمی فعالیت‌های یاددهی- یادگیری هستند. اگر خواهان موفقیت و رشد در آموزش و پرورش و مدرسه هستیم، باید آگاه‌سازی و توانمندسازی اولیا و بهره‌مندی از مشارکت آنان به دقت و سرعت در دستور کار همه‌ی همکاران خوب ما قرار گیرد و عملیاتی شود.

- تغییر مسیر از حافظه‌محوری به **یادگیری عملی** باید در برنامه‌ها گنجانده شود.

مهدی حسنی، مدیر دبستان دارالعلوم از مشکلات ساختاری، آموزشی و پرورش غفلت نکنیم

خوشوقتیم که از مدت ۲۸ سال خدمت در آموزش و پرورش، مدت ۲۵ سال آن را در حوزه‌ی آموزش ابتدایی در دبستان سپری کرده‌ام.

حسن احترامی، مدیر دبستان دکتر شکوهی برای تربیت و آموزش دانش‌آموزان، این اعجوبه‌های خلقت، باید متخصص‌ترین افراد را به کار بگیریم.

بنده این توفیق را داشته‌ام که در طول حدود ۳۳ سال خدمت در آموزش و پرورش، بیش از ۳۰ سال آن را در کنار و در خدمت بچه‌های عزیز باشم. دلیل آن هم عشق و علاقه‌ای بوده است که به دانش‌آموزان دارم.

آقای دکتر شکوهی می‌گفت: «من در شگفتم که برای تربیت و برای مربی و برای رشید شدن این اعجوبه‌ی خلقت، ما به هر اسبابی متوسل می‌شویم، در صورتی که برای رشید شدن و رشد این اعجوبه باید متخصص و معلم واقعی تربیت کنیم.» و شما شاهد هستید که این موضوع هنوز هم یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی ما در کل کشور است که به گوشه‌ای از جوانب آن اشاره‌ای خواهیم کرد. موضوع به کارگیری معلمان حق‌التدریس، نسبت بی‌تعادل و معکوس خروج و ورود معلمان متخصص و آگاه به آموزش و پرورش و مسائلی از این قبیل، از جمله اقدامات و تصمیماتی هستند که قبل از هر اتفاقی دوره‌ی ابتدایی و آموزش ابتدایی را تحت‌تأثیر نتایج منفی و آسیب‌زای خود قرار خواهند داد و باید برای آن فکری شود. درباره‌ی اضافه شدن پایه‌ی ششم به دوره‌ی ابتدایی هم باید عنایت ویژه‌ای شود. گرچه بعدها مطرح شد که استان‌ها می‌توانند به سمت تفکیک این دوره برونند، اما در شهرستانی مثل بیرجند که به شدت کمبود فضای آموزشی داریم (و البته این مشکل در بسیاری از مناطق کشور وجود دارد)، مشکلاتی به وجود می‌آید. چون بچه‌های کلاس ششم به لحاظ سنی، عاطفی، جنسی و حتی قد و هیكل نسبتی با بچه‌های کلاس‌های اول و دوم ندارند و این موضوع می‌تواند به شدت آسیب‌زا و آسیب‌رسان باشد.

فاطمه ثقة‌الاسلامی، مدیر دبستان محدثه بخشی از مجله‌های رشد به بیان خاطرات و تجربه‌های زیسته‌ی معلمان کشور اختصاص پیدا کند

در زمینه‌ی چالش‌ها و مشکلات موجود در حوزه‌ی آموزش ابتدایی که برخی از این موضوعات ممکن است عمومیت داشته باشد و شامل بقیه‌ی دوره‌ها هم بشود، وجود بخش‌نامه‌های متعدد و متنوعی است که برخی از آن‌ها حتی موجب موازی کاری و انجام کارهای مشابه می‌شود و این تنوع و فراوانی وقت و انرژی زیادی را از مدیران مدرسه‌ها و بالتبع معلمان و دانش‌آموزان می‌گیرد. چالش و مشکل دیگر هم این است که برخی از انبوه این طرح‌ها

و برنامه‌های ابلاغی، آینده و چشم‌انداز روشن و اهداف مشخص ندارند. برای مثال، ما برنامه‌ای را با عنوان «برنامه‌ی ملی شهاب» (شناسایی و هدایت استعدادها (برتر) اجرا می‌کنیم، اما واقعاً نمی‌دانیم بعداً که بچه‌ها وارد دوره‌ی متوسطه می‌شوند، چه اتفاقی خواهد افتاد و سرنوشت آن همه فهرست‌واریسی (چک‌لیستی) که در مدرسه (از پایه‌ی چهارم ابتدایی) تهیه و ثبت می‌شود، چه خواهد شد؟



فاطمه ملک‌آبادی، مدیر آموزگار مجلات رشد از امتیازات و سرمایه‌های مهم آموزش و پرورش هستند

بنده هم از تشکیل این جلسه و همت همکارانم در مجلات رشد برای درج نظرهای همکارانم در استان‌ها و به‌خصوص استان خراسان جنوبی تشکر می‌کنم. من هم ۲۷ سال سابقه‌ی خدمت دارم.



همکاران نکات بسیار خوبی را مطرح کردند که امیدوارم صحبت‌های من تکرار آن‌ها نباشد. یک امتیاز و سرمایه‌ی مهم آموزش و پرورش ما که جای شکرگزاری دارد، وجود رسانه‌ی منطبق بر اهداف آموزشی و تربیتی، استاندارد و فراگیر به نام مجله‌های رشد است که به گمان من باید در این وزارتخانه و در بین معلمان استفاده و بهره‌ی بیشتری از آن به عمل آید. اما در کنار آن و با وجود حدود ۳۵ عنوان مجله‌ی رشد، ما برای اولیا و مربیان مجله‌ی نداریم که به نظر من جای آن خیلی خالی است همکاران خوب ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات و فناوری آموزشی باید در زمینه‌ی تولید و انتشار مجله‌ی مستقل یا ضمیمه‌ی دیگر مجله‌های رشد با عنوان «رشد آموزش خانواده» برنامه‌ریزی و اقدام کنند. دلیل چنین پیشنهاد و درخواستی هم این است که مدیران ما در مدرسه‌ها وقت و زمان زیادی را صرف پاسخ به سؤالات و پرسش‌های پرتکرار اولیا می‌کنند. از طرف دیگر، خانواده‌ها برای هماهنگ کردن اولیا و مربیان با سیاست‌ها و اهداف آموزش و پرورش و دادن حداقل آگاهی‌های پایه در مورد تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، شناخت فرزندان و ضرورت همکاری خانه و مدرسه، به چنین رسانه و مجله‌ی نیاز دارند.

موضوع بعدی این است که ما در برخی کتاب‌های دوره‌ی دبستان درس‌هایی با عنوان درس آزاد داریم، و ای کاش این درس‌ها و

مشکلات قامتی را در دانش‌آموزان سبب شده است که باید به آن توجه شود و چون آینده و سلامتی کودکان ما را تهدید می‌کند، فکری برای آن بشود.

محمدعلی شاکری، رئیس اداره فناوری و گروه‌های آموزش ابتدایی مجله‌های رشد باید تکمیل‌کننده فرایند آموزش و ابزاری برای تکمیل دانش و دانش‌آموزان باشند

به نام خداوند مهربان و رحیم. بنده هم مدت ۲۸ سال سابقه خدمت دارم که می‌توانم بگویم تمام این مدت در خدمت دانش‌آموزان عزیز دوره‌ی ابتدایی سپری شده است. این توفیق را هم پیدا کرده‌ام که به‌عنوان نماینده‌ی مجله‌های رشد، در استان خراسان جنوبی انجام وظیفه کنم. از همکاران خوب خودم، به‌خصوص در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی که این فرصت را فراهم کرده‌اند تا ما هم سهمی در محتوای این مجله داشته باشیم و استان خراسان جنوبی را در حد مقدرات به همکاران خود در سرتاسر کشور معرفی کنیم، سپاسگزارم.



خوشبختانه ما در مدرسه‌های خودمان تجربه‌های آموزشی زیسته و موفق فراوانی داریم که قابلیت انعکاس در مجله‌های رشد را دارند و امیدواریم فرصت‌هایی اندیشیده و به استان‌ها اختصاص یابند که این تجربه‌ها که از یک سو حاصل سال‌ها کار و اندیشه و تفکر و خلاقیت است و از سوی دیگر می‌تواند مورد استفاده همکاران قرار گیرد، در مجله‌های مفید و خوب رشد، مورد استفاده‌ی همگان قرار گیرند.

ما در کتاب‌های درسی از روش‌های تدریس گروهی، فعال و مشارکتی زیاد نام برده‌ایم و همکاران جمع حاضر هم با آن آشنا هستند، اما به‌عنوان کسی که در گروه‌های آموزشی فعال است، عرض می‌کنم که این روش‌ها را در حوزة تدریس همکاران خودمان کمتر شاهدیم. معمولاً این روش‌ها کمتر از صفحات کتاب‌های درسی و دانشگاهی به کلاس درس و صحنه‌ی تدریس منتقل می‌شوند. در مرحله‌ی اجرا و عمل هم چندان به کار گرفته نمی‌شوند.

به نظر می‌رسد این امر موضوع خوبی است که مجله‌های رشد (به‌خصوص مجله‌های معلمان و مجله‌های تخصصی رشد) باید در حوزة محتوایی خاص خود به آن بپردازند و با بیان شیوه‌های مناسب این گونه از روش‌های تدریس، به کمک معلمان ما بیایند.

سرفصل‌های درسی در همه‌ی کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی گنجانده شود. چون این درس‌ها به‌ای کاش‌ها و ایده‌های شخصی و حرفه‌ای معلم فرصت طرح می‌دهند و دست آموزگار را برای استفاده از خلاقیت‌های فردی و کلاسی دانش‌آموزان باز می‌گذارند و می‌توانند زمینه‌ای مناسب برای توسعه‌ی خلاقیت، استقلال فکری و پرورش استعدادها یا نیازهای بومی دانش‌آموزان باشند.

موضوع گنجانیدن طرح درس‌های تلفیقی در مجلات رشد موضوع مهمی است که می‌توان به آن پرداخت تا معلمان ما بتوانند در کلاس‌های چند پایه و مدرسه‌های بزرگ از آن استفاده کنند.

زینب عباسی، مدیر دبستان امیدهای انقلاب اسلامی بهره‌مندی کامل مخاطبان مجله‌های رشد و فراگیر شدن استفاده از این مجله‌ها، نیازمند طرحی جامع است

بنده هم مدت ۲۷ سال سابقه خدمت دارم که ۱۱ سال اول آن را در روستاهای نه‌نهدان پشت سر گذاشته‌ام. ۱۴ سال در مدرسه‌های شاهد خدمت کرده‌ام و دو سالی هم هست که مدیریت دبستان امیدهای انقلاب اسلامی را بر عهده دارم.



به نظرم یکی از کارهای ارزشمند آموزش و پرورش که در همه‌ی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی هم تداوم داشته است، چاپ و انتشار به موقع مجله‌های ارزشمند و مفید آموزشی رشد است. از نگاه من، این به موقع چاپ شدن و استمرار آن‌ها موضوع خیلی مهمی است که باید قدر دانسته شود. بالاخره بسیاری از مشکلاتی که در زمینه‌های مختلف وجود دارند و باعث تأخیر یا نامنظم شدن کارها می‌شوند، احتمالاً برای دست‌اندرکاران تولید این مجلات هم وجود داشته است.

اما این همت، تلاش و مراقبت بر تولید، توزیع و انتشار این مجلات، کار مهم و قابل تقدیری است که باید قدر دانسته شود و جای تحسین دارد.

در سال‌های اخیر تحولات و رشد زیادی را در خصوص مجله‌های آموزشی رشد شاهد بوده‌ایم که نشان می‌دهد علاوه بر مراقبت در استمرار چاپ و توزیع مجله‌ها (در بعد کمی) به محتوا و کیفیت و نیازهای رو به افزایش و مطالبات خاص مخاطبان مجله‌ها (بعد کیفی) هم به خوبی توجه شده است. با مروری کوتاه در سابقه‌ی این مجله‌ها می‌توان این رشد و بالندگی را شاهد بود. چون صحبت از چالش‌های جاری آموزش و پرورش هم هست، به نظرم قطع بزرگ کتاب‌ها و طراحی کیف‌های متناسب با آن‌ها و کم‌توجهی در طراحی آن،

تبعید به بهشت!

تجربه‌ی زیسته‌ی دو آموزگار موفق در
«دبستان عشایری نهضت امیرآباد سرچشمه»



اشاره

معلمی هنر است و اساساً بخشی از هنر و هنرمندی به گوهر وجودی انسان‌هایی وابسته است که به نوعی از دیگران متفاوت هستند. هنر معلمی نیز از این قاعده مستثنی نیست و زمانی بروز می‌کند که مشتاقان این شغل پرمخاطره تعریفی درست و واقعی از آن داشته باشند و در ضمن، بهای چنین اعتقاد و تعهدی را با وجود و سرمایه‌ی عمر خود بپردازند. این گزارش روایت دلدادگی **محمد خسروی**، مدیر آموزگار دبستان عشایری روستای سرچشمه (منطقه‌ی قاینات) و همکارش **محمد رضا نسایی** است که تمامی دوران خدمت خود را در این روستا گذرانده و تصمیم دارند تا رسیدن به دوران بازنشستگی در همین دبستان بمانند و به بچه‌ها خدمت کنند.

۲۳ سال قبل، در روز اول حضورشان حتی یک نفر از اهالی هم از آن‌ها استقبال نکرده است، اما امروز علاوه بر آموزگاری، تقریباً همه‌ی امور روستا را در دست دارند و علاوه بر ساختن مسجد، آرامستان، برق‌کشی منازل و ... مورد اعتماد و محل رجوع اهالی روستا هستند. در ابتدای این گزارش پای صحبت‌های مدیر آموزگار

احمد ملکی، رئیس اداره‌ی آموزش دوره‌ی دوم ابتدایی اداره کل
در تدوین و طراحی مجله‌های رشد همه‌ی سطوح و دوره‌های تحصیلی و نیازهای بومی استان‌ها در نظر گرفته شوند



به نام خدا. شاید همه‌ی حرف و صحبت من در همین شعر نهفته باشد که می‌گوید: «چه گویم نیست جانان اولویت/ نپرداختیم به حرف مرجعیت/ که گفتند ابتدایی زیربنایی است/ مهم است، دانش و روح و هویت.»

راستش من هر گاه به تلاش و همت و سعی بلیغ همکارانم در استان خراسان جنوبی می‌اندیشم و امروز که پای صحبت‌های صریح و برخاسته از جان همکارانم نشستام، با خودم می‌گویم اگر همه‌ی این تلاش‌ها به بار بنشینند و بتوان این مشکلات را در حد کلان حل کرد، واقعاً چه اتفاق‌های خوبی در انتظار آموزش و پرورش و کشور اسلامی ایران خواهد بود!

نکته‌ای که به طور مشخص می‌خواهم در مورد مجله‌های رشد بیان کنم این است که اگر امروز والدینی در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان خود دغدغه دارند، حتماً به فکر درس و تکلیف فرزندان خود هستند. از زمانی که نظام تحصیلی جدید مستقر و محتواهای جدیدی تولید شد، خواه ناخواه نقش اولیا پررنگ‌تر شده است. با وجود نقدهایی که درباره‌ی ایجاد هزینه برای خانواده‌ها مطرح است، خوشبختانه مجله‌های رشد به هر تدبیری که هست وارد چرخه‌ی آموزش شده‌اند و پرداختن به نقش اولیا و تغییر نگرش آنان در همراهی با آموزش و پرورش از حاصل این اتفاقات است. من امیدوارم این رویکرد مهم در چاپ مجله‌های رشد بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

به خصوص در حوزه‌ی عشایر، موضوعات و مشکلات فراوانی داریم که باید در مجله‌ها به مدرسه‌های عشایری هم بیشتر پرداخته شود. به نظرم، راهکار تحقق چنین اهدافی و پرداختن به همه‌ی نیازهای بومی، تنها اجرا و عملیاتی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اجرایی شدن اساسنامه‌ی مدرسه‌های عشایری است. این سند به خوبی تنظیم شده، اما بدان پرداخته نشده است.

پی‌نوشت

۱. خوشبختانه از مهرماه ۱۳۹۸، مجله‌ی رشد «آموزش خانواده» را ضمیمه‌ی رشد آموزش مشاور مدرسه، ویژه‌ی خانواده‌ها و مشاوران مدرسه‌ها منتشر کرد که دوره‌ی اول آن در ۶۴ صفحه به همراه این مجله توزیع شد.

مدرسه‌ی روستا محمد خسروی، نشسته‌ایم و سپس به سراغ بار همیشگی وی محمدرضا نسایی رفته‌ایم.

به تبعیدگاه خوش آمدید!



محمد خسروی، مدیر آموزگار دبستان عشایری روستای امیرآباد سرچشمه هستیم. این بخش قبلاً جزو منطقه‌ی خواف بود و از سال ۱۳۶۷ به منطقه‌ی قاینات ملحق شده است. سال ۱۳۷۶ که من و همکارم آقای نسایی به این منطقه آمدیم، منطقه‌ای بسیار محروم بود. همان اولین روز حضورمان، با حرف‌ها و خاطراتی همراه شد که هیچ‌گاه از ذهنمان پاک نخواهد شد. موضوع هم این بود که نیروهای پاسگاه انتظامی منطقه با صحبت‌هایی از ما استقبال کردند که توی دلمان خالی شد. آن زمان جاده‌ی منتهی به این روستا خاکی بود و ما با موتور آمده بودیم. وقتی به پاسگاه رسیدیم و گفتیم به‌عنوان آموزگار آمده‌ایم، بدون هیچ تعارفی به ما گفتند: «به تبعیدگاه خوش آمدید!» بعد از آن هم که وارد روستا شدیم، هیچ‌کس به استقبالمان نیامد. خودمان پسران پسران ساختمان قدیمی مدرسه را پیدا کردیم. واقعاً خسته شده بودیم و تشنگی داشت ما را از پای درمی‌آورد که بالله‌گویان وارد خانه‌ای شدیم. آن‌ها هم براساس همان رسوم عشایری و مهمان‌نوازی، پذیرای ما شدند. نزدیک ظهر، وقتی از ناهار صحبت شد، شنیدیم که می‌گفتند نگران نباشید، بالاخره لاستیک فرقون و تخم‌مرغی هست که بخورید. وقتی ناهار را آوردند و ما نان گرد، کلفت، سیاه و سفت همراه با غذای مرسوم (یعنی تخم‌مرغ) را دیدیم، فهمیدیم منظورشان از لاستیک فرقون چه بوده است.

روز ورود ما خاطره‌ای بود که بر تیر برق ثبت شد

البته همه‌ی خاطرات ما هم این‌گونه تلخ و سخت نیست. مثلاً جالب است بدانید، تاریخ ورود ما، یعنی ۷۶/۶/۲۶ روی تیر برقی که کنار دیوار مدرسه قرار دارد، حک شده است. انگار که اداره‌ی برق ناخودآگاه این حادثه‌ی تاریخی را برای ما به یادگار نگه داشته است؛ موضوعی که ما خودمان هم به‌طور اتفاقی و حدود دو سال بعد متوجه آن شدیم.

مدرسه‌ای که حتی یک برگ کاغذ سفید نداشت

ساختمان قدیمی دبستان که بین دو شهرستان خواف و قاین واقع شده، از سال ۱۳۶۴ بنا شده بود، ولی از همه‌ی امکانات محروم بود؛ به گونه‌ای که وقتی قصد داشتیم گزارش حضور خودمان را بنویسیم، یک برگ کاغذ در مدرسه پیدا نمی‌شد. ما در آن زمان با

مدرک دیپلم، شش سال در نهضت سوادآموزی سابقه‌ی کار داشتیم و در کلاس‌های شبانه یا در اردوگاه افاغنه (در شمس‌آباد بیرجند) در کلاس‌های ابتدایی تدریس کرده بودیم. ما این محرومیت‌ها را قبلاً در منطقه‌ی سریشه و در میان بیرجند تجربه کرده بودیم، اما با همه‌ی این اوضاع و احوال، حس کردیم با کار سختی و زمان‌بری روبه‌رو خواهیم بود. برای رفت‌وآمد هم خیلی مشکل داشتیم. مثلاً اگر موتورمان اشکالی پیدا می‌کرد، باید بعد از نماز صبح به کنار جاده می‌رفتیم و تا ظهر منتظر می‌ماندیم تا شاید وسیله‌ی نقلیه‌ای عبوری ما را به قاین و بیرجند ببرد. این جور بگویم که تمامی دارایی و امکانات مدرسه در یک کمد سه کشوی خالی از هر امکاناتی خلاصه می‌شد.

شکستن تابو

با هر سختی و مشقتی که بود دبستان را برای بازگشایی آماده کردیم، ولی در همان روز اول عده‌ی زیادی از بچه‌ها به مدرسه نیامدند. قصد داشتیم جلسه‌ای با اولیای دانش‌آموزان بگذاریم که حتی یک نفر هم حاضر به حضور در جلسه نشد. حرفشان هم این بود که شما می‌خواهید جلسه‌ی انجمن بگذارید و از ما پول بگیرید! و ما هر چه می‌گفتیم قصدمان آشنایی با اولیای دانش‌آموزان است، باور نمی‌کردند.

خلاصه کار ما این شده بود که صبح‌ها برای آوردن دانش‌آموزان در خانه‌ها را بزیم و با سختی و مشقت زیاد کلاس‌ها را تشکیل دهیم. بالاخره با هر سختی و مشکلی که بود و با هزینه‌های شخصی خودمان مدرسه را سر پا کردیم و چون سرانه هم به مدرسه تعلق نمی‌گرفت، کارها خیلی به سختی پیش می‌رفت. مشکل دیگرمان هم این بود که روستاییان حاضر نبودند فرزندان دخترشان را به مدرسه بفرستند. البته با هر سختی که بود، آن‌ها را در دوره‌ی ابتدایی جذب کردیم، ولی به هیچ وجه حاضر نبودند دختران سن دوره‌ی راهنمایی خود را به مدرسه بفرستند. تا اینکه در سال ۱۳۷۹ یکی از دانش‌آموزان زرنگ و خوب ما به نام زینب ناروقه استعداد خیلی خوبی از خودش نشان داد. ما به پدر ایشان اعلام کردیم حاضریم همه‌ی هزینه‌های تحصیل و حتی پول بنزین موتورش را هم بدهیم تا فرزندش را برای ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی راهنمایی به قاین ببرد. خوشبختانه این دانش‌آموز سد نرفتن دختران به مدرسه را شکست. در حال حاضر این خانم مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته‌ی الهیات دریافت کرده است.

برای همه‌ی اهالی کلاس قرآن گذاشتیم

اگر بخوایم آماری ارائه کنیم، باید بگویم زمان ورود ما همه‌ی اهالی روستا بی‌سواد بودند، اما با تلاش‌هایی که صورت گرفت، علاوه بر بچه‌ها، مردم روستا هم برای یادگیری زیر چتر حمایتی ما قرار

گرفتند. چون ما در روستا بیتوته می کردیم، از سال دوم برای همه‌ی اهالی روستا، در همه‌ی شب‌ها، کلاس قرآن گذاشتیم. جالب اینکه این کلاس‌ها در منطقه هم صدا کرده بود؛ به گونه‌ای که معلمان منطقه‌ی زیرکوه قاین (منطقه‌ی کریرزان و حاجی‌آباد) هم در این کلاس‌ها شرکت می‌کردند. این اتفاق در آن شرایط سخت و با محرومیت‌های فراوان، موفقیت بزرگی به حساب می‌آمد. بعد از این اتفاقات و ارتباطی که با مردم برقرار کردیم، جلسات انجمن اولیا و مربیان کم‌کم پا گرفت و مردم بیش از پیش به سواد و درس خواندن روی آوردند.

شاگردان دیروز ما حالا معلم، دکتر، مهندس و روحانی شده‌اند

در حال حاضر، شاگردان ما که طی حدود ۲۳ سال گذشته موفق به تحصیل و رفتن به دوره‌های بالاتر و حتی عالی شده‌اند، حدود ۷۵ نفرند. ۲۰ نفر در سطح ابتدایی، ۱۵ نفر دیپلم، ۱۳ نفر فوق دیپلم، ۳۰ نفر لیسانس، ۵ نفر کارشناسی ارشد و یک نفر هم در سطح دکترا داریم. در ضمن سه نفر از دانش‌آموزان ما در حوزه‌های علمیه تحصیلات خود را ادامه داده‌اند. حضور دانش‌آموزان ما در حوزه‌های علمیه از این نظر حائز اهمیت است که به واسطه‌ی محرومیت منطقه، نیاز به حضور روحانیون خیلی احساس می‌شود. شغل مردم این روستا دام‌پروری است. آن‌ها با داشتن گوسفند و شتر امرامعاش می‌کنند. از مجموع ۲۴۸ نفر سکنه‌ی روستای امیرآباد سرچشمه، ۱۷۵ نفر آن‌ها باسواد هستند. ما ۶۰ دانش‌آموز داریم و در ضمن ۱۱۴ نفر هم شاغل هستند.

کلید و رمز موفقیت خودمان را جلب مشارکت مردم برای اداره‌ی مدرسه و روستا می‌دانیم

مهم‌ترین عامل و وسیله‌ی موفقیت ما بهره‌گیری از مشارکت اولیا در اداره‌ی امور مدرسه و اداره‌ی مدرسه به دست دانش‌آموزان است. نیروی سازمانی مدرسه فقط من و آقای نسایی هستیم و بقیه‌ی کارهای مدرسه، حتی پذیرایی و نظافت آن‌را، براساس یک برنامه‌ی مشارکتی، بر عهده‌ی بچه‌ها گذاشته‌ایم. شاید بتوانم بگویم که در این مدل، بچه‌ها در مدرسه به‌طور واقعی زندگی مشارکتی و مسئولانه‌ی را تجربه می‌کنند. اتفاقاً این مشارکت باعث احساس ارزشمندی و هویت آنان شده است. ما در یک خانواده‌ی کوچک مدرسه‌ای، در کنار یکدیگر، از با هم بودن و برای هم بودن لذت می‌بریم. هر ماه یک بار بچه‌ها را در همین طبیعت اطراف روستا به گردش علمی می‌بریم و از طبیعت زیبا لذت می‌بریم. دنیای اطرافمان را می‌شناسیم، نان می‌پزیم، سیب‌زمینی داغ درست می‌کنیم، چای می‌خوریم و درباره‌ی آنچه می‌بینیم با همدیگر صحبت می‌کنیم. البته ما ادای این کارها را در نمی‌آوریم. بچه‌ها

ممکن است سبب‌زمینی‌های خود را بسوزانند، نتوانند تخم‌مرغ را به خوبی بپزند و گرسنه بمانند. من به آن‌ها می‌گویم هیچ ابایی نداشته باشند، چون باید یاد بگیرند و بعد هم طعم با هم بودن و با هم زندگی کردن واقعی را به خوبی بچشند و برای زندگی آینده آماده شوند.

اهالی روستا آزمایشگاه و موزه‌ی مدرسه را بدون هیچ هزینه‌ای مجهز کرده‌اند

ما برای تجهیز آزمایشگاه و موزه‌ی مدرسه از اولیای بچه‌ها کمک می‌گیریم. آن‌ها چون سال‌ها در بیابان و طبیعت زندگی کرده‌اند، چیزهای زیادی در طبیعت سراغ دارند. آوردن پوست مار، دندان و فک روباه، انواع مار و عقرب‌های منطقه، تخم پرنده، سنگ‌نوشته‌های تاریخی، فسیل‌های ارزشمند بیابان‌های اطراف روستا و ده‌ها شیء ارزشمند و مدل‌های واقعی برای درس و بحث بچه‌ها، هدایایی هستند که اولیای دانش‌آموزان برای مدرسه و نگهداری در آزمایشگاه و موزه‌ی مدرسه به ما می‌رسانند.

بهشت همین جاست، اگر بتوانیم به بچه‌ها خدمت کنیم

شاید بتوان گفت در گام اول، این محرومیت و مظلومیت بچه‌ها بود که ۲۳ سال ما را در این روستا نگاه داشت؛ بچه‌هایی که ما عاشقشان شدیم و آن‌ها هم ما را دوست دارند و با هم مدرسه‌ی روستا را اداره می‌کنیم. در درجه‌ی دوم هم اعتماد مردم و سپردن کارهای روستا به معلمان و محرم دانستن آن‌ها ما را در این مدرسه و روستا نگاه داشت. تصمیم گرفته‌ایم تا پایان دوران خدمت خودمان که ۲ سال بیشتر از آن باقی نمانده است، در این روستا بمانیم. از الان هم نگران روزی هستیم که بخواهیم این مردم عزیز و محروم و دوست‌داشتنی و همه‌ی یادگارها و خاطرات ۲۵ ساله‌ی خودمان و بچه‌ها را ترک کنیم. ما سعی کردیم در همه‌ی زمینه‌ها بچه‌ها را برای زندگی و آینده هم آماده کنیم. برای مثال، برای یاد دادن و بیان ارزش پس‌انداز و خوداتکایی نسبی مالی، بانک کوچکی راه انداخته‌ایم و بچه‌ها ماهانه مبالغی را می‌پردازند که برای خودشان پس‌انداز می‌شود. ما دفترهای مالی ساده‌ای داریم؛ همه چیز ثبت می‌شود. اگر هم مقدور شد، ما هم مبالغی به بچه‌ها کمک می‌کنیم. خوشبختانه بچه‌ها پس‌اندازهای اندکی دارند که می‌تواند در مواقع ضروری به دردشان بخورد. به نظر ما، بچه‌ها و به‌خصوص کودکان، معصوم‌ترین و پاک‌ترین مخلوقات خداوند هستند و بهشت همین جاست، اگر ما بتوانیم به راستی به بچه‌ها خدمت کنیم.

شش سال مسیر ۱۷۵ کیلومتری روستا تا بیرجند را با موتور طی کردیم

من محمدرضا نسایی، آموزگار دبستان عشایری نهضت امیرآباد



سرچشمه هستیم. خوب است در ابتدا عرض کنم بنده و آقای خسروی، همکار عزیزم، از زمان خدمت سربازی و به مدت ۲۸ سال، در کنار هم بوده‌ایم. ما در سال ۱۳۷۶ با یک موتور قرمز روسی با همدیگر به این روستا آمدیم و توفیق داشته‌ایم که در همه‌ی این سال‌ها در کنار همدیگر، در خدمت دانش‌آموزان و اهالی محترم و مهربان آن باشیم. جالب است بگویم ما مدت شش سال این مسیر حدود ۱۷۵ کیلومتری روستا تا شهر بیرجند را با همان موتور طی می‌کردیم، چون درآمد چندانی نداشتیم تا بتوانیم ماشین یا وسیله‌ی بهتری تهیه کنیم.

قبلاً کسی در منزل خودش مجلس روضه‌ای داشت، ممکن بود برخی که با او مشکل و اختلافی دارند، به آن مجلس نیایند. اما وقتی این مراسم به مسجد منتقل شد، دیگر این محدودیت‌ها برداشته شد. مردم برای مراسم عزاداری، مناسبت‌های مذهبی، کلاس‌های قرآن و احکام و گوش دادن به سخنرانی‌ها و یا جلسات روستا به مسجد می‌آمدند و کم‌کم اینجا مرکزی برای دیدار و تبادل نظر و ارتباط بین همه‌ی اهالی و از جمله معلمان مدرسه شد و برای اینکه مسجد رونق بیشتری داشته باشد و در آن همیشه باز بماند، بچه‌ها نماز خودشان را در مسجد که در جوار مدرسه و در کنار میدان اصلی روستا احداث شد، به جای می‌آورند.

نقش خانواده‌های ما برای خدمت به دانش‌آموزان روستا بسیار با اهمیت بود

به نظر خوب است اشاره‌ای هم داشته باشیم که نقش خانواده‌های ما برای اینکه بتوانیم به‌طور کامل در خدمت دانش‌آموزان عزیز این روستا باشیم، بسیار با اهمیت و تأثیرگذار بوده است. برای نمونه، همسر بنده که مدرک لیسانس زمین‌شناسی داشت، می‌توانست در آموزش و پرورش یا جاهای دیگر جذب کار شود، اما برای اینکه بتواند در غیاب ما به وضعیت فرزندان برسد، قید کارمندی را زد. همسر گرامی آقای خسروی هم با ایشان خیلی همدل و همراه بود. باید از این عزیزان تشکر و قدردانی کنیم.

نکته‌ی دیگر پیمانی است که ما در آغاز کار با هم بستیم. زمانی که به روستا آمدیم، با هم قرار گذاشتیم تا آخر در همه‌ی سختی‌ها و مشقت‌ها و البته خوشی‌ها و شادی‌های کار با بچه‌ها و اهالی محترم روستا در کنار هم باشیم. واقعیت این است که این همراهی و همدلی عامل بزرگی بود تا بتوانیم در اهدافی که برای باسواد کردن و آموختن زندگی به بچه‌ها و استفاده از مشارکت والدین برای اداره‌ی مدرسه و روستا داریم، موفق شویم. ما مثل دو پالی بودیم که اگر یکی نقش خودش را درست انجام نمی‌داد، حتماً این پرواز با مشکل روبه‌رو می‌شد.

با ساختن مسجد نقطه‌ی اتصالی برای همه‌ی ارتباطها و تعامل اهالی فراهم کردیم

اینجا منطقه‌ای روستایی و عشایری است. مردم در عین حال که ممکن است سواد چندانی نداشته باشند، عادت‌ها و اعتقادات و رسم و رسوم خودشان را دارند. ما در ابتدا به دنبال مرکزی برای تجمع همه‌ی اهالی روستا بودیم تا بعد از آن بتوانیم کم‌کم اهداف خودمان را که توسعه‌ی مدرسه و مشارکت مردم در اداره‌ی مدرسه بود، محقق کنیم. ابتدا کار خیلی سخت بود، اما وقتی مسجد به شکل آبرومندانه‌ای ساخته شد، پایگاهی برای تجمع مردم شد. مثلاً اگر



مدرسه را با مشارکت همه‌جانبه‌ی اولیا اداره می‌کنیم

نشستی با فاطمه ثقة‌الاسلامی، مدیر و فاطمه برمکی؛ آموزگار دبستان محدثه

در اولین روز حضور در استان خراسان جنوبی، برای صحبت با خانم ثقة‌الاسلامی، مدیر دبستان دخترانه‌ی محدثه در شهر بیرجند، رفتیم تا پای صحبت‌های ایشان در خصوص اداره‌ی پرجمعیت‌ترین مدرسه‌ی استان و همچنین همکار آموزگارش خانم برمکی بنشینیم. آنچه می‌خوانید مشروح این گفت‌وگوست که علاوه بر انعکاس تجربه‌های خانم ثقة‌الاسلامی، شامل صحبت‌های آموزگار موفقی است که دلایل توفیق خودش را در زمینه‌ی آموختن «مهارت خواندن به دانش‌آموزان»، بیان کرده است.

آشنایی با مدیر مدرسه

به نام خداوند حکیم. فاطمه ثقة‌الاسلامی هستم؛ کارشناس ارشد آموزش ابتدایی. امسال سال سی‌ام خدمتم را در آموزش و پرورش پشت سر گذاشته‌ام. دوران سی‌ساله‌ی خدمتم را در مدرسه‌های زاهدان و قائن گذرانده‌ام و حدود ۱۲ سال است که در بیرجند خدمت می‌کنم. مدت سه سال آخر را به‌عنوان مدیر مدرسه‌ی محدثه، در کنار همکارانم در خدمت دانش‌آموزان عزیز در مدرسه‌ای با ۵۴۳ دانش‌آموز و ۳۲ همکار خوب هستیم.



دلیل پذیرش مسئولیت و اداره‌ی دبستان محدثه

شاید بتوانم بگویم عامل اصلی پذیرفتن این مسئولیت سنگین و لذت‌بردن از آن، علاقه به دانش‌آموزان و انگیزه داشتن برای بودن و زندگی در کنار بچه‌هاست. شاید دلیل اینکه در طول دوره‌ی خدمت دو بار به‌عنوان معلم نمونه در استان معرفی شده‌ام، همین علاقه‌ی بودن با بچه‌ها و خدمت به عزیزانی است که امید و آینده‌ی خانواده‌ها هستند و چشم امید پدر و مادرها.

مجله‌های رشد برای ما الهام‌بخش و در یادگیری دانش‌آموزان مؤثر بوده‌اند

اعتقاد دارم این مجله‌ها که آموزش و پرورش آن‌ها را با هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی اصولی و منطبق بر اهداف آموزشی و تربیتی تهیه می‌کند، بهترین و از مطمئن‌ترین و همچنین در دسترس‌ترین رسانه‌های آموزشی برای مخاطبان هستند. باید بگویم، برای دعوت دیگران به مطالعه یک شعار داشته‌ام و همیشه به همکارانم گفته‌ام: «بخوانیم تا بخوانند!» یعنی اگر ما به مطالعه و خواندن کتاب و رسانه‌های آموزشی مثل مجله‌های رشد اعتقاد داریم، تنها راه اشاعه و معرفی و تشویق دیگران به مطالعه‌ی این منابع، آن است که خودمان اهل مطالعه و تفکر و اندیشیدن باشیم. خاطر هست، زمانی که آموزگار پایه‌ی چهارم یکی از دبستان‌های بیرجند بودم، مسئولیت دریافت و توزیع مجله‌ها را هم بر عهده داشتم. زمانی که مجلات رشد می‌رسید، هر درسی که در آن ساعت خاص داشتیم تعطیل می‌شد و با همکاری و اشتیاق دانش‌آموزان، آن ساعت به بررسی و دسته‌بندی مجله‌ها برای توزیع بین معلمان و دانش‌آموزان می‌گذشت. و وقتی دانش‌آموزان انگیزه، اشتیاق و شور و علاقه‌ی معلمان را در خصوص مجله‌ها می‌دیدند، ناخودآگاه نسبت به آن‌ها (که جدای از محتوا، خوش‌بختانه از جلد و رنگ و لعاب خوبی هم برخوردار بودند) کنجکاو می‌شدند و با مراجعه به آن‌ها، علاقه‌مند و مشتري‌شان می‌شدند. در یکی از همین جلسات، ناگهان چشمم به مقاله‌ای با عنوان «نخ وسیله‌ای کمک‌آموزشی است!» افتاد که خودم برای مجله فرستاده بودم. ناگهان از شوق فریاد زدم: «بچه‌ها! ببینید، مقاله‌ی من در مجله چاپ شده است!» هنوز شیرینی این اتفاق خوب که نظر بچه‌ها را هم جلب کرده بود، در کامم باقی است.

کلید موفقیت ما مشارکت همه‌جانبه‌ی اولیاست

نکته‌ی مهم دیگر در خصوص اداره‌ی دبستان محدثه، با این جمعیت زیاد، استفاده از مشارکت اولیاست؛ موضوعی که همیشه از برنامه‌ها و اولویت‌های من در اداره‌ی مدرسه بوده است و زمانی هم که معاون آموزش ابتدایی شهرستان بودم، خیلی به آن تأکید و برای اجرایی شدن آن به همکارانم سفارش می‌کردم. نباید این واقعیت را فراموش کنیم که مدرسه‌های ما معمولاً با مشکلات سرانه و مالی روبرو هستند و اصلاً جدای از این مشکلات، فلسفه‌ی مشارکت اولیا در اداره‌ی مدرسه این است که خانه و مدرسه بتوانند با هم‌افزایی و کمک به یکدیگر، شرایط و فضای بهتر و جذاب‌تری را برای تربیت و آموزش بچه‌ها فراهم کنند.

هر سال برای مدرسه شعار سال انتخاب می‌کنیم

هر سال با مشورت همکاران و مشارکت دانش‌آموزان شعاری



برای موفقیت در کارم بیشتر روی ترکیبات کار می‌کنم

بقیه‌ی بچه‌های کلاس هم قبل از عید و پیش از تمام شدن حروف الفبا، قادر به خواندن کتاب‌های داستان هستند. به نظر می‌توان این موضوع را نقطه‌ای مثبت در کار معلم ارزیابی کرد. دلیل آن هم می‌تواند این نکته باشد که من در کلاس درس، به جای اینکه بگویم بچه‌ها جزء به جزء درس را بخوانند، بیشتر روی ترکیبات کار می‌کنم.

البته در آموزش و پرورش مرسوم است که آموزش با کلی خوانی، مانند آزاده، امیر و ... شروع می‌شود و سپس به جزئیات پرداخته می‌شود. من خودم ابتدا از نگاره‌ها و با کارت خوانی کارم را شروع می‌کنم. زمانی که نگاره‌ها تمام می‌شود، بچه‌ها حتی بدون تصویر هم می‌توانند بخوانند. چون ما با انجام انواع بازی‌ها یا داستان‌های ساده تلاش می‌کنیم بچه‌ها مفاهیم را بهتر بفهمند، یاد بگیرند و قادر به خواندن شوند.

روش آموزش هم این‌گونه است که داستان‌های ساده‌ای را که مثلاً درباره‌ی آزاده و امیر نوشته‌ام، به بچه‌ها می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم نگاره‌هایی را که درباره‌ی این دو خوانده‌اند، پیدا کنند و دور آن‌ها خط بکشند. با این روش (چون شکل کلی کلمه در ذهن آن‌ها می‌نشیند)، بچه‌ها اگر بخواهند املاي این کلمات را بنویسند، سریع می‌نویسند و در مرحله‌ی خواندن نیز اشتباه نمی‌کنند.

مطالب خواندنی که در اختیار بچه‌ها می‌گذارم، معمولاً از مجله‌های رشدند

در این شیوه‌ی تدریس، به مرور که جلو می‌رویم و مثلاً به درس «بود» می‌رسیم و بچه‌ها کلمه‌ی «بود» را یاد می‌گیرند، مطالب خواندنی دیگری در اختیارشان می‌گذارم که عمده‌ی آن‌ها شامل مجله‌های رشدند. کلمات و جملات در این مجله‌ها از اندازه‌ی مناسبی برخوردارند و در ضمن درست‌نویسی شده‌اند و برای کار آموزش خیلی مناسب هستند.



را برای مدرسه انتخاب می‌کنیم و در طول سال، درباره‌ی آن فعالیت‌هایی انجام می‌دهیم تا موضوع محوری آن شعار در عمل اجرایی و برای بچه‌ها نهادینه شود. شعار امسال ما هم «من حجاب را دوست دارم» انتخاب شده است. تلاش می‌کنیم بچه‌ها را با زبانی قابل فهم و جذاب با فلسفه‌ی حجاب، زیبایی‌های حجاب مورد نظر دین مبین اسلام و دیگر جوانب آن آشنا کنیم.

آشنایی با آموزگار موفق دبستان

فاطمه برمکی هستیم. فوق لیسانس روان‌شناسی تربیتی دارم و

حدود ۱۵ سال است در پایه‌ی اول دبستان تدریس می‌کنم. به نظرم می‌رسد آموزش برای بچه‌ها به گونه‌ای بوده است که آن‌ها در زمینه‌ی خواندن به راحتی توانایی لازم را پیدا کرده‌اند. به گونه‌ای که برخی از دانش‌آموزان کلاس من، در دی‌ماه که هنوز آموزش حروف و کتاب درسی تمام نشده



است، می‌توانستند کتاب ساده‌ای را به راحتی بخوانند. البته این بچه‌ها معمولاً بچه‌هایی هستند که در طول سال هم فعال‌تر از دیگر دانش‌آموزان هستند و توانایی‌هایی دارند که ممکن است از قبل در معرض برخی آموزش‌ها قرار گرفته باشند.



● درباره‌ی آقا معین شخم‌گر که انگار در حال حاضر هم به تحصیلات خود ادامه می‌دهند بر ایمان بگویید.

دانش‌آموزی با نام «معین شخم‌گر» از روستای تیغ در ۸۰ کیلومتری قاین را شناسایی کردم که در خانواده‌ای پرجمعیت و غیربرخوردار زندگی می‌کرد. با خانواده‌ی معین تماس گرفتم و دلیل نیامدن فرزندشان به مدرسه را جویا شدم. متوجه شدم کمبود امکانات و نبود وسیله‌ی نقلیه برای تردد به شهر، یا بهتر است بگویم نبود امکان تأمین هزینه‌ی آن باعث شده است خانواده‌ی او از آوردنش به قاین، که مستلزم رفت و آمد روزانه بود، منصرف شوند و معین

در عمل از تحصیل باز بماند. و چون سن معین هم در آستانه‌ی محرومیت از تحصیل بود، در شرایط حساسی قرار داشت. با هر مشق‌تی که بود، خانواده‌ی ایشان را قانع کردم بازدیدی از کلاس درس من داشته باشند. معین با مادرش به کلاس درس آمدند. گویا از تدریس من برای بچه‌های نابینا راضی بودند، اما مادر معین گفت فرزندم برای رفت و برگشت به قاین نیاز به کسی دارد که حداقل او را به سرویس بین شهر و روستا برساند و من عملاً قادر به چنین کاری (آن هم هر روز) نیستم. من که شرایط حساس معین را می‌دیدم و می‌دانستم اگر این امکان هم از او گرفته شود، برای همیشه از تحصیل و شاید زندگی معمولی محروم خواهد شد، گفتم، اگر به من اجازه بدهید، این مسئولیت را به شخصه برعهده می‌گیرم و کار تحویل گرفتن معین از سرویس و رساندن او به سرویس بعد از کلاس را عهده‌دار می‌شوم. خدا را شکر خانواده‌ی معین این مسئولیت را به من سپردند و توفیق پیدا کردم که شش سال تمام، هم‌روزه ایشان را از ترمینال قاین (که فاصله‌ی زیادی با مرکز آموزشی رشد دارد) تحویل بگیرم و بعد از ساعت آموزشی هم او را به ترمینال و سرویس روستا برسانم. برخی روزهای برفی و بارانی یا مواقعی که مینی‌بوس روستا رفته بود، یا آن روز سرویس نداشت هم در منزل میزبان معین بودیم. همه‌ی این اتفاقات را فرصت‌هایی می‌دانم که خداوند متعال برای خدمت به این بچه‌های معصوم در اختیار من و خانواده‌ام قرار داده است و از این بابت خداوند مهربان را شکرگزارم. خوشبختانه معین عزیز در حال حاضر در مشهد و در پایه‌ی یازدهم در حال تحصیل است.

● بعد از آن هم این فعالیت‌های سخت اما دلسوزانه‌ی شما ادامه پیدا کرد؟

همین‌طور است. بعد از آن هم دانش‌آموز دیگری به نام علی

معلم یعنی روشنی

محمد محمددوست، آموزگاری که با دانش‌آموزان نابینای خود زندگی می‌کند!

از دفتر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تا شهرستان قاین در خراسان جنوبی حدود ۱۰۲۰ کیلومتر فاصله وجود دارد، اما سرجمع مسافت‌های متعددی که آقای محمددوست برای شناسایی دانش‌آموزان نابینا یا کمک در تردد آنان بین شهر و روستا طی کرده است، چندین برابر این هزار کیلومتر است. فرصتی پیش آمد تا در آغازین روزهای سال تحصیلی (۱۳۹۹-۱۳۹۸) در مرکز آموزشی رشد شهرستان قاین پای صحبت‌های این آموزگار دلسوز بنشینیم و روایت خواندنی او از تلاش‌هایش برای کمک به دانش‌آموزان نابینای شهرستان را از زبان خودش بشنویم.

● آقای محمددوست خبر تلاش‌های شما برای کمک به دانش‌آموزان نابینا رسانه‌ای شده است و ضمن معرفی مختصر خودتان، از زمان آغاز این تلاش‌ها بگویید.

در سال ۱۳۸۶ در مرکز تربیت‌معلم بلال حبشی تهران تحصیلاتم را در رشته‌ی کودکان استثنایی با گرایش دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا آغاز کردم. بعد از پایان تحصیل در مقطع کاردانی، به شهرستان قاین آمدم. در حال حاضر دانشجو دوره‌ی کارشناسی ارشد هستم. براساس وظیفه‌ای که به من محول شده بود، موظف بودم دانش‌آموزان نابینا را در کلاس‌های اول یا دوم آموزش بدهم. اما واقعیت این است که من در حیطه‌ی آموزش به این وظایف قانع نبودم و زمانی که می‌دیدم افراد نابینای زیادی از تحصیل بازمانده‌اند، رنج می‌بردم.

به همین دلیل، با بهزیستی ارتباط برقرار کردم و خواستم با شناسایی این افراد، برای آموزش آنان اقدام کنیم. تعداد زیادی از بچه‌های نابینا، به دلیل اینکه سنشان بالا رفته و جذب مدرسه‌ی نابینایان نشده بودند آموزگار مخصوص نابینایان هم نبوده، از تحصیل بازمانده بودند. در این شرایط، آینده‌ی آنان در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد.



مسئله‌ی حسین برایم مهم بود، او را نزد متخصص فرستادم. نظر دکتر هم بر پیشرفت بیماری بود. بلافاصله آموزش خط بریل (ویژه‌ی نابینایان) را برای حسین آغاز کردیم. آموزش را به گونه‌ای پیش بردیم که وقتی بعد از سه ماه بینایی خود را متأسفانه به‌طور کامل از دست داد، اما خوشبختانه به خط بریل و استفاده از آن کاملاً مسلط شده بود.

تا سال سوم ابتدایی ما دیگر مشکلی (جز نابینایی) با این دانش‌آموز نداشتیم، اما در پایه‌ی سوم، وقتی املا می‌گفتم، او از من می‌خواست مقداری بلندتر صحبت کنم.

با پدید آمدن این شرایط، ما در موقعیت سختی قرار گرفته بودیم، چون در عمل، آموزش به دانش‌آموز نابینا و ناشنوا شدنی نیست. معمولاً در چنین شرایطی بچه باید مدرسه را ترک کند.

وضعیت حسین اصلاً خوب نبود، اما نکته این بود که من تا ناشنوایی کامل حسین دو سه هفته‌ای فرصت داشتیم. با استفاده از همین فرصت طلایی و توکل بر خداوند، طرحی را در ذهنم پروراندیم و خطوط بریل را که حسین با آن‌ها آشنایی داشت، روی انگشتان دستان دانش‌آموزم طراحی و پیاده کردم و به او آموختم که چگونه با لمس بخشی از قسمت پشت انگشتان دست‌هایش، منظور من را تشخیص دهد.

باید بگویم نقاط خط بریل از شش نقطه شروع شده است. ما همین شش نقطه را روی انگشت‌های میانی دستان حسین پیاده کردیم و به او آموختیم که چگونه با لمس این نقاط، کلمات را تشخیص دهد و با ما ارتباط برقرار کند. خوشبختانه این ایده در عمل هم مؤثر و کارآمد بوده است.

در حال حاضر حروف الفبا و آموزش قرآن را با همین روش با حسین کار می‌کنم و او پیشرفت خوبی هم دارد. مثلاً امروز با حسین درس املا داشتیم که من به همین شیوه مطالب را بیان و تفهیم می‌کردم و دانش‌آموزم آن را با دستگاه پرکینز پیاده می‌کرد.

مظفری داشتیم که بعضی روزها از من درخواست می‌کرد و کاغذهای پرکینز و دستگاه بریل را با خود به خانه ببرد و در خانه از آن‌ها استفاده کند. در لابه‌لای صحبت‌های علی فهمیدم که او خواهری نابینا و بازمانده از تحصیل دارد و پنهان کاری خانواده باعث شده بود آن عزیز هم از تحصیل محروم شود.

دوباره فعالیت‌ها را شروع کردم و مدت‌های مدیدی که شاید بالغ بر ۳۰ ساعت می‌شد، در قالب مشاوره، با خانواده‌ی علی صحبت کردم. در نهایت راضی شدند بعد از ظهرها که کسی در مرکز نیست، به‌طور اختصاصی به ایشان درس بدهم. خوشبختانه این دختر خانم در همان روز و جلسه‌ی اول به اندازه‌ی سه تا چهار ماه پیشرفت کرد و به لطف خداوند توانستیم تا پایه‌ی سوم ابتدایی با ایشان کار کنیم. او پایه‌ی ششم ابتدایی را در مدرسه‌ی شقایق خواند. در دوره‌ی راهنمایی هم خودم معلمش بودم. بعد هم چهار سال دبیرستان را با موفقیت طی کرد. دانش‌آموزی که در سن ۱۶ سالگی او را شناسایی کرده بودم، در حال حاضر در رشته‌ی مهندسی کامپیوتر در قاین مشغول به تحصیل است.

● آیا بابت این کارهای اضافه، دستمزد اضافی هم دریافت کرده‌اید؟

خدا را شکر از پول شخصی خودم در این راه هزینه کرده‌ام. البته هیچ چشمداشت شخصی هم در این زمینه ندارم. دانش‌آموز دیگری را در سن ۲۴ سالگی شناسایی کردم که چون محل سکونت خانواده‌ی ایشان هم حدود ۸۰ کیلومتر تا قاین فاصله دارد، برخی اوقات من به منزل ایشان می‌رفتم و گاهی اوقات هم او به مدرسه می‌آمد. خوشبختانه این دانش‌آموز هم در حال حاضر در حال فراگیری درس‌های حوزوی است و در عمل از تحصیل باز نمانده است. خود ایشان می‌گوید بعد از این اتفاق دنیای من روشن شده است. به نظر من، معلم در دنیای این کودکان معصوم نور می‌افشاند و روشنی می‌پراکند تا آنان بتوانند راه زندگی خود را بهتر و راحت‌تر پیدا کنند. این کاری است که قیمت ندارد.

● امروز فرصتی شد که در کلاس درس شما با «حسین آقا اسدالهی» که انگار معلولیت شدیدی هم دارد، آشنا شویم. از حسین برایمان بگویید.

حسین دانش‌آموزی بود که در مهدکودک و با شرایط بینایی کامل حضور داشت، اما در طرح سنجش بینایی و شنوایی ورود به دوره‌ی ابتدایی، متوجه نقص در بینایی ایشان شدم و او را به دکتر ارجاع دادم. نظر دکتر هم این بود که حسین نقص بینایی جزئی دارد، اما می‌تواند در مدرسه‌ی عادی درس بخواند. شش ماهی گذشته بود که یک روز والدین حسین مراجعه کردند و گفتند فرزندشان در خواندن درس‌ها مشکل پیدا کرده است. چون به‌عنوان معلم،

غفلت نکنیم!

از ظرفیت تجربه و توانمندی آموزگاران

گفت‌وگو با مدیر و دو تن از آموزگاران، دبستان حسین‌آباد سادات

طرح امتیاز آورد و به‌عنوان بهترین طرح شناخته شد. زمانی که من متوجه ماجرا شدم، با یک عذرخواهی و تلفن موضوع را جمع کردند. در آموزش و پرورش روش‌های تشویقی که می‌تواند در انگیزش و علاقه‌مندی و مشارکت معلمان در کارها خیلی مؤثر باشد، باید به درستی صورت گیرد. اگر می‌خواهیم در آموزش و پرورش تحول، رشد و توسعه اتفاق بیفتد، نباید از این ظرفیت عظیم و بسیار سازنده غافل شویم.

شهرهای بزرگ معمولاً در حاشیه‌ی خود شاهد تشکیل اجتماعاتی هستند که از دور هم آمدن مهاجران به این مراکز و با امید زندگی بهتر تشکیل می‌شوند. شهرستان بیرجند به‌عنوان مرکز خراسان جنوبی نیز از وجود چنین پدیده‌هایی بی‌نصیب نمانده است. اما توجه مسئولان آموزش و پرورش استان باعث شده است این مدرسه‌ها و از جمله دبستان حسین‌آباد سادات، در همسایگی بیرجند، با وجود محدودیت‌های ناشی از حاشیه‌نشینی، از خدماتی درخور، از جمله آموزگاران با تجربه و با انگیزه برای مدرسه بهره‌مند باشد. فرصتی دست داد تا پای صحبت‌های مدیر و دو تن از آموزگاران این دبستان بنشینیم و شنوای نظرات و حرف دل آنان باشیم.

محمد رضانی
آموزگار دبستان حسین‌آباد سادات



● با تشکر از حضور شما در این گفت‌وگو، لطفاً از سابقه‌ی خدمتی خود بگویید.

به نام خدا. محمد رضانی هستم و ۲۹ سال سابقه‌ی خدمت دارم. سال ۱۳۶۹ وارد آموزش و پرورش شدم و مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی دارم. من بیش از ۲۰ سال از خدمتم را در مناطق مرزی و روستایی دارای شرایط سخت مانند ماخونیک، ماهی‌رود، چنشت، مختاران و روستاهای منطقه‌ی سربیشه گذرانده‌ام. در ابتدا عرض می‌کنم تنها با تفکر و مطالعه و دانستن می‌توان در راه سخت و البته مؤثر معلمی موفق بود.

● با این وصف، آموزش و پرورش باید از وجود همکاری‌مانند شما بهره‌ی خوبی برده باشد!

ما تلاش خودمان را انجام داده‌ایم، اما با تأسف باید بگوییم، آموزش و پرورش نتوانسته است آن‌گونه که شایسته است از نیروهای نخبه‌ی اندیشمند و جمعیت بالای خود که می‌تواند ظرفیت عظیمی برای اداره‌ی این دستگاه مؤثر و مفید فراهم کند، به درستی استفاده کند. برای نمونه باید عرض کنم، من خودم در حدود سال ۱۳۸۵ که در منطقه‌ی سربیشه مشغول خدمت بودم، طرحی با عنوان «طرح سنجش نیروهای سازمان و ارتقای سطح کیفی کارکرد آنان» ارائه کرده بودم که متأسفانه با نام دیگری در تهران ارائه شد، در بین ۳۵۰



امید معماری
آموزگار پایه‌ی اول دبستان حسین آباد سادات

● با تشکر از حضورتان در این گفت‌وگو، برای مخاطبان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی از خودتان بگویید.

امید معماری هستم؛ آموزگار ابتدایی دبستان حسین‌آباد سادات و فوق‌لیسانس آموزش ابتدایی. سال گذشته در این دبستان آموزگار پایه‌ی ششم بودم. امسال چون کلاس پایه‌ی اولمان به دو کلاس تبدیل شد، آموزگار پایه‌ی اول شدم و چون به معلمی علاقه دارم، پایه‌ی تحصیلی برایم فرق نمی‌کند. همان‌طور که می‌بینید، روپوش سفید پوشیده‌ام. باید بگویم که همیشه در کلاس درس با روپوش سفید و ظاهر آراسته حضور پیدا می‌کنم و اعتقاد دارم ظاهر، منش و روش شخصی آموزگار در رفتار و الگوپذیری دانش‌آموزان خیلی مؤثر است.

از نگاه من، اصل فعالیت‌های مدرسه باید بر نیاز و علاقه‌ی دانش‌آموزان و شرکت آنان در فعالیت‌های درسی مبتنی باشد که این فعالیت‌ها می‌توانند در درس‌هایی مانند علوم و کارهای آزمایشگاهی نمود بیشتری داشته باشند. به این ترتیب، معلم می‌تواند ارتباط بهتر، سازنده‌تر و مؤثرتری با دانش‌آموزان برقرار کند. من از فضای مدرسه و محیط استفاده می‌کنم. خوشبختانه دانش‌آموزان هم از این کار راضی هستند. امسال در حیاط مدرسه شکل‌ها و بازی‌هایی برای بچه‌ها طراحی کرده‌اند که من سعی می‌کنم از همین شکل‌ها و طرح‌ها برای آموزش ریاضی و دیگر درس‌ها استفاده کنم.

این موضوع هم نتیجه‌ی این است که به استفاده از بازی در آموزش و تأثیر مثبت آن خیلی اعتقاد دارم. در عمل هم مشاهده کرده‌ام که بچه‌ها از این طریق بهتر و مؤثرتر یاد می‌گیرند و یادگیری آن‌ها عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود.

نکته‌ی دیگر هم این است که سعی می‌کنم کار را از جایی به صورتی که بچه‌ها دوست دارند آغاز کنم و آن را به اهداف و نتایجی خاتمه دهم که به لحاظ آموزشی و تربیتی مورد نظر است. همیشه حواسم هست که وقتی بچه‌ها خسته می‌شوند، تدریس را متوقف کنم یا شعرهای کتاب درسی را همراه با صداهای جذاب و حرکات جالبی که بتوانند بچه‌ها را با درس همراه کند، همراه و در واقع آن‌ها را باب میل بچه‌ها اجرا کنم. به حرکت و تحرک معلم در کلاس خیلی بها می‌دهم. شاید بتوانم بگویم گاهی اوقات در همان فضای کوچک کلاس می‌دوم و سعی می‌کنم توجه بچه‌ها را به موضوع درس جلب کنم. آن‌ها نیز به حرکت و تحرک بیشتری وادار می‌شوند. با این شیوه، مدیریت کلاس هم آسان‌تر می‌شود و برخلاف نگاه مرسوم که گمان می‌کنیم کلاس ساکت برای تدریس و فعالیت بهتر است، اتفاقاً همین تحرک و شادابی باعث می‌شود دانش‌آموزان در کلاس مشارکت بیشتری داشته باشند و کنترل کلاس آسان‌تر شود.

● به نظر شما کلید موفقیت آموزگار در تدریس و برخورد

با دانش‌آموزان چیست؟

کلید موفقیت آموزگار، توجه به تفاوت‌های فردی است. تفاوت و تنوعی که نشان از وجود قادر متعال و عالمی دارد که ما باید ضمن آگاهی از آن، از این تفاوت‌های خدادادی به درستی و شایستگی استفاده کنیم.

من در بخشی از خدمت معلمی، در روستای بیست‌کنج (در فاصله‌ی ۱۱۵ کیلومتری بیرجند) معلم بوده‌ام که حتی آب خوردن به راحتی در دسترس نبود. بچه‌ها آب آشامیدنی خود را از چشمه تهیه می‌کردند و معلمی در آن شرایط، با همه‌ی آن محرومیت‌ها و مشکلات، درس‌های بزرگی برای ما و دیگر معلمان داشت. ما تلاش می‌کنیم از این تجربه‌ها برای بهتر شدن کار خودمان و خدمت بیشتر به دانش‌آموزان استفاده کنیم.

درواقع می‌توان گفت مادر کنار بچه‌ها در مدرسه‌ی زندگی فعالیت کرده‌ایم و این تجربه‌های سخت اما موفق نشانگر این است که به درستی به معلمی هنر گفته‌اند.

● از مدیر محترم دبستان هم خواهش می‌کنم خودشان را معرفی کنند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. حسین پندور هستم. امسال و با شروع مهر، سال سی و یکم خدمتم را آغاز کرده‌ام. لیسانس ادبیات فارسی دارم و بیشترین مدت زمان خدمت معلمی را در روستاهای استان گذرانده‌ام. الان هم در این مدرسه با حدود ۱۴۰ دانش‌آموز، هیچ نیروی معاون و کمکی و حتی یک خدمتگزار نداریم و برابر روال معمول اداری باید مدرسه را با همه‌ی محدودیت‌ها اداره کنیم. البته باید اذعان کنم که این شرایط سخت برای ما سبب خیر شده است و ما یاد گرفته‌ایم به جای منتظر ماندن برای رسیدن امکانات و تجهیزات اداری، به توان و امکان خودمان تکیه کنیم. هیچ بهانه‌ای برای کوتاهی در خدمت به دانش‌آموزان و همکاران عزیز پذیرفتنی



نیست. به نظرم اگر فرد در هر شرایط و با هر عنوانی به کار و حرفه‌ی خود اعتقاد داشته باشد، انگیزه‌ی لازم را پیدا خواهد کرد. آن‌گاه است که می‌تواند در شرایط سخت و با امکانات کم هم کارش را انجام دهد و از انجام آن و دیدن موفقیت‌های دانش‌آموزانش لذت ببرد.

● اما همیشه این‌طور نیست و معمولاً همکارانی که تجربه‌ی کمتری دارند، به راحتی نمی‌توانند با شرایط سخت و ناآشنا کنار بیایند.

همین‌طور است. ما هم گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم همکاران جدید برای همراه شدن با شرایط و پذیرفتن سختی‌های کار تردید دارند. برای مثال، برخی همکاران جدید ما از آمدن به این مدرسه که کمتر از ۲۰ دقیقه با بیرجند فاصله دارد، گلایه‌مندند. این در حالی است که ما فاصله‌های طولانی را که گاه تا دو ساعت و نیم هم طول می‌کشید، در برف و باران و با موتور طی می‌کردیم تا به روستا و مدرسه‌ی محل کارمان برسیم.

● نظر شما در خصوص مشکلات و مسائلی که به خصوص در حوزه‌ی آموزش و پرورش و در ارتباط با معلمان مطرح است، چیست و چه انتظاراتی از مسئولان محترم دارید؟
من بارها در صحبت با همکارانم گفته‌ام که حقوق معلمی ما کم نیست، اما وقتی در مقایسه با دیگر افراد در سازمان‌های مشابه، شاهد تفاوت‌های فراوان و با فاصله‌ی زیاد هستیم، این نگرانی و دلخوری پیش می‌آید که چرا باید چنین تفاوت‌ها و احياناً بی‌عدالتی‌هایی وجود داشته باشد و متأسفانه همین تفاوت‌های بی‌مبنا و غیراصولی باعث بی‌انگیزگی و گلایه‌ی همکاران ما می‌شود.



حسین پندور
مدیر دبستان حسین آباد سادات

معرفی گزیده فیلم‌های
جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌رشد
با موضوع تقویت مهارت‌های
معلمی در کلاس

سوزن

عنوان فیلم: سوزن
کارگردان: یوسف جعفری
قالب: داستانی
مدت زمان: ۲۰ دقیقه

معرفی کارگردان:

یوسف جعفری متولد سال ۱۳۶۹
است. او به غیر از فیلم سوزن،
آثار دیگری همچون مجموعه‌ی
سه قسمتی «من انقلابی‌ام»
«کلیپ‌های داستانی کوتاه»
«داستان شکلاتی» و «مستند
اجتماعی آقای سبز» را نیز در
سال ۱۳۹۵ تولید کرده است.

خلاصه‌ی فیلم:

یک گروه جهادی در تابستان ۱۳۶۳ برای انجام خدمات بهداشتی،
درمانی و فعالیت‌های فرهنگی وارد روستایی دورافتاده در حوالی
اراک می‌شوند. آن‌ها قرار است با تزریق آمپول به بچه‌های روستا،
آن‌ها را در برابر بیماری سرخک واکسینه کنند، اما ظاهراً در این
روستا بچه‌ای یافت نمی‌شود! اعضای گروه برای حل این معما دست به
کار می‌شوند و نشانه‌هایی از بچه‌ها می‌یابند تا اینکه...
ابتدایی پیشنهاد می‌شود. در کلاس دانش‌آموزان دوره‌ی دوم

فرهنگیان محترم، اولیای گرامی و متولیان ارجمند آموزش و پرورش برای تهیه فیلم‌های معرفی شده می‌توانند به یکی از روش‌های زیر اقدام کنند:

(الف) تماس با شماره تلفن ۸۸۳۰۵۸۶۱ - ۰۲۱ (گروه تولید فیلم‌های آموزشی).

(ب) ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی goroohonari@gmail.com (با ذکر نام، شماره تلفن، کدپستی و نشانی دقیق).

(ج) مراجعه حضوری به این نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، طبقه دوم، گروه توسعه و تولید رسانه‌های شنیداری و دیداری.

در «هشت‌نما» فیلم‌های کوتاه برگزیده‌ی جشنواره‌ی فیلم رشد را بررسی می‌کنیم. فیلم‌سازان این فیلم‌ها را براساس تجربه‌های شما ساخته‌اند. نگاه جسورانه‌ی بعضی از این فیلم‌ها می‌تواند تفکر انتقادی ما را جان تازه‌ای ببخشد.

جذابیت‌های کلاس شما برای دانش‌آموزان چیست؟

از جمله مهارت‌های معلمی که لازم است هر آموزگاری در کار خود داشته باشد چگونگی ایجاد انگیزه و شور و شوق دانش‌آموزان برای حضور در مدرسه و کلاس درس است. انگیزه‌های انسانی را به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم کرده‌اند. انگیزه‌های بیرونی می‌تواند تقویت‌کننده‌هایی همچون، تأیید، احترام و نمره را نام برد. از تقویت‌کننده‌های درونی نیز مواردی چون احساس لذت از یادگیری، انرژی مثبت از بودن در کنار دیگران، رضایت خاطر در محیط مدرسه را می‌توان برشمرد. انگیزه‌های بیرونی در دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا سوم ابتدایی بیشتر از انگیزه‌های درونی مشهودند. در این سنین، دانش‌آموزان به تقویت‌کننده‌های بیرونی از جمله مهر و محبت آموزگار، دریافت جایزه از مدرسه و اولیا بیشتر از تقویت‌کننده‌های بیرونی نیازمندند. تفاوت اساسی دانش‌آموزان دارای انگیزه‌ی درونی با دانش‌آموزان دارای انگیزه‌ی بیرونی این است که افراد با انگیزه‌ی درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند. این گروه از دانش‌آموزان، خود تعیین‌کننده‌ی رفتارها هستند و به خاطر کفایتی که در خود احساس می‌کنند، باور دارند که می‌توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند.

راهکارهای شما برای ایجاد جذابیت در کلاس

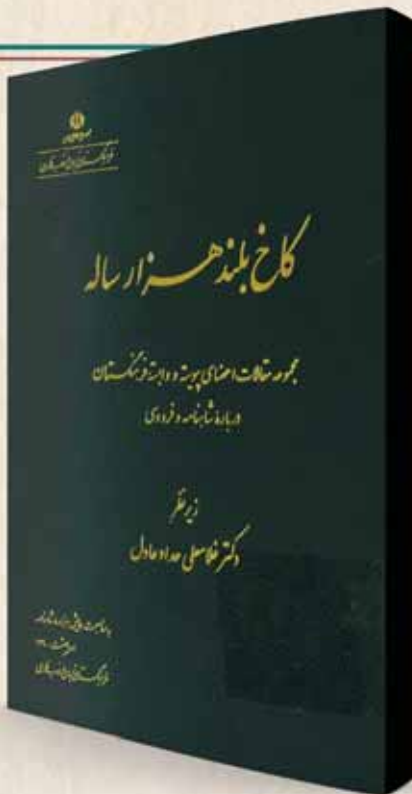
هر هفته آیا دانش‌آموزان را به گردش علمی می‌برید؟ آیا به زنگ ورزش به اندازه‌ی کافی اهمیت می‌دهید و معتقدید یکی از تشویق‌کننده‌های بچه‌ها، اختصاص زنگ ورزش اضافی در برنامه‌ی درسی آن‌هاست؟ آیا دانش‌آموزان را به بهانه‌های گوناگون از چهاردیواری کلاس خارج می‌کنید و آنان را با قسمت‌های مختلف مدرسه از جمله کتابخانه، نمازخانه، آزمایشگاه و ... آشنا می‌کنید؟ آیا بعضی از درس‌های کتاب‌ها را به صورت نمایشی به دانش‌آموزان آموزش می‌دهید؟ آیا...

اگر از همه‌ی روش‌هایی که نام برده شد، استفاده می‌کنید، پس باید گفت دست‌میریزاد، آفرین بر همت و پشتکار و عشق و علاقه‌ی شما به حرفه‌ی مقدس معلمی! خدایوت می‌گوییم به شما پدران و مدرسان معنوی دانش‌آموزان که با استفاده از روش‌های متعدد تدریس و به کارگیری فنون متنوع، دانش‌آموزان را به مدرسه و کلاس درس مشتاق می‌کنید. اما اگر اجازه بدهید، ما می‌خواهیم امروز به یکی دیگر از روش‌های جذب دانش‌آموزان به کلاس درس اشاره کنیم؛ اگر چه ممکن است شما با این روش نیز آشنا باشید و از آن در کلاس درس

خود بهره‌ها ببرید. می‌خواهیم امروز از روش پخش فیلم در کلاس درس با شما سخن بگوییم. آخرین باری که در کلاس خود برای دانش‌آموزان فیلم نمایش داده‌اید، کی بوده است؟ شاید کسی بخواهد بگوید، مگر مدت زمان کلاس‌های درس دانش‌آموزان، به خصوص در دوره‌های ابتدایی، چند دقیقه است که فرصت پخش فیلم نیز داشته باشیم؟ اگر بخواهیم از فیلم‌های بلند و سینمایی که معمولاً زمان آن‌ها بیشتر از یک ساعت است استفاده کنیم، بله درست است. فرصت لازم مهیا نیست، اما فیلم‌های جذابی در قالب‌های داستانی، مستند و پویانمایی وجود دارند که طول آن‌ها نه یک ساعت که حتی یکی دو دقیقه است و به راحتی می‌توان آن‌ها را در کلاس درس پخش و با دانش‌آموزان درباره‌ی آن‌ها صحبت کرد. پیشنهاد می‌کنیم پخش فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی را در کلاس‌های درس خود جدی بگیرید. همان‌طور که دانش‌آموزان در روزهایی که ورزش دارند یا روزهایی که قرار است به اردو بروند، اشتیاق بیشتری برای رفتن به مدرسه از خود نشان می‌دهند، اجازه بدهید در کلاس درس، لایه‌لای درس و مشق‌ها و کتاب خواندن‌ها، از دیدن فیلم‌های مناسب نیز لذت ببرند. مناسب‌های طول سال تحصیلی فرصت مناسبی است تا به بهانه‌ی آن برای دانش‌آموزان فیلم پخش کنید و خودتان هم در کنار آن‌ها به تماشای فیلم بنشینید. اگر بچه‌ها با دیدن فیلم‌های شاد خندیدند، شما هم با آن‌ها بخندید. اگر غمگین شدند و گاهی هم اشک ریختند، شما هم با آن‌ها همراه شوید و نشان بدهید حس و حال آن‌ها را درک می‌کنید. برای اینکه دانش‌آموزان بهتر و راحت‌تر با فیلمی که برای آن‌ها پخش می‌کنید ارتباط برقرار کنند، قبل و بعد از پخش فیلم، برای آن‌ها توضیحاتی بدهید.

فیلم مفرح سوزن

فیلمی را که در این شماره برای شما در نظر گرفته‌ایم، یک فیلم کوتاه و مفرح به نام «سوزن» است. سوزن یکی از فیلم‌های قابل توجه در چهل‌ونهمین جشنواره‌ی فیلم رشد است که در آن یک گروه جهادی به روستاهای محروم و دورافتاده می‌روند تا طرح واکسیناسیون را برای کودکان و دانش‌آموزان اجرا کنند. اما بچه‌های روستا برای نجات از نیش آمپول پا به فرار می‌گذارند و خود را از چشم گروه جهادی پنهان می‌کنند. آن‌ها نیز برای اینکه بچه‌ها را به تزریق آمپول راضی کنند، از جادوی فیلم و تصویر استفاده می‌کنند و با موفقیت به هدف خود دست پیدا می‌کنند.



یادی از فردوسی و شاهنامه به گفتار پیغمبرت راه جوی

در این سلسله نوشتارها تاکنون از دو شاعر بزرگ زبان فارسی، **سعدی و ناصر خسرو**، و نیز دو کتاب گران سنگ این زبان، «قابوس نامه» و «کلیله و دمنه» سخن گفته و نمونه‌هایی از هر یک آورده‌ایم. اینک می‌خواهیم به سراغ حکیم **ابوالقاسم فردوسی** و «شاهنامه» برویم.

اسطوره، تاریخ و حکمت

شاهنامه‌ی فردوسی را از یک نظر می‌توان شامل سه بخش دانست: ۱. اساطیر و افسانه‌ها، ۲. رویدادهای تاریخی؛ ۳. حکمت‌ها. اساطیر و افسانه‌ها که جذاب‌ترین بخش شاهنامه است، اصل شاهنامه را تشکیل می‌دهد و تاریخ بخشی است که وقایع و رویدادهایی را که در عصر باستان یا پیش از اسلام ایران روی داده‌اند، روایت می‌کند؛ اگر چه همان‌ها هم به اساطیر و افسانه‌ها پهلوی می‌زنند و بعضی از استواری زیاد برخوردار نیستند. اما حکمت‌ها جان‌مایه یا باطن شاهنامه‌اند و در واقع درس‌ها و عبرت‌های رویدادها را بیان می‌کنند؛ از همین روست که فردوسی را «حکیم» نامیده‌اند.

شادروان دکتر **سلیم نیساری** - پژوهشگر فقید و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به‌درستی گفته است که: «اندیشه‌ها، باورها، آرمان‌ها و رسم‌های زندگی، و به‌طور کلی آنچه مشخص‌پندار، گفتار و کردار یک اجتماع است، از مهم‌ترین جنبه‌های تشکیل‌دهنده‌ی فرهنگ به‌شمار می‌رود.» و ما می‌گوییم، شاهنامه‌ی فردوسی در واقع بازتاب همین اندیشه‌ها، باورها و آرمان‌هاست و شاخص مهم فرهنگ دیرپای اقوام ایرانی از دیرباز تاکنون.

و اما از منظر دیگری هم می‌توان شاهنامه را شامل دو نوع ادبی دانست: ادبیات داستانی و ادبیات تعلیمی. ادبیات تعلیمی همین حکمت‌هاست، یعنی ابیات و اشعاری که به خوانندگان خود ادب و اخلاق و تربیت و دانش و پیراستگی و وطن‌دوستی و مهربانی و مهرورزی و جوانمردی و ده‌ها صفت دیگر را به‌طور صریح و آشکار تعلیم می‌دهد. گو اینکه اگر این ابیات حکمت‌آموز هم در شاهنامه نباشند، داستان‌های آن به‌خودی‌خود درس‌آموز و حکیمانانه‌اند.

با این مقدمه می‌رویم به سراغ شاهنامه، و ابیاتی حکمت‌آمیز از آن را تقدیم شما می‌کنیم. با این امید و توصیه که از طریق شما همکاران عزیز به دانش‌آموزان دلبندتان نیز برسد.

خدا و پیامبر (ص)

تو را دانش و دین رهاند درست
در رستگاری ببایدت جست
چو خواهی که یابی زهر بدرها
سر اندر نیازی به دام بلا
به گفتار پیغمبرت راه جوی
دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

علی (ع)

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی^۱
خداوند امر و خداوند نهی
که من شارسانم^۲ علی‌ام درست
درست این سخن گفت پیغمبر است
اگر چشم داری به دیگر سرای
به نزد نبی و وصی گیر جای

چهار عنصر تربیت

یکی داستان زد بر او پیلتن
که هر کس که سر برکشد ز انجمن^۵
هنر باید و گوهر نامدار
خرد یار و فرهنگش آموزگار
چو این چار گوهر به جای آوری
به مردی جهان زیر پای آوری

تحصیل علم

بیاموز و بشنو ز هر دانشی

بیابی ز هر دانش آرامشی
میاسای ز آموختن یک زمان
ز دانش میفکن دل اندر گمان^۶

میانه‌روی و اعتدال

چو داری به دست اندرون خواسته^۷
زر و سیم و اسبان آراسته
هزینه چنان کن که بایدت کرد
نیاید فشاند و نیاید فشرده^۸
میانه‌گرینی بمانی به جای
نباشد جز از نیکی‌ات رهنمای

احتیاط و دوراندیشی

چنین گفت با بچه، جنگی پلنگ^۹
که ای هر هنر بچه‌ی تیز چنگ
ندانسته در کار تندی مکن
بیندیش و در کار تندی مکن
به گفتار شیرین بیگانه‌مرد
به‌ویژه به هنگام جنگ و نبرد
پژوهش^{۱۰} نمای و بترس از کمین
سخن هر چه باشد به ژرفی بین

پی‌نوشت‌ها

۱. خداوند تنزیل و وحی: منظور پیامبر است؛
۲. شارسان: شهر، شهرستان. اشاره است به حدیث انا مدینه العلم و علی بابها؛
۳. وصی: منظور علی (ع) است.
۴. پیلتن: ظاهراً منظور رستم است؛
۵. مصراع: هر کس بخواند در جامعه سرفراز باشد؛
۶. مصراع: در ارزش و قدر دانش شک مکن.
۷. خواسته: مال و ثروت و امکانات
۸. مصراع: نه باید ولخرجی و اسراف کرد و نه باید دست بسته و خسیس بود.
۹. جنگی پلنگ: پلنگ جنگاور
۱۰. پژوهش: تحقیق و کنجکاوی

خود در پای نامه‌ها که اصل آن‌ها خط حسن پسرش است، چیزی بلد نیست، پرسیدم: از جنس کتاب در خانه چیزی داری؟
گفت: شاهنامه دارم.

با کمال تعجب گفتم: تو که سواد نداری، شاهنامه را می‌خواهی چه کنی؟

گفت: حسن شب‌ها برایم می‌خواند، و می‌خواهم از شما خواهش کنم برای رفع خستگی اجازه بدهید امشب را به شاهنامه‌خوانی بر گزار کنیم.
گفتم: شاهنامه را بیاور. من امشب قائم‌مقام حسن می‌شوم و برای همگی شاهنامه می‌خوانم.

کتاب را آورد. گفتم: از کدام قسمت بیشتر خوشت می‌آید که همان قسمت را برایت بخوانم.

گفت: من از نصایح و کلیاتی که بعد از هر واقعه یا در ضمن واقعه در این کتاب است کیف می‌برم.

بنابراین، برای من فرقی نمی‌کند کدام قسمت را بخوانید.

کتاب را گرفتم و عوض حسن مشغول خواندن شدم. ولی ارباب نصرالله را هم از زیر چشمی‌های خود معاف نداشته واقعا می‌دیدم که این مرد شصت و چند ساله‌ی بی‌سواد چنان محو کلیات و نصایح شاهنامه می‌شود که هر وقت به یکی از آن‌ها می‌رسم، غرق تحسین و شمع و از خود بی‌خبر می‌شود، خواندن را قطع می‌کند و می‌گوید: از این اشعار شاهنامه است که من خوشم می‌آید.»

مستوفی سپس اضافه می‌کند: «در اینجا از خواننده‌ی عزیز می‌پرسم: دانشمندان قوم هم، گذشته از محسّنات لفظی و شعری و انسجام که در اشعار این حکیم بزرگوار و معلم عالی‌قدر بشریت (فردوسی) وجود دارد، مگر کیف دیگری هم از شاهنامه می‌برند؟ من به قدری از حسن قریحه‌ی این پیرمرد خوشم آمد که تا ساعت ۹ شب، یعنی چهار ساعت تمام، شاهنامه را برای او و حضار خواندم و خودم هم مثل این مستمع بی‌سواد خود، به این اشعار که می‌رسیدم، غرق شور و شمع و تحسین و آفرین می‌شدم.

منابع

۱. کاخ بلند هزارساله، مجموعه‌ی مقالات درباره‌ی شاهنامه و فردوسی، زیر نظر دکتر غلامعلی حداد عادل. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۳۹۰.
۲. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجاریه، عبدالله مستوفی، انتشارات رۆار، ۱۳۷۱.

کتاب «زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار» نوشته‌ی **عبدالله مستوفی**، کتابی است که باید خواند تا در آن به ظرافت‌ها و دقایق زندگی گذشته‌ی مردم ایران پی برد. او خاطره یا صحنه‌ای از مواجهه‌ی خود با یک روستایی بی‌سواد ولی علاقه‌مند به شاهنامه را روایت کرده است که می‌تواند تکمیل‌کننده‌ی بخش اول این نوشتار باشد. با هم می‌خوانیم:

«یکی دو هفته قبل برای رسیدگی به حساب مباشر و بده و بستان او با رعایا، به یکی از دهات استیجاری خود، به ورامین رفته بودم. از صبح تا غروب روز دوم با یک نفر از رفقا که در آن واحد شریک هم هست، مشغول حساب و رقم بوده، همه خسته شده بودیم.

من از ارباب نصرالله مباشر که مردی بی‌سواد است و جز نوشتن اسم



حل ریاضی یا مشق ریاضی

بعید است برای شما اتفاق نیفتاده باشد که آموزگار فرزندان تکلیفی برایش تعیین کند که نه شما آن را بیسندید، نه فرزندان! نمی‌دانید صلاح چیست و پسند شما محلی از اعراب دارد یا ندارد؟ این است که درمانده می‌شوید و متوسل به گله‌گذاری.

بیشتر اولیا ناراضی بودند. وسط سال که معلم عوض شده بود، هیچ، حال باید با روش کاری معلم جدید هم کنار می‌آمدیم؛ هم ما و هم بچه‌ها. باید کاری می‌کردیم. نمی‌شد این‌طوری پیش رفت!

گله‌گذاری‌های مادرانه

- عجب بدشانس‌اند بچه‌های ما! آخر وسط سال معلم عوض می‌شود؟!
 - بدتر از آن، تغییر شیوهی این معلم جدید نسبت به معلم قبلی‌شان است!
 - این‌طوری که فایده ندارد! بچه‌ها فقط دارند ریاضی رونویسی می‌کنند.
 - درستش این است که ما روزی ده سؤال دربیابیم تا بچه‌ها حل کنند.
 - بهتر این است که معلم سؤال در بیاورد و پلی‌کپی بدهد. هزینه‌ی پلی‌کپی را می‌دهیم خب!
 - آخر رونویسی از سؤال‌های حل‌شده‌ی کتاب درسی هم شد تمرین؟
 - کلاس پنجمی هستند و سرعت نوشتنشان کم است! وقت کم می‌آورند.
 - پسر من که جواب‌ها را آماده می‌نویسد. اصلاً چیزی متوجه نمی‌شود!
 - پسر من هم همان موقع که سؤال‌ها را می‌نویسد، جواب‌ها را رونویسی می‌کند.
 - من یک بار پسر را دعوا کردم که این کار را نکند، فقط رسید پنج تا سؤال را بنویسد. بقیه‌ی تکلیفش ماند و آنقدر گریه کرد و شب تا صبح حرص خورد که پشیمان شدم از گفته‌ام.
 - معلوم نیست تمرین دیکته است یا ریاضی!

شکایت به مدیر

با این گله‌گذاری‌های یکطرفه کاری از پیش نمی‌رفت. این بود که از نماینده‌ی اولیا خواستیم همراه چند نفر از مادرها به مدرسه برویم و در واقع به مدیر گله کنیم. البته بعضی اولیا مخالف بودند. می‌گفتند مبادا معلم دلخور شود و روی رفتارش با دانش‌آموز تأثیر منفی بگذارد! در نهایت هم خواهش و تمنا کردند که در مدرسه اسمی از هیچ دانش‌آموزی برده نشود.

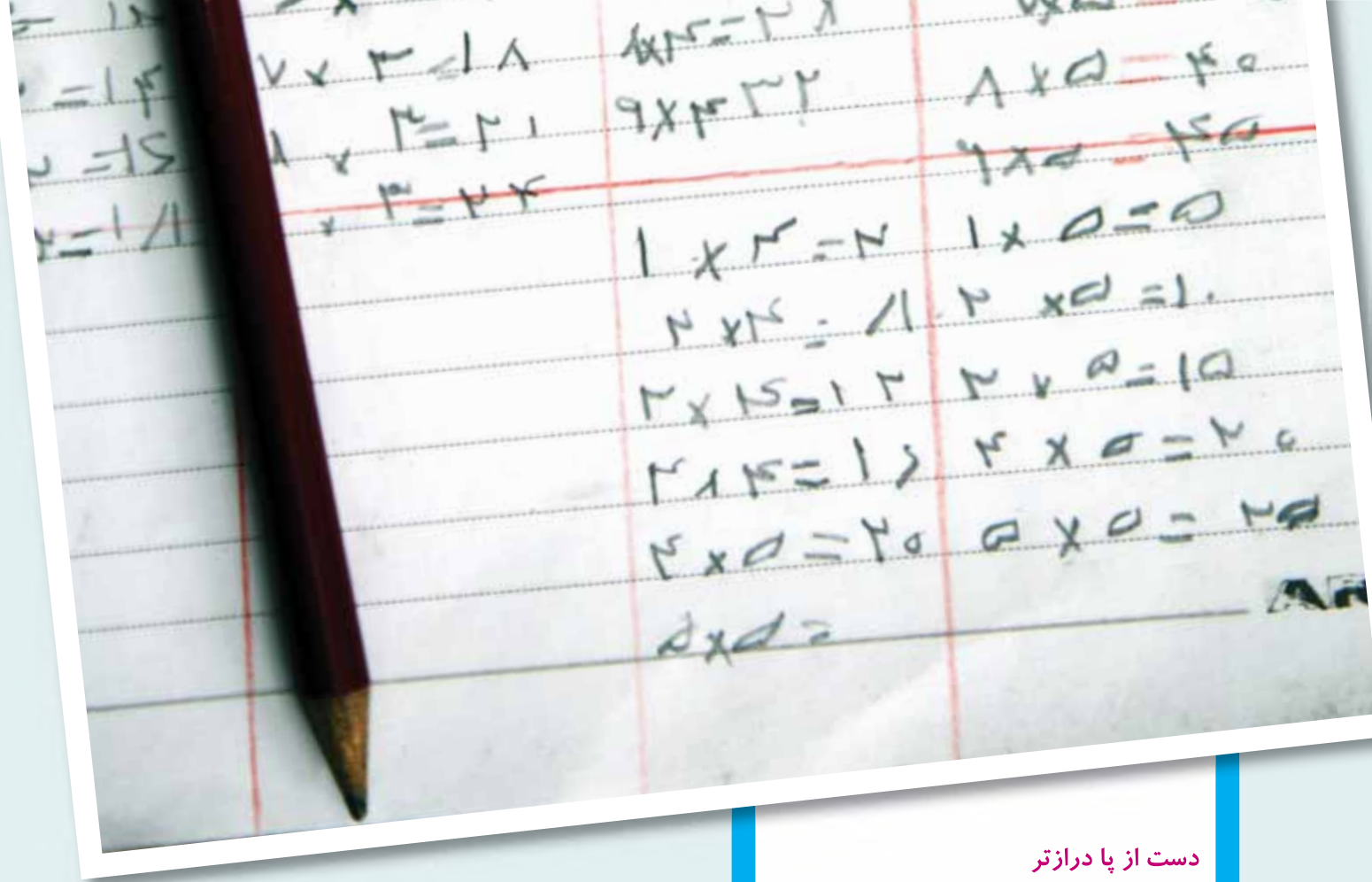
به هر ترتیب بود پیش مدیر رفتیم. مدیر برایمان توضیح داد که هر معلمی روش کار و تدریس خودش را دارد و نمی‌توان در کار او دخالت کرد. این آموزگار هم فوق‌لیسانس ریاضی دارد. خودتان با او صحبت کنید و به قولی سنگ‌ها را وا بکنید.

شکایت به معلم

با خانم آموزگار قرار گذاشتیم و موضوع را چنین مطرح کردیم: «بچه‌ها وقت زیادی برای رونویسی سؤال و جواب‌های ریاضی صرف می‌کنند و تقریباً به هیچ کار دیگری نمی‌رسند. لطفاً تجدید نظر کنید.» آموزگار گفت: «وقتی دانش‌آموز خودش سؤال‌ها را می‌نویسد، در حین نوشتن، به موضوع فکر می‌کند و آن را درک می‌کند. بعد که سؤال‌ها تمام شد، باید کتاب را ببندد و جواب‌ها را بنویسد. راه درست این است. بچه‌های شما از راه غلط می‌روند که به هدف نمی‌رسند. اینکه شما سؤال‌ها را بنویسید هم کمکی به درک آن‌ها از سؤال ریاضی نمی‌کند.»

- خب، وقت کم می‌آورند خانم. تمام عصر را در حال نوشتن ریاضی هستند!

معلم برای این مشکل راه‌حلی داشت: «مشکل وقت را می‌شود تا حدودی حل کرد. از این به بعد، قسمت‌های «فعالیت‌ها و کار در کلاس» در کتاب کار حل می‌شوند، اما بخش تمرین‌ها را بچه‌ها باید در خانه و در دفتر بنویسند.» بعد هم اضافه کرد: «من سال‌ها دبیر دوره‌ی اول دبیرستان بوده‌ام. می‌بینم که بچه‌ها ریاضی دبستان را به درستی یاد نگرفته‌اند و در دبیرستان می‌شوند. فرصت بدهید این روش را امتحان کنیم، ببینیم چه می‌شود!»



دست از پا درازتر

شما جای ما بودید، چه می کردید! با احترام از معلم خداحافظی کردیم؛ هر چند مشکل حل نشده بود. اعتراض مادرها بیشتر هم شد. گله داشتند چرا بچه‌ها باید کلی وقت و ورق صرف کنند و همان تمرین‌ها را در دفتر بنویسند!

تقریباً دو ماه از ورود معلم جدید و پنج ماه از سال تحصیلی گذشت. بچه‌ها برای ارزشیابی بهمن ماه آماده می شدند. هفته‌ی قبل از امتحان ریاضی، معلم گفت بچه‌ها به صورت دلخواه سه چهار صفحه سؤال تمرینی در دفتر بنویسند و جواب بدهند. قول تأثیر مثبت این چند صفحه در نتیجه‌ی ارزشیابی بهمن را هم داد. این نکته را در دفترچه‌ی ارتباط اولیا با مدرسه هم یادآور شد. از چند روز مانده به امتحان ریاضی، از پسرم خواستم به خاطر نتیجه‌ی کارنامه هم که شده است، این تکلیف داوطلبانه را انجام دهد تا نتیجه‌ی امتحانش بهتر شود. اما او قبول نکرد که نکرد. برایم جالب بود با وجود اینکه هر شب به اجبار حداقل دو صفحه ریاضی می نوشت که تأثیر مثبتی هم در نمره‌اش نداشت (بگذریم از اینکه این تکلیف و رونویسی محض، به بهبود ریاضی‌اش هم کمک نمی کرد)، حال که تکلیف دلخواهی بود و تأثیر مثبت هم در نتیجه‌ی ارزشیابی داشت، حاضر نبود آن را بنویسد و می گفت بگذار یک شب از نوشتن تکلیف ریاضی راحت باشیم.

نتیجه‌ی تکلیف داوطلبانه

جالب‌تر اینکه روز بعد برایم خبر آورد تنها سه نفر از بچه‌های کلاس این تکلیف داوطلبانه را انجام داده بودند! وقتی معلم پرسیده بود چرا بقیه نخواستند نتیجه‌ی ارزشیابی‌شان بهتر شود، بچه‌ها گفته بودند دیگر از ریاضی نوشتن خوششان نمی آید.

گر صبر کنی زغوره حلوا سازی

از هفته‌ی بعد از امتحان ریاضی بهمن ماه، آموزگار این کلاس رویه‌اش را تغییر داد. هر آخر هفته حدود هشت تا ده سؤال ریاضی را در یک برگ پلی‌کپی به بچه‌ها می داد تا آن‌ها را حل کنند. اردیبهشت ماه دربارهِی درس ریاضی و علاقه‌ی بچه‌ها به آن سؤال کرده بود. بچه‌ها گفته بودند آن دو ماه که هر شب مجبور بودند سوال‌های ریاضی را بنویسند، از بدترین خاطرات ریاضی خواندنشان محسوب می شود.



با مشاهده حرف می‌زنم!

۳۶ فعالیت نگارشی برای تقویت انشانویسی
در دوره‌ی دوم ابتدایی (قسمت پنجم)

مشاهده‌نویسی

احتمالاً با من موافق هستید که زنگ انشا نه زنگ املا است و نه زنگ دستور و نه زنگ فارسی. بلکه فقط زنگ نوشتن و بازی نوشتاری و لذت بردن از آن است. اگر وقت آن را صرف املا یا روخوانی و معنی شعر کنیم، بچه‌ها را از یک فرصت محروم کرده‌ایم، فرصتی که هیچ‌گاه دیگر نمی‌توانند تجربه‌اش کنند. فرصت یادگیری نوشتن و لذت بردن از آن. این بار می‌خواهیم لذت مشاهده را به بچه‌ها بچسانیم.

به نظرم، اگر معلم ما یادمان داده بودند که مشاهده‌گران خوبی باشیم و هر چه می‌بینیم و می‌شنویم و می‌بوییم و لمس می‌کنیم را روی کاغذ بیاوریم، الان هر کدام نویسنده‌های خوبی بودیم. می‌توانیم این کار را برای دانش‌آموزانمان انجام دهیم و از آنان بخواهیم «مشاهده‌گر» باشند. برای این منظور، روش‌هایی پیشنهاد می‌شوند که قدرت نوشتاری بچه‌ها را در مشاهداتشان افزایش می‌دهند.

قبل از هر چیز توضیح دهم که منظورم از مشاهده‌نویسی این نیست که هر چه می‌بینند، بنویسند. دیدن یکی از مراحل مشاهده است. طبعاً بدون دیدن عمل مشاهده صورت نمی‌گیرد، ولی منظورم نوشتن آنچه از طریق حواسمان درک می‌کنیم، و حتی بالاتر از حواس، نوشتن احساسمان از یک واقعه یا خوراک یا پوشاک است. این تمرین‌ها دست بچه‌ها را در این زمینه باز می‌کنند:

۲۳. تابلو

۱. عکس تابلویی را به بچه‌ها نشان دهیم و از آنان بخواهیم هر چه را در آن می‌بینند، فهرست کنند. از تابلوهای شلوغ شروع کنیم و به تابلوهای خلوت برسیم. به آنان بگوییم هر چه بیشتر فهرست کنند، بهتر است. می‌توانیم زمان محدودی را به این کار اختصاص دهیم، مثلاً سه تا پنج دقیقه.

۲. از بچه‌ها بخواهیم بنویسند چه صداهایی را در این تابلو می‌شنوند؟ سه دقیقه فرصت دهیم. این کار به تقویت قدرت تخیل آنان نیز کمک می‌کند.

۳. از آنان بپرسیم چه بوهایی در تابلو می‌شنوند. ممکن است تابلو

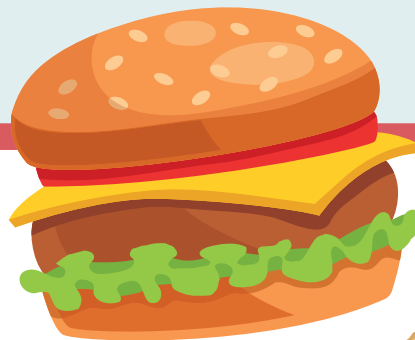
عکس آشپزخانه باشد. بچه‌ها می‌توانند تصور کنند و بوهایی را که معمولاً در آشپزخانه پخش می‌شود، بنویسند.

۴. آیا می‌توانند مزه‌ای برای اشیای داخل تابلو تصور کنند؟

۵. آیا می‌توانند به نرمی و زبری اشیای داخل تابلو هم اشاره کنند؟
۶. اکنون که بچه‌ها با جزئیات بیشتری از موضوع آشنا شدند، می‌توانیم از آنان بخواهیم درباره‌ی مشاهداتشان انشایی در دو تا سه بند بنویسند.

۲۴. حیاط مدرسه

۱. بچه‌ها را از کلاس بیرون بیاورید. دوری در حیاط بنزید. می‌توانید از قبل هدف خودتان را از این کار توضیح دهید که تقویت



در بند سوم و ...

۴. برای اینکه کار نوشتن با نوعی سرگرمی هم همراه شود، می‌توان بچه‌ها را بر اساس علاقه‌ی خودشان به گروه‌هایی تقسیم کرد و در حیاط دبستان گردش کرد؛ گروه شنوایی، گروه چشایی، گروه لامسه، گروه بینایی، گروه بوایی. به این ترتیب، به چند فهرست می‌رسیم که هر کدام به یک حس مربوط است. بعد از بچه‌ها می‌خواهیم مطابق مورد قبلی به نوشتن بندهای مجزا بپردازند.

دخالت احساس

بچه‌ها باید یاد بگیرند که نوشتن مشاهدات، بخشی مهم از نوشتن است که اگر گاهی با احساس ما از موقعیت هم آمیخته شود، خواننده یا شنونده به برداشت جامع‌تری از موضوع می‌رسد. می‌توان بند پایانی را به نوشتن احساس خود از موضوع که گاهی با رضایت همراه است و گاه هم با نارضایتی، در بند آخر آورد.

هدف‌های مشاهده‌نویسی

۱. افزودن دقت بچه‌ها در دیده‌ها، شنیده‌ها، چشیدنی‌ها، لمس کردنی‌ها، بویدنی‌ها؛
۲. تقویت تخیل آنان در موضوعات بالا؛
۳. یاد گرفتن این نکته که اساس هر نوشتاری به مشاهده‌ی دقیق موضوع نوشته برمی‌گردد.
۴. لذت کشف چیزهایی که بارها دیده و شنیده‌اند، اما به آن دقت نکرده‌اند.

مشاهده‌نویسی است. می‌توانید وقتی گشت در مدرسه تمام شد و به کلاس برگشتید از بچه‌ها بخواهید قلم و کاغذ بردارند و هر چه دیده، شنیده، لمس کرده، چشیده و ... روی کاغذ فهرست کنند. برای فهرست کردن وقت بگذاریم تا بچه‌ها عادت کنند قبل از نوشتن، ابتدا مشاهده‌های خودشان را روی کاغذ بنویسند.

۲. پس از فهرست کردن، از آنان بخواهیم آن‌ها را در یک نوشته‌ی کوتاه به کار ببرند. بخواهیم برای یک نفر که این مدرسه را ندیده است، طوری مشاهده‌های خود را بنویسند که گویی خودشان در این مدرسه قدم زده‌اند. بخواهیم از جزئیات نگذرند.

۳. می‌توانیم از آنان بخواهیم به نوشته‌شان نظم دهند. مثلاً دیده‌ها در یک بند، شنیده‌ها در بندی دیگر و چیزهایی که لمس کرده‌اند





بازی‌های حرکتی، ابزاری در خدمت آموزش لیلی برای کنکاش

فعالیت‌های حرکتی و بازی اولین و مهم‌ترین ابزاری هستند که کودک توسط آن‌ها خود و محیطش را کنکاش می‌کند. بازی طبیعی‌ترین روش کودک برای زندگی کردن و یادگیری فرض می‌شود (Brock, & Jarvis, 2013) نیاز به بازی موضوعی جهانی و عمومی در میان کودکان محسوب می‌شود، به طوری که از آن به عنوان «بهترین روش برای آموزش و یادگیری کودکان» نام می‌برند (Ebrahim, 2014) بازی‌های حرکتی، علاوه بر اینکه بر توسعه‌ی آمادگی جسمانی و مهارت‌های حرکتی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی دارند، مهارت‌های شناختی و قوای ادراکی و شایستگی‌های فردی و اجتماعی را در آنان رشد می‌دهند. متخصصان علوم شناختی معتقدند، زمانی که کودکان از موقعیت خاصی لذت می‌برند، برای تداوم فعالیت بیشتر برانگیخته می‌شوند و سریع‌تر و با مقاومت کمتری یاد خواهند گرفت. به همین خاطر، آموزش از طریق بازی‌های حرکتی، یادگیری را در آنان محتمل‌تر خواهد کرد. پژوهشگران کنترل حرکتی نیز بر این باورند که بازی‌های حرکتی تجربه‌هایی نو در موقعیت‌های جدید خلق می‌کنند که بر قطر و طول نورون‌ها می‌افزاید. در نتیجه، پردازش اطلاعات فرد را سرعت می‌بخشد و تصمیم‌گیری‌های مطلوب‌تر را در پی دارد.

کلیدواژه‌ها: بازی، آمادگی جسمانی، رشد عاطفی

حرکت و یادگیری

این نوع آموزش به تقویت قدرت تفکر و خلاقیت، تسهیل فرایند یادگیری، افزایش جذابیت یادگیری، افزایش انگیزه‌ی یادگیری، تعمیق یادگیری، افزایش مشارکت، رشد مهارت‌های اجتماعی، ایجاد تنوع و افزایش میزان تحرک و شادابی و نشاط فراگیرندگان کمک خواهد کرد. مک‌نیل معتقد است اصولاً فعالیت‌هایی که ترکیبی از اندیشیدن، احساس کردن و به کارگیری عاطفه و تحرک بدنی هستند، در صورت با هم بودن، فرصت‌های فوق‌العاده‌ای برای یادگیری فراهم می‌کنند.

اصول طراحی بازی

در طراحی بازی، رعایت اصول و قواعد می‌تواند اثربخشی آموزش را بیشتر کند. در اینجا این اصول در قالب فهرست و آرسی (چک‌لیست) معرفی می‌شوند:

فهرست و آرسی اصول طراحی بازی

- به ویژگی رشد ذهنی دانش‌آموز به چه میزان، توجه شده است؟
- به ویژگی رشد حرکتی و جسمی (فاکتورهای آمادگی جسمانی و مهارت‌های ورزشی) دانش‌آموز به چه میزان توجه شده است؟
- به ویژگی‌های رشد عاطفی (نظم‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، کار گروهی، اخلاق، اعتمادبه‌نفس و ...) دانش‌آموز به چه میزان توجه شده است؟
- آیا فعالیت‌های پیش‌بینی شده با جنس و سن دانش‌آموزان

بازی فراگیر

بازی‌های حرکتی نه تنها در کلاس درس تربیت بدنی، بلکه در سایر درس‌ها نیز کارکردهای سازنده‌ای دارند. در واقع تلفیق آموزش درس‌های دوره‌ی ابتدایی با بازی و فعالیت‌های حرکتی می‌تواند زمینه‌ی یادگیری اثربخش را فراهم سازد. آموزش تلفیقی درس‌ها در مقام مقایسه با آموزش‌های سنتی، برای دانش‌آموزان جذاب‌تر، برانگیزاننده‌تر و در مجموع سودمندتر است. در سایه‌ی رویکرد تلفیقی، افراد در کلاس حضور فعال‌تری دارند و ضمن یادگیری عمیق مفاهیم علمی و کسب توانایی استفاده از معلومات فراگرفته شده در عرصه‌ی زندگی، فعالیت و تحرک جسمانی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود.

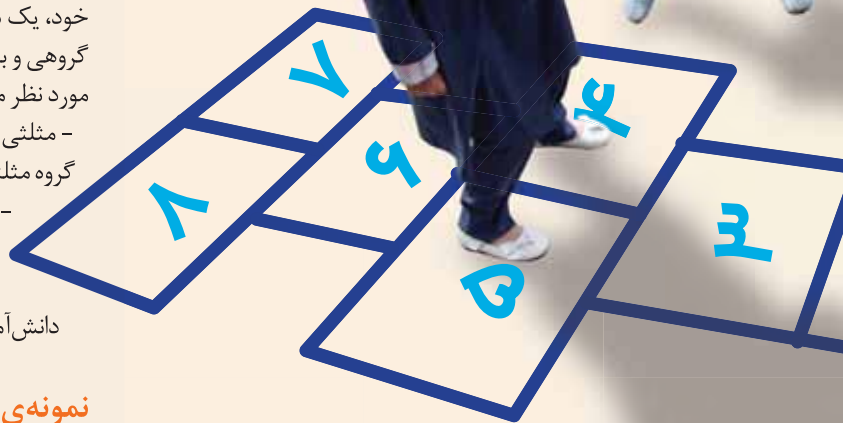
شرح بازی

هر دانش آموز به عنوان یک واحد در نظر گرفته می شود. دانش آموزان به صورت پراکنده در محیط باز مستقر می شوند. با شروع بازی، آموزگار از دانش آموزان می خواهد با آرایش ایستادن خود، یک شکل هندسی را طراحی کنند. دانش آموزان به صورت گروهی و با دستانی باز، دست های هم را می گیرند و به صورت شکل مورد نظر مستقر شوند. مثلاً:

- مثلی با محیط هفت واحد (یعنی هر هفت دانش آموز در یک گروه مثلی تشکیل بدهند)؛

- مربعی با ضلع دو واحد (یعنی هر هشت دانش آموز در یک گروه مربعی تشکیل بدهند)؛

- یک پنج ضلعی با محیط ۱۰ واحد (یعنی هر ۱۰ دانش آموز در یک گروه پنج ضلعی تشکیل بدهند).



نمونه ۲:

هدف: آشنایی دانش آموزان با اندام بدن، علوم پایه‌ی چهارم ابتدایی
چالش: احساس ضربان قلب
فضا، تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز: فضای باز برای انجام حرکات ورزشی

شرح بازی: دانش آموزان در گروه های پنج نفره قرار می گیرند. آموزگار برگه ای در اختیار هر گروه قرار می دهد و از آن ها می خواهد بگویند در کدام فعالیت ضربان قلب (نبض) بیشتر خواهد شد؛ طناب زدن، لی لی کردن، پیاده روی معمولی، حرکات کششی و حرکات تعادلی لک لک، هر گروه ابتدا ضربان قلب خود را در حالت نشسته اندازه می گیرند و در برگه یادداشت می کنند. پس از آن، هر یک از اعضای گروه حرکات نام برده را به مدت دو دقیقه انجام می دهند و میزان ضربان قلب خود را در برگه ی گروه یادداشت می کنند. پس از ثبت نتایج، در گروه بحث و گفت و گو می شود. در کدام فعالیت ضربان قلب بیشتر تغییر کرده است؟ با بالا رفتن در هر حرکت چه اتفاقاتی در بدن می افتد؟ کدام فعالیت انرژی بیشتری از فرد می گیرد؟ تعداد تنفس در کدام فعالیت بیشتر است؟

متناسب هستند؟

- آیا فضا و تجهیزات ایمن فراهم شده اند؟
- آیا فعالیت های پیش بینی شده با انتظارات عملکردی واحد یادگیری انطباق دارند؟
- آیا فعالیت های پیش بینی شده از نشاط، شادابی و پویایی لازم برخوردارند؟
- آیا قوانین بازی شفاف ارائه شده اند؟
- آیا فرصت حرکتی برای همه ی دانش آموزان (تا حد امکان همه به یک میزان) فراهم شده است؟

نمونه ۱

هدف: آشنایی دانش آموزان با شکل های هندسی و محیط آن ها، ریاضی پایه ی سوم ابتدایی
چالش: طراحی شکل با محیط مشخص
فضا، تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز: فضای باز برای استقرار دانش آموزان

نام گروه:			
نام و نام خانوادگی	نام حرکت	ضربان قلب قبل از انجام حرکت	ضربان قلب بلافاصله بعد از حرکت
	طناب زدن		
	لی لی کردن		
	پیاده روی		
	حرکت کششی		
	حرکت تعادلی		



قاطع، اما صمیمی کارآمدی آموزگار در مدیریت کلاس

مقاله‌ی حاضر مروری اجمالی و تحلیلی به موضوع مدیریت کلاس است و ابعادی از مقوله‌ی مدیریت کلاس را واکاوی کرده است. کلیدواژه‌ها: مدیریت، اداره‌ی کلاس

مدیریت

امروزه یکی از موضوعات مهم در مدرسه‌ها و برای آموزگاران، موضوع مدیریت کلاس است. مدیریت کلاس مقوله‌ای فراتر از برقرار کردن نظم و انضباط در کلاس درس دارد.

مدیریت موفق کلاس، بیش از رهبری کلاس از طریق تدوین برنامه‌های درسی، سازمان‌دهی برنامه‌ها و مراحل کار و ... به ارتقای کیفی محیط آموزشی، بهبود روابط بین دانش‌آموزان، روابط بین آموزگار و دانش‌آموز، و به عبارتی دیگر، به بعد اخلاقی و روان‌شناختی برمی‌گردد.

ممکن است برخی افراد میزان موفقیت و کارآمدی آموزگار را با نمرات بالاتر دانش‌آموزان او در آزمون‌ها، کسب رتبه‌های علمی و بالاتر بودن میانگین کلاس بسنجند، اما واقعیت این است که آموزگاران که می‌دانند چگونه با شاگردان برخورد کنند و می‌دانند دیگران چگونه رفتار آن‌ها را دریافت و تعبیر می‌کنند، در درازمدت کارایی بهتری دارند. ممکن است نمره‌های بالای دانش‌آموزان یا کیفیت بالای پاسخ به سؤالات کلاسی، با میزان موفقیت آموزگار در ارتباط باشد، اما به‌طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده‌ی آن نیست. تسلط بر مباحث درسی به‌طور قطع مهم است، با این حال بارها معلمانی را دیده‌ایم که مباحث درسی را به‌خوبی می‌دانند، اما در شناخت دانش‌آموزانشان شکست می‌خورند.

آموزگاران که خود از هوش اجتماعی^۱ و هوش هیجانی^۲ بالاتری برخوردارند، معمولاً درک احساسات و شناخت هیجانات کودکان بهتر عمل می‌کنند و به تبع آن ارتباط بهتری هم با شاگردانشان برقرار می‌کنند.

وقتی شاگردان با آموزگاران خود احساس صمیمیت کنند، صمیمیتی که در آن هم به پویایی‌ها، خلاقیت‌ها و تفاوت‌های فردی

بها داده شود و هم احترام کلاس حفظ شود و کسی از قوانین انضباطی تخطی نکند، کلاس به بهترین نحو ممکن اداره و مدیریت می‌شود.

توجه به هیجانات

در اداره‌ی کلاس به وسیله‌ی آموزگار کارآزموده، علاوه بر نظم حاکمی که کیفیت یادگیری را بهبود می‌بخشد، شیوه‌های رفتار کردن با فراگیرندگان در کلاس، اداره‌ی بحث‌ها و فعالیت‌های کلاسی و روشی که آموزگار در واکنش به حالات هیجانی و استرس خود به کار می‌گیرد نیز بسیار حائز اهمیت است.

اینکه او با شرایط دشوار چگونه کنار می‌آید؟ وقتی بین بچه‌ها دعوا می‌شود، چه برخوردی می‌کند؟ در مقابل اختلاف‌نظرها چه واکنشی دارد؟ آیا وقتی بحث‌ها بالا می‌گیرد و افراد هیجان‌زده می‌شوند، ادبیات آموزگار همچنان مناسب باقی می‌ماند؟ با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان چگونه تعامل می‌کند؟ آیا انعطاف‌پذیری لازم را در مواجهه با آرا و نظرات گوناگون دارد؟ آیا در صورت لزوم آمادگی لازم برای انعطاف در برنامه‌ها، در راستای پویایی بیشتر کلاس، را

اگر آموزگار بتواند فضای عاطفی مناسبی ایجاد کند، دانش‌آموزان نیز تلاش خواهند کرد با رفتارهای معقول‌تر و پسندیده‌تر رضایت خاطر وی را جلب کنند.

برای سوءاستفاده نکردن برخی دانش‌آموزان از فضای گرم و صمیمی کلاس نیز بهتر است از ابتدای سال با مشارکت و همراهی خود دانش‌آموزان، قوانینی با وضوح و روشنی کامل در کلاس وضع شود و همه با آگاهی و اشراف کامل ملزم و متعهد به اجرای آن‌ها شوند؛ حتی خود آموزگار. آموزگاران باید در ابتدای سال برای دانش‌آموزان و خودشان انتظاراتی را تعیین کنند و مطمئن شوند این انتظارات برای دانش‌آموزان قابل فهم هستند و آن‌ها قادر خواهند بود آن‌ها را پیوسته انجام دهند. بعد هم در طول سال، با پیگیری‌های لازم و برخوردهای بجا و مناسب، به‌طور مداوم آن‌ها را تقویت کند. در چنین شرایطی می‌توان از صمیمیت و قاطعیت توأمان برای مدیریت موفق‌تر کلاس بهره گرفت.

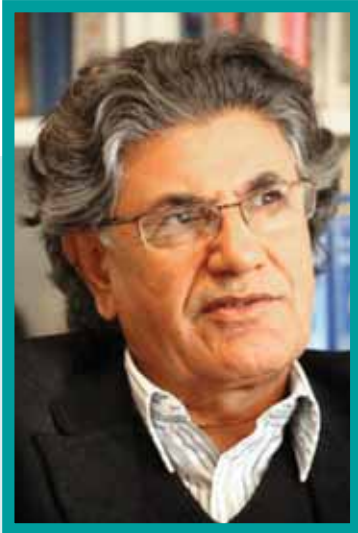
پی‌نوشت‌ها

۱. هوش اجتماعی به این معناست که بتوانیم انگیزه‌ی رفتارهای خود و دیگران را به‌خوبی درک کنیم و از این اطلاعات در تعاملات اجتماعی استفاده کنیم.
 ۲. تعریف هوش هیجانی از دیدگاه سالووی و مایر عبارت است از: توانایی نظارت و پایش احساسات و هیجانات خود و دیگران، تفکیک و تشخیص آن‌ها، و استفاده از این اطلاعات به‌عنوان راهنمای تفکر و رفتار.
- دانیل گلمن نیز هوش هیجانی را چنین تعریف می‌کند: هوش هیجانی شامل توانایی‌هایی مثل انگیزه دادن به خود، پشتکار در شرایط دشوار و سرخوردگی، کنترل رفتارهای تکانشی، به تأخیر انداختن خواسته‌ها، تنظیم هیجانات، جلوگیری از غلبه‌ی استرس بر قدرت فکر کردن، همدلی با دیگران و امیدواری است.



دارد؟ آیا به علت و عوامل برانگیخته شدن احساسات و هیجانات گوناگون همه‌ی دانش‌آموزان توجه می‌کند؟ آیا دلایل مواردی مثل بی‌انگیزگی، بی‌حوصلگی، خستگی و بی‌قراری را پیگیری می‌کند؟ آیا هنگام برخورد با موقعیت‌های نابهنجار رفتاری از ناحیه‌ی شاگردان، می‌تواند خونسردی خود را حفظ کند؟ آیا می‌تواند در چنین مواقعی با آرامش سعی کند علت رفتارهای ناشایست را شناسایی کند؟ آیا در کلاس او کسی نادیده انگاشته می‌شود؟ آیا به همه‌ی دانش‌آموزان به‌طور یکسان توجه می‌شود؟ آیا در کلاس او دانش‌آموزان می‌توانند این احساس را داشته باشند که از حقوق یکسانی برخوردارند؟

معمولاً اکثر آموزگاران به بچه‌های کلاس خود علاقه‌مندند و دانش‌آموزانشان را دوست دارند. اما همه‌ی آن‌ها این حس خود را نشان نمی‌دهند و برای مدیریت بهتر کلاس از آن بهره نمی‌گیرند. آموزگاری که احساسات و علاقه‌های خود را نسبت به کلاس و دانش‌آموزان بیان می‌کند و اجازه می‌دهد شاگردانش بدانند چقدر به آن‌ها علاقه‌مند است، به‌طور مسلم در شرایط و موقعیت‌های مختلف بازخورد بهتر و مناسب‌تری از دانش‌آموزان خواهد گرفت.



پیشگام در روان‌شناسی تربیتی ایران

دکتر علی‌اکبر سیف، استاد شاخص،
نویسنده و مترجم

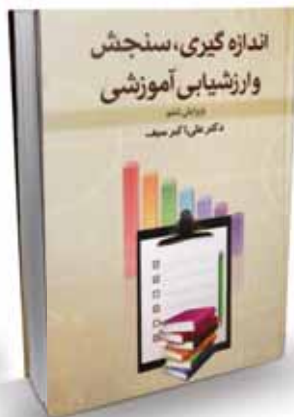
ترجمه‌های وی استقبال شده و بعضی بارها چاپ شده‌اند. معروف‌ترین کتاب او «روان‌شناسی پرورشی» است که از زمان انتشار اولین نسخه در سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۸، هفت بار ویرایش و ۶۷ بار چاپ شده است.

بعضی دیگر از کتاب‌های مهم دکتر علی‌اکبر سیف به ترتیب زیرند. **تألیف:** اندازه‌گیری، سنجش و ارزیابی آموزشی؛ سنجش فرایند و فرآورده‌ی یادگیری؛ اندازه‌گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی؛ تغییر رفتار و رفتاردرمانی؛ نظریه‌ها و روش‌ها؛ روش تهیه‌ی پژوهش‌نامه در روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ روش‌های یادگیری و مطالعه؛ معرفی درمان‌های رفتاری و شناختی نسل‌های اول و دوم و سوم با تأکید بر درمان وابسته به پذیرش و تعهد (اکت)؛ مجموعه‌ی مقاله‌ها و مصاحبه‌ها.

ترجمه: ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشگاهی؛ روش‌های مطالعه؛ فراسوی آزادی و شأن؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری؛ درمان با روش حل مسئله.

علی‌اکبر سیف در ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۲۰ در شهر نهاوند به دنیا آمد. پدرش را در دو سالگی از دست داد و با سرپرستی مادر و در فقر و سختی بزرگ شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و در خرداد سال ۱۳۴۱ دیپلم ریاضی گرفت. پس از ورود به خدمت سربازی، به‌عنوان سپاهی‌دانش در یکی از روستاهای نهاوند مأمور به تدریس شد. در سال ۱۳۴۳ به استخدام اداره‌ی فرهنگ نهاوند درآمد و در روستاها به خدمت ادامه داد. پس از آن، امکان یافت به دوره‌ی لیسانس آموزش و پرورش با گرایش روان‌شناسی، در دانش‌سرای عالی سپاه دانش وارد شود. در سال ۱۳۴۷ هم با رتبه‌ی اول فارغ‌التحصیل شد. در شهریور ۱۳۴۸ با استفاده از بورس تحصیلی برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا رفت. سیف در سال ۱۳۵۰ فوق‌لیسانس خود را در رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه ایلینویز جنوبی گرفت و در سال ۱۳۵۲ هم دانشنامه‌ی دکترایش را در همان رشته و دانشگاه گرفت. او به ایران بازگشت و عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیف با عضویت در هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، به فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی ادامه داد.

دکتر سیف شخصیتی اندیشمند و تأثیرگذار در عرصه‌ی روان‌شناسی تربیتی ایران است. بیشتر اهل تألیف است، ولی زمانی به ترجمه روی آورده است که بخواهد اثری ارزشمند و مهم را به جامعه‌ی علمی عرضه کند. از همه‌ی آثار تألیفی و



راهنمای عملی طراحی آزمون عملکردی



مؤلفان: محمد صفریان - مراد علی میرزایی

ناشر: تایماز (تهران ۰۲۱-۶۶۴۰۲۷۴۴)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

حیطه‌ی ارزشیابی نیز به پیروی از مجموعه‌ی بالادستی خود و آن هم تحت تأثیر تحولات جهانی، در تغییر است. ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و به‌ویژه ارزشیابی کیفی - توصیفی در جامعه‌ی تعلیم و تربیت انسانی نقش مهمی بازی می‌کند. ارزشیابی توصیفی در واقع الگویی کیفی است که تلاش می‌کند به عمق و کیفیت یادگیری همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان توجه کند. در نتیجه، توصیفی از وضعیت یادگیری آن‌ها ارائه می‌دهد که به اصلاح و بهبود توسعه‌ی مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌ها نیز می‌انجامد.

اهداف ارزشیابی توصیفی

اهداف ارزشیابی توصیفی از نگاه این کتاب، به اصلاح و ارتقای فرایند یاددهی - یادگیری در کلاس و میان آموزگار و دانش‌آموز اشاره دارد. کتاب چگونگی شناسایی و پرورش استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان با تکیه بر استعدادهای برتر هر یک را توضیح می‌دهد. تولید اطلاعات برای ارزیابی، اصلاح و تقویت برنامه‌ها و روش‌های آموزشی تربیتی نیز از راهکارهای ارائه شده در این کتاب هستند.

با تغییر رویکرد ارزشیابی، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا نیز تغییر خواهد کرد. بنابراین، انتظار می‌رود دانش‌آموزان به جای فراگیری موضوعات مستقل از یکدیگر، مفاهیم و ایده‌های اصلی و روش‌های تفکر در حوزه‌های مختلف را بیاموزند.

در ارزشیابی توصیفی فرایند ارزشیابی با فرایند تدریس ادغام شده و مرز جدی یا حد فاصل میان این دو فرایند از میان رفته است. به این شکل، تغییر دیدگاه آموزگاران درباره‌ی ارزشیابی نیازمند تغییر دیدگاه آن‌ها درباره‌ی یادگیری و نقش معلم و دانش‌آموزان در آن است.

پروژه

یکی از روش‌هایی که فرصت ارزشیابی توصیفی از فرایند و محصول یادگیری دانش‌آموزان را به خوبی فراهم می‌کند، پروژه است. اگر فعالیت‌هایی تحت عنوان پروژه به درستی هدایت شوند، از مؤثرترین شیوه‌ها در سهیم کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزشی و پایدار کردن آموخته‌های ایشان در حیطه‌های مختلف دانش، مهارت و نگرش هستند، زیرا برای آنکه آموخته‌ای در ذهن یادگیرنده ثبت شوند، باید در موقعیت‌های مناسب به کار گرفته شوند.

انواع آزمون‌های عملکردی

در کتاب راهنمای عملی طراحی آزمون عملکردی، انواعی برای آزمون‌ها ذکر شده است:

آزمون کتبی عملکردی، آزمون شناسایی، آزمون عملکردی در موقعیت شبیه‌سازی شده و نمونه‌ی کار از این گروه هستند.

کتاب حاضر با توجه به عنوان خود، بخش‌های متنوعی دارد و در انتها مثال‌هایی از آزمون عملکردی پایه‌های گوناگون تحصیل دوره‌ی ابتدایی را آورده است.

درس لک‌لک در پایه‌ی اول، آزمون عملکردی شناسایی پایه‌ی سوم (بخوانیم و بنویسیم)، آزمون عملکردی نمونه‌ی کار (ریاضی پایه‌ی اول)، آزمون عملکردی انرژی ذخیره‌ای (پایه‌ی ششم) و بسیاری آزمون‌های دیگر در این کتاب برای نمونه آمده‌اند.

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳ شماره شبیا:
IR 180180000000000039662000

عنوان مجلات در خواستی:

.....

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- کد پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:
- اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱
- تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
- Email: Eshterak@roshdmag.ir

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۵۵۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهانامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطر: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماهنامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه باشند.
 ۵. مقاله‌های کپی شده سریع تشخیص داده و کنار گذاشته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ی ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید. از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ی محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل «ورد» به ایمیل الصاق کنید. فایل «پی‌دی‌اف» نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

سایه به سایه‌ی همسالان

چقدر فرزندم را می‌شناسم؟

اکثر والدین در مورد تأثیرپذیری منفی فرزندشان و تقلید از همسالان نگران‌اند و در این زمینه با مشکلاتی مواجهند و نحوه‌ی رسیدگی آن‌ها گاهی خلاف روشی است که باید به کار گرفته شود. به همین دلیل، در برخی مواقع آسیب‌ها و پیامدهای جبران‌ناپذیری را به وجود می‌آورند.

از آنجا که اعتقاد دارم نحوه‌ی برخورد آموزگار با اشتباه دانش‌آموز، به مراتب از خود اشتباه مهم‌تر است و در توانمندسازی دانش‌آموزان تأثیر جدی دارد، سعی کردم با نگاهی نو بر ماهیت و کیفیت رفتارهای آن‌ها در زمینه‌های خاص (در چه موقعی، با چه کسانی، چگونه و ...) تمرکز بیشتری به خرج دهم و مهارت‌های اجتماعی مناسب‌تری برای دانش‌آموزان و والدین آن‌ها طرح‌ریزی کنم، از جمله: ۱. شناسایی و آموزش خانواده‌های آسیب‌پذیر؛ ۲. آموزش مشارکت در فعالیت‌های گروهی و دوستانه؛ ۳. آموزش درک احساسات و همدلی.

آموزش خانواده‌های آسیب‌پذیر

مهم‌ترین الگوی رفتاری کودکان والدین آن‌ها هستند و هر نوع خواسته‌ای نباید با رفتار والدین تضاد داشته باشد و براساس این قاعده و اینکه با افزایش میزان مهارت‌های زندگی والدین، سطح مشکلات خانواده در جریان اجتماعی شدن کاهش می‌یابد، در اولین فرصت، با مدیر دبستان صحبت کردم و برای تشکیل جلسات فردی با پدر و مادرها، با هدف شناسایی خانواده‌های آسیب‌پذیر، درخواست دادم. موضوع جلسه این بود: «چقدر فرزندم را می‌شناسم؟»
با تجزیه و تحلیل داده‌های این جلسات نتیجه گرفتم: «اولیا غالباً در صورتی به توانایی فرزندشان افتخار می‌کنند که آنچه را برعهده‌ی آن‌ها گذاشته‌اند درست انجام دهند، نه آنچه خود انتخاب کرده‌اند. سپس با ملاک و معیارهای دیدگاه خود عمل آن‌ها را ارزیابی می‌کنند. به همین علت، این دسته از کودکان با والدین خود دوست و صمیمی نیستند و بیشتر مستعد پذیرفتن رفتارهای همسالان ناشناس هستند. والدین این کودکان نیز به فرزند خود برچسب‌های شر، و دست و پاچلفتی می‌زنند.» لذا پایه‌های کاری‌ام را در جلسات آموزش خانواده‌های آسیب‌پذیر، با توجه به نوع و عمق مشکل، به صورت هفتگی یا ماهانه طرح‌ریزی کردم و راهکارهایی را پیشنهاد کردم:



۱. جایگاه و حرمت یکدیگر را برای فرزندان با عمل و گفتار نشان دهید، چرا که اصلاح روابط والدین توأم با مثبت‌اندیشی، خودپنداره‌ی مثبت را در فرزندان تقویت می‌کند.
 ۲. برای شناخت دوستان فرزند خود وقت کافی اختصاص دهید. اشتغال والدین و در کنار آن رواج تک‌فرزندی، به‌طور ناخودآگاه فرزند را مجبور می‌کند برای فرار از تنهایی به سمت گروه‌های همسالان ناشناس یا شبکه‌های مجازی برود.
 ۳. هنگام صحبت کردن درباره‌ی یک موضوع، کوتاه صحبت کنید، چرا که بچه‌ها به حرف‌های کوتاه فعالانه‌تر گوش می‌دهند.
 ۴. در برخورد با فرزندان، نگرش منفی و مضطرب نداشته باشید و ارتباط چشمی با آن‌ها را حفظ کنید. اجازه دهید اول فرزندان اولویت‌های خود را مطرح کنند، سپس با مشورت یکدیگر تصمیم بگیرید.
 ۵. به احساسات فرزندان احترام بگذارید و در طول شبانه‌روز ساعاتی را برای صحبت کردن با آن‌ها اختصاص بدهید. این کار تعادلی سالم بین او و شما برقرار می‌کند.
- معتقدم، پایه و اساس فعالیت‌های گروهی و دوستانه، مشارکت است بنابراین، با رعایت نکات زیر، مفهوم و شیوه‌ی مشارکت را به دانش‌آموزانم آموختم.
۱. در ساعات کتابخوانی (هفته‌ای یک‌بار) داستان‌هایی را که مفهوم مشارکت را دارند، برای دانش‌آموزانم می‌خواندم.
 ۲. هیچ‌گاه دانش‌آموزانم را در به اشتراک گذاشتن و شریک کردن وسایلشان، یا دادن جای خود (نیمکت مورد نظر) به دوستانشان، مجبور نکردم. اجازه می‌دادم با اجازه و انتخاب خودشان چیزی را که مایل به شراکت آن هستند، انتخاب کنند.
 ۳. در حین تدریس موضوعات، معمولاً نظر همه‌ی دانش‌آموزانم را می‌پرسیدم و در صورت لزوم رأی‌گیری می‌کردم.

روزهای همبستگی

ایران
فدای اشک و خنده‌ی تو، دل پر و تپنده‌ی تو
فدای حسرت و امیدت، رهایی رمنده‌ی تو
ایران
اگر دل تو را شکستند تو را به بند کینه بستند
چه عاشقان بی‌نشانی که پای درد تو نشستند
کلام شد گلوه باران به خون کشیده شد خیابان
ولی کلام آخر این شد که جان من فدای ایران

در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، دوربین‌های
عکاسی رویدادهایی را ثبت کرده‌اند که از همبستگی و
اتحاد مردم نشان دارند؛ تصویرهایی که از پایداری و حضور
همیشگی و در صحنه‌ی مردم برای پاسداری از اعتقادات و
ارزش‌هایشان می‌گویند؛ عکس‌ها روایتگر داستان پیروزی
این مردم‌اند. شعر «ایران فدای اشک و خنده‌ی تو...» شاید
توصیف گوشه‌ای از این شور و نشاط روز راهپیمایی
۲۲ بهمن را در دل زنده کند:



عاطفه رضاخواه گشتی



ایمان حامی خواه



مهدی عقیقی



فائزه فرقانی



ایمان حامی خواه



حاج قاسم

حماسه

مقاومت

شهادت

انتقام سخت